هزارواژهٔ حمل‌ونقل درون‌شهری ــ جاده‌ای

(۱)

مجموعهٔ هزارواژه‌ها
۳۴

هزارواژهٔ حمل‌ونقل درون‌شهری ـ جاده‌ای

(۱)

مجموعهٔ واژه‌های حمل‌ونقل درون‌شهری ـ جاده‌ای

برگرفته از فرهنگ واژه‌های مصوّب
فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۱۳۷۹-۱۴۰۲

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

گروه واژه‌گزینی

پژوهشکدهٔ مطالعات واژه‌گزینی

نشر آثار / تهران ۱۴۰۳

هزارواژهٔ حمل‌ونقل درون‌شهری ـ جاده‌ای

تدوین و ویرایش و حروف‌نگاری: **گروه واژه‌گزینی پژوهشکدهٔ مطالعات واژه‌گزینی**

مدیر فنّی چاپ: **حمید دمیرچی**

طراح روی جلد: **حسین میرزاحسینی**

چاپ اوّل: **۱۴۰۳** شمار: **۵۰۰ نسخه**

قیمت: **۱۴۰۰۰۰ تومان**

چاپ و صحافی: **رسام**

شابک: **۴-۵۶-۵۳۰۵-۶۲۲-۹۷۸:**

ISBN: **978-622-5305-56-4**

نشانی: **تهران، بزرگراه شهید حقّانی، مجموعهٔ فرهنگستان‌ها، بلوار دکتر حسن حبیبی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی**

صندوق پستی: ۶۳۹۴-۱۵۸۷۵

تلفن: **۶۸-۸۸۶۴۲۳۳۹ (۰۲۱)**؛ دورنگار: **۸۸۶۴۲۴۲۱ (۰۲۱)**

وبگاه: **www.apll.ir**

فهرست‌نویسی پیش از انتشار کتابخانهٔ ملّی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه	فرهنگستان زبان و ادب فارسی، پژوهشکده مطالعات واژه‌گزینی. گروه واژه‌گزینی
عنوان و نام پدیدآور	هزارواژه حمل‌ونقل درون شهری ـ جاده‌ای (۱): مجموعه واژه‌های حمل‌ونقل درون شهری ـ جاده‌ای برگرفته از فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۱۳۸۳ ـ ۱۴۰۲ / فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه واژه‌گزینی، پژوهشکده مطالعات واژه‌گزینی.
مشخصات نشر	تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه نشر آثار، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	پانزده، ۳۹ ص.
فروست	فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ ۲۷۰. مجموعه هزارواژه‌ها؛ ۳۴.
شابک	978-622-5305-56-4 : ۱۴۰۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	فیپا
موضوع	فارسی ـ ـ واژه‌های جدید ـ ـ حمل‌ونقل شهری Persian language – –New words – – Urban transportation فارسی ـ ـ واژه‌های جدید ـ ـ حمل‌ونقل جاده‌ای Persian language – –New words – – Transportation, Automative حمل‌ونقل شهری ـ ـ واژه‌نامه‌ها ـ ـ فارسی Urban transportation – – Dictionaries – – Persian حمل‌ونقل شهری ـ ـ واژه‌نامه‌ها ـ ـ انگلیسی Urban transportation – – Dictionaries – – English حمل‌ونقل جاده‌ای ـ ـ واژه‌نامه‌ها ـ ـ فارسی Transportation, Automotive – – Dictionaries – – Persian حمل‌ونقل جاده‌ای ـ ـ واژه‌نامه‌ها ـ ـ انگلیسی Transportation, Automotive – – Dictionaries – – English فارسی ـ ـ واژه‌نامه‌ها ـ ـ انگلیسی Persian language – – Dictionaries – – English زبان انگلیسی ـ ـ واژه‌نامه‌ها ـ ـ فارسی English language – – Dictionaries – – Persian
شناسهٔ افزوده	فرهنگستان زبان و ادب فارسی. گروه نشر آثار
رده‌بندی کنگره	PIR ۲۹۶۴
رده‌بندی دیویی	۴فا۳/۱
شمارهٔ کتابشناسی ملی	۹۶۰۶۶۰۴
اطلاعات رکورد کتابشناسی	فیپا

فهرست مطالب

بسم‌الله الرّحمن الرّحیم

پیشگفتار

هـزارواژه نـام عمـومی فرهنـگ‌هـایی تخصصـی اسـت کـه از سـوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی منتشر می‌شود. ممارست طولانی در کار واژه‌گزینی که به یافتن و ساختن ده‌هاهزار واژهٔ فارسی در برابر لغات و اصطلاحات بیگانه انجامیده است، گروه واژه‌گزینی را قـادر سـاخته تـا دفترهایی با بیش از هزار واژهٔ مصوّب در بعضـی از رشـته‌هـای علمـی انتشار دهد.

امید است انتشار ایـن دفترهـا دسترسـی اسـتادان و پژوهشـگران و نویسندگان و مترجمان هر رشته را بـه معـادل‌هـای فارسـی و لغـات و اصطلاحات بیگانهٔ همان رشته آسان‌تر سازد و الگویی بـه دسـت آنـان دهد تا خود نیز به همین سبک و سیاق واژه‌گزینی کنند. همچنـین امیـد است با انتشار ***هزارواژه***ها، پاسداری از زبان فارسی در عرصـهٔ علـم و فنّاوری و اهتمام به یافتن معادل‌های فارسـی بـه‌صـورت یـک فرهنـگ درآید تا همگان به یاری فرهنگستان بشتابند.

فرهنگستان آرزومند است روزی فرارسد که زبان فارسی، زبان علـم شود و این آرزوی محالی نیست. بـی‌گمـان اگـر بخـواهیم مـی‌تـوانیم، چنان‌که تاکنون، خواسته‌ایم و توانسته‌ایم.

غلامعلی حداد عادل
رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی
و مدیر گروه واژه‌گزینی
اردیبهشت هزاروچهارصدوسه

مقدمه

گروه واژه‌گزینی در طول حدود سی سال فعالیت خود بیش از شصت و پنج هزار واژه را در حوزه‌های مختلف علمی به تصویب رسانده است. در طی این سال‌ها متخصصان بسیاری با گروه همکاری داشته‌اند که در بعضی از حوزه‌ها این همکاری همچنان ادامه دارد. در این مدت تعداد واژه‌های مصوّب برخی از کارگروه‌های تخصصی از مرز هزار واژه فراتر رفت و تدوین فرهنگ‌های موضوعی واژه‌های مصوّب در این حوزه‌ها ضرورت یافت. ازاین‌رو، گروه واژه‌گزینی درصدد برآمد تا فرهنگ‌هایی موضوعی با عنوان ***هزارواژه*** تدوین و به جامعهٔ علمی عرضه کند. فرهنگ ***هزارواژه*** در برخی حوزه‌ها شامل بیش از هزار واژه است، زیرا حاصل چند سال تلاش کارگروه‌های واژه‌گزینی تخصصی است که اکنون در یک مجلد منتشر می‌شود. گروه واژه‌گزینی بنا دارد ازاین‌پس، با گذشتن مصوّبات هر حوزه از مرز هزار واژه، فرهنگ آن را منتشر کند. شیوهٔ کار واژه‌گزینی در فرهنگستان در مقدمهٔ دفترهای مختلف فرهنگ واژه‌های مصوّب فرهنگستان توضیح داده شده و در دفترک اصول و ضوابط واژه‌گزینی نیز شرح داده شده است.

همان‌طورکه در فرهنگ‌های واژه‌های مصوّب فرهنگستان ذکر شده است، واژه‌های مصوّب مندرج در هر فرهنگ در زمان انتشار، مصوّب مقدماتی تلقی می‌شوند و برای مدت تعیین‌شده از سوی شورای عالی فرهنگستان، ازطریق دفتر ریاست جمهوری به مؤسسات و مراکز دولتی

ابلاغ می‌شوند. برخی از واژه‌های فرهنگ حاضر نیز هنوز به تصویب نهایی نرسیده است و چنانچه پیشنهاد بهتری از سوی متخصصان و صاحب‌نظران عرضه شود، فرصت بررسی و تغییر آنها وجود دارد. امیدواریم اهل فن، با راهنمایی‌ها و پیشنهادهای خود ما را در این راه یاری دهند.

فرهنگ حاضر واژه‌های مصوّب فرهنگستان در حوزهٔ حمل‌ونقل درون‌شهری و جاده‌ای است. این کارگروه در سال ۱۳۷۶ آغاز به کار کرد. در طی سال‌های گذشته کارگروه حمل‌ونقل درون‌شهری و جاده‌ای با اشتیاق به معادل‌گزینی برای واژه‌های بیگانه در گرایش‌ها و شاخه‌های مختلف حوزهٔ حمل‌ونقل درون‌شهری و جاده‌ای همت گمارده و تلاش کرده است هماهنگ و همگام با فرهنگستان در این امر ملی مشارکت کند و این همکاری هم‌چنان ادامه دارد.

ذکر چند نکته در مورد این فرهنگ ضروری است. اختصاص واژه‌ها به کارگروه‌های تخصصی در فرهنگ‌های واژه‌های مصوّب فرهنگستان براساس روند تشکیل کارگروه‌ها یا زمان بررسی واژه‌ها در مقاطع مختلف بوده است. ازاین‌رو، خاستگاه برخی از واژه‌های این مجموعه ممکن است رشته‌های دیگر باشد. همچنین، برای افزایش بهره‌وری و صرفه‌جویی در وقت و هزینه، معمولاً واژه‌های مشترک چند حوزهٔ مرتبط فقط ازطریق یکی از کارگروه‌های تخصصی در شورای واژه‌گزینی مطرح می‌شود و در فرهنگ واژه‌های مصوّب فرهنگستان با برچسب همهٔ کارگروه‌های مرتبط می‌آید. این واژه‌ها در فرهنگ‌های موضوعی هریک از این کارگروه‌ها به‌تنهایی نیز درج می‌شود.

فرهنگستان در برابر برخی از واژه‌های بیگانه، ضمن پذیرفتن لفظ بیگانه، معادل فارسی نیز در کنار آن به تصویب رسانده است، به این امید که این معادل فارسی به‌تدریج جای لفظ بیگانه را بگیرد. برخی از

حوزه‌های علمی واژهٔ فارسی را پذیرفته‌اند و برخی همچنان اصرار بر به کار بردن لفظ بیگانه دارند. در مواردی که لفظ فارسی پذیرفته شده است، در تعریف‌ها صرفاً همان معادل به کار رفته و در مواردی که نپذیرفته‌اند، لفظ بیگانه در کنار لفظ فارسی آمده و با خط مورب از هم جدا شده‌اند.

همکارانی که نام آنها در فهرست همکاران علمی فرهنگستان آمده است در تصویب همهٔ واژه‌ها مشارکت نداشته‌اند، اما ازآنجاکه این واژه‌ها از دفتر اول تا دفتر نوزدهم در یک‌جا گرد آمده است، لازم دیده شد نام تمامی کسانی که با ما در مقاطع مختلف همکاری داشته‌اند در کنار هم ذکر شود. استادان و همکاران ما در شوراهای هماهنگی در هماهنگ و یکدست کردن واژه‌های هر حوزه زحمات بسیاری متقبل شده‌اند که به دلیل تنوع این شوراها از ذکر نام ایشان خودداری شده است. این استادان هریک نمایندهٔ یک کارگروه تخصصی هستند و نام آنها در ردیف اعضای کارگروه‌های تخصصی آمده است.

حاصل کار اعضای کارگروه تخصصی و همکاران ما در گروه واژه‌گزینی به همت همکاران بخش تدوین و حروف‌نگاری گروه واژه‌گزینی مدون شده است که خالصانه و صمیمانه با ما همکاری کردند و جا دارد در اینجا از ایشان قدردانی شود: آقای مهدی حریری که مسئولیت واحد تدوین فرهنگ و سرویراستاری فرهنگ‌های مصوّب فرهنگستان بر عهدهٔ ایشان است و با تجربه و دقت و دانش خود ما را یاری کردند؛ خانم‌ها عفت امانی*، لیدا خِمَّر، مینا سعادتی*، گیتی قریب* و فتانه نادری، همکاران واحد تدوین، که زحمت ویراستاری فنی و نمونه‌خوانی فرهنگ‌ها را بر عهده داشته‌اند؛ همچنین همکاران ما در بخش حروف‌نگاری خانم‌ها اکرم زرمحمدی، زهرا ساقی شیویاری و

مهناز مسیّبی که در سال‌های گذشته در حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی فرهنگ‌های مصوّب زحمات فراوانی را تقبل کردند. ویرایش فنی فرهنگ حاضر را خانم لیدا خمّر و حروف‌نگاری آن را خانم زهرا ساقی شیویاری انجام داده‌اند که جا دارد جداگانه از ایشان تشکر شود.

در پایان، سپاس خود را از خانم نسیم افشاری که در مراحل پایانی کار با ما همکاری کردند ابراز می‌دارد. امید است با تمهیداتی که صورت گرفته است بتوانیم چندین ***هزارواژه*** در حوزه‌های مختلف در هر سال به جامعهٔ علمی کشور عرضه کنیم.

گروه واژه‌گزینی
اردیبهشت هزاروچهارصدوسه

همکاران علمی

اعضای پیوستهٔ فرهنگستان زبان و ادب فارسی (شورای فرهنگستان): مرحوم استاد احمد آرام، مرحوم استاد عبدالمحمّد آیتی، استاد موسی اسوار، دکتر منوچهر امیری*، مرحوم دکتر قیصر امین‌پور، دکتر حسن انوری، دکتر نصرالله پورجوادی، مرحوم دکتر یدالله ثمره، مرحوم دکتر حسن حبیبی (رئیس فرهنگستان و مدیر گروه واژه‌گزینی از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴ و از ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷)، دکتر غلامعلی حداد عادل (مدیر گروه و رئیس شورای واژه‌گزینی از ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۳ و از ۱۳۸۷ تاکنون)، مرحوم دکتر جواد حدیدی، استاد بهاءالدین خرمشاهی، مرحوم دکتر محمد خوانساری، دکتر محمد دبیرمقدم، دکتر حسن رضائی باغ‌بیدی*، دکتر علی رواقی، مرحوم دکتر بهمن سرکاراتی، مرحوم استاد اسماعیل سعادت، مرحوم استاد احمد سمیعی (گیلانی)، دکتر علی‌اشرف صادقی، دکتر محمود عابدی، استاد کامرانی فانی، مرحوم دکتر حمید فرزام، مرحوم دکتر بدرالزمان قریب، دکتر فتح‌الله مجتبایی، دکتر مهدی محقق، استاد هوشنگ مرادی کرمانی،

* از اعضای پیشین کارگروه‌ها یا شوراها یا همکاران سابق گروه واژه‌گزینی فرهنگستان هستند.

دکتر حسین معصومی همدانی، مرحوم دکتر مصطفی مقربی، دکتر محمدعلی موحد، مرحوم استاد ابوالحسن نجفی، مرحوم دکتر سلیم نیساری، دکتر محمدجعفر یاحقی

اعضای شوراهای واژه‌گزینی:

اعضای پیوسته: مرحوم استاد احمد آرام

دکتر منوچهر امیری*، دکتر نصرالله پورجوادی، مرحوم دکتر یدالله ثمره، مرحوم دکتر حسن حبیبی (رئیس فرهنگستان و مدیر گروه واژه‌گزینی از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴ و از ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷)، دکتر غلامعلی حداد عادل (مدیر گروه و رئیس شورای، واژه‌گزینی از ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۳ و از ۱۳۸۷ تاکنون)، مرحوم دکتر جواد حدیدی، استاد بهاءالدین خرمشاهی، مرحوم دکتر محمد خوانساری، مرحوم دکتر بهمن سرکاراتی، مرحوم استاد اسماعیل سعادت، مرحوم استاد احمد سمیعی (گیلانی)، مرحوم دکتر هاراطون داویدیان، استاد هوشنگ مرادی کرمانی، دکتر حسین، معصومی همدانی، مرحوم دکتر مصطفی مقربی، مرحوم استاد ابوالحسن نجفی، مرحوم دکتر سلیم نیساری

سایر اعضا: دکتر ژاله آموزگار (عضو وابسته فرهنگستان)، مرحوم دکتر حسن ابراهیم‌زاده، دکتر محمدابراهیم ابوکاظمی*، مهندس محمدرضا افضلی*، مهندس محمدرضا بهاری، نسرین پرویزی، مرحوم مصطفی‌کمال پورتراب، دکتر علی پورجوادی، مرحوم دکتر عباس حرّی، مرحوم دکتر هاراطون داویدیان، دکتر محمد دبیرمقدم*، دکتر علی درزی*، دکتر مهدی رحیمیان، دکتر هوشنگ رهنما (عضو وابسته فرهنگستان)، دکتر زهره زرشناس، دکتر حسین سامعی*، دکتر قطب‌الدین صادقی، دکتر علاءالدین طباطبایی (عضو وابسته فرهنگستان)، دکتر لطیف کاشیگر* (عضو وابسته فرهنگستان)، سیامک کاظمی، مهندس علی کافی،

هوشنگ مرادی کرمانی، دکتر ایران کلباسی، دکتر رضا منصوری* (عضو وابسته فرهنگستان)، دکتر مهشید میرفخرایی*، مهندس ابراهیم نقیب‌زاده مشایخ*، دکتر شهین نعمت‌زاده، مرحوم دکتر اسماعیل یزدی

هیئت فنی: نسرین پرویزی (معاون گروه)، دکتر سید مهدی سمائی*، دکتر علاءالدین طباطبایی، دکتر شهین نعمت‌زاده*

مسئول تدوین فرهنگ و ویراستار: مهدی حریری

پژوهشگران گروه واژه‌گزینی: مریم توسلی، مرضیه چوپان‌زاده*، دکتر فرشید سمائی(نمایندهٔ فرهنگستان در شورای هماهنگی تا سال **۱۳۸۵**)، محمود ظریف (نمایندهٔ فرهنگستان در شورای هماهنگی از سال **۱۳۸۹**)، شکوه‌السادات میرفارسی (نمایندهٔ فرهنگستان در شورای هماهنگی از سال **۱۳۸۵**)، مهنوش نشاط مبینی تهرانی (نمایندهٔ فرهنگستان در شورای هماهنگی تا سال **۱۳۸۵**)

اعضای کارگروه تخصصی:

مرحوم دکتر حمید بهبهانی، مهندس کامران حاج‌نصرالله‌ی*، دکتر ابوالفضل حسنی*، دکتر کامران رحیم‌اف، مهندس محمدمهدی رضوی*، مهندس حسین‌رضا شهیدزاده اسدی، مرحوم مهندس اسفندیار صدیقی، دکتر مهدی عظیمی تبریزی، مهندس محمداسماعیل علیخانی*، دکتر احمد منصوریان، مرحوم دکتر هاشم مهرآذین

همکاران فنی

ویراستار فنی: لیدا خمّر

حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: زهرا ساقی شیویاری

نشانه‌های اختصاری

*	**توضیح**
/اختـ./	**صورت اختصاری واژهٔ فارسی**
/متـ./	**مترادف واژهٔ فارسی**
abbr.	**صورت اختصاری واژهٔ بیگانه**
syn.	**مترادف واژهٔ بیگانه**
de.	**واژهٔ آلمانی**
fr.	**واژهٔ فرانسوی**

فرهنگ واژه‌های مصوّب درون‌شهری ـ جاده‌ای

به ترتیب الفبای فارسی

آ، ا

آب‌بَر gutter

جوی کوچک محصور بین سطح سواره‌رو و جدول پیاده‌رو

آب‌رو culvert

مجرایی سرپوشیده برای عبور آب‌های سطحی

آرایش ضربدری
weaving configuration

نحوهٔ طراحی خط‌های عبور و چگونگی امتداد یافتن آنها در محدودهٔ ضربدری

آرایهٔ شهری street furniture

تجهیزاتی مانند چراغ و نیمکت و علائم راهنمایی و اتاقک و گلدان که در خارج از سطح سواره‌رو خیابان‌ها نصب می‌شود

آزادراه freeway, Autobahn

راه شریانی اصلی با مسیر رفت‌وبرگشت مجزا که در فاصلهٔ تقاطع‌های غیر هم‌سطح هیچ دسترسی ندارد

آزادراه راهبان‌دار
metered freeway

آزادراهی که ورود به آن با چراغ راهنمایی در راه‌گَرد واپایش می‌شود

آزادراه مدیریت‌شده
managed freeway

آزادراهی که در آن تردد به‌صورت فعال، با استفاده از مجموعه‌ای از ابزارهای حمل‌ونقل هوشمند، مدیریت می‌شود

آزمایش سریع روسازی
accelerated pavement testing

آزمایش لایه‌های روسازی برای تعیین مقاومت و کارایی آنها با استفاده از چرخ بارگذاری‌شده با بار مجاز یا اندکی بیش از حد مجاز، به‌صورت واپایش‌شده و تحت تأثیر فزایندهٔ عوامل تخریب و فرسایش در یک دورهٔ زمانی کوتاه

آزمون مارشال Marshall test
روشی برای واپایش طراحی و ساخت مخلوط آسفالت که معیار بودن پایداری و فضاهای خالی و طول عمر آن را تضمین می‌کند

آستری ← قشر آستری

آسفالت به‌ساخته
modified asphalt
مخلوطی آسفالتی که عملکرد قشر آستری آن برای رسیدن به مشخصات فیزیکی خاص با افزودن یا ترکیب انواع بسپار، رزین، مواد چسباننده، لاستیک یا مانند آنها بهبود یافته است

آسفالت چاق fatty asphalt
آسفالتی دارای قشر آستری اضافی یا چاله‌ای که براثر خروج دانه‌های ریز ایجاد شده باشد

آسفالت رویه top coat
قشر آسفالت نرمی که در بالاترین لایهٔ روسازی راه ریخته می‌شود
مترـ **رویه**

آسفالت طبیعی natural asphalt
مخلوط آسفالت حاصل از آمیزه‌ای از قیر و مواد معدنی و آب شور که به‌صورت طبیعی و درنتیجهٔ فعالیت‌های آتشفشانی ایجاد می‌شود

آسفالت گرم hot-rolled sphalt
نوعی خاص از آسفالت سطحی (sheet asphalt) با دانه‌بندی درشت برای روسازی مسیرهای دارای تردد بسیار

آسیب تَبَعی induced damage
صدمه دیدن قطعات وسیلهٔ نقلیه درنتیجهٔ فشرده شدن آنها در کنار یکدیگر که به خمیدگی به سمت داخل یا خارج منجر می‌شود

آسیب مستقیم direct damage
صدمه دیدن یا تغییر شکل وسیلهٔ نقلیه که مستقیماً از تصادف ناشی می‌شود

آشیانه hangar
محل سرپوشیده‌ای برای استقرار کوتاه‌مدت و نیز تعمیر انواع نظامی و غیرنظامی هواگرد و لوکوموتیو و واگن و جز آن

آمارگیری درون‌خودرو
in-vehicle survey
برداشت اطلاعات مسافران سامانه‌های حمل‌ونقل همگانی ازطریق مصاحبه در هنگام سفر با آن سامانه

آمارگیری دستی ← شمارش دستی

آمارگیری سفرکاری
journey-to-work survey
استخراج اطلاعات از سرشماری‌های عمومی که شامل محل زندگی و کار افراد و نوع حرفه و شغل و جنسیت آنها می‌شود

آمارگیری محیطی cordon survey
ثبت اطلاعات اشخاص و وسایل نقلیه‌ای که به خط محیطی وارد یا از آن خارج می‌شوند

آویز hanger
قطعه‌ای که اتاقک یا صندلی یا سایر افزاره‌های حمل مسافر را به بافهٔ کِشنده/ کابل کِشنده متصل می‌کند

آویز آونگی
pendulum suspension
نوعی سامانهٔ تعلیق بالاسری برای اتوبوس‌های برقی که انعطاف‌پذیری بیشتر به بافه/ کابل و سرعت بیشتر به اتوبوس به‌ویژه در قوس‌ها می‌بخشد

اتاقک cabin, cabine
۱. اتاقکی که از مصالح سبک ساخته شده باشد۲. هریک از اتاق‌های داخل کشتی و جایگاه مخصوص خلبان در هواپیما

اتوبوس آسان‌سوار kneeling bus
اتوبوسی که برای راحت‌تر سوارشدن افراد مسن یا معلول ارتفاع آن در هنگام نزدیک شدن به لبهٔ سکو کاهش می‌یابد

اتوبوس آکاردئونی
articulated bus
اتوبوس طویلی که قسمت پسین آن با مفصلی به قسمت پیشین متصل می‌شود تا در عبور از معابر شهری از آزادی حرکت بیشتری برخوردار باشد

اتوبوس برقی trolley bus
اتوبوسی که نیروی محرکهٔ آن ازطریق شاخک‌های متصل به دو بافه/ کابل برق مثبت و منفی بالاسری در طول مسیر اتوبوس تأمین می‌شود

اتوبوس‌برقی نیم‌کف‌پایین
partial low-floor streetcar
نوعی اتوبوس برقی کف‌پایین که دارای پله یا شیب‌راهه‌های دسترسی به کف بالاتر است

اتوبوس بین‌شهری intercity bus
اتوبوسی بزرگ با فضایی درنظرگرفته‌شده برای بار که عمدتاً برای حمل‌ونقل مسافر بین شهرها به کار می‌رود

اتوبوس حومه‌ای suburban bus, suburban coach
اتوبوسی که معمولاً فقط یک در، آن هم در جلو، دارد و فضایی برای بار ندارد و در مسیرهای نسبتاً طولانی با تعداد ایستگاه‌های کم به کار می‌رود

اتوبوس دوطبقه
double deck bus, double decked
اتوبوسی با ظرفیت ۴۰ تا ۸۰ صندلی در دو سطح مجزا و ارتفاع ۴/۴ تا ۴/۵ متر

آزمون مارشال busway
سواره‌روِ مخصوص اتوبوس

اتوبوس سبک light bus
اتوبوسی با وزن کل کمتر از پنج تن

اتوبوس سنگین heavy bus
اتوبوسی که وزن کل آن بیش از حد تعیین‌شده در مقررات است

اتوبوس کوچک middle bus
وسیلهٔ نقلیهٔ عمومی بزرگ‌تر از مینی‌بوس و کوچک‌تر از اتوبوس با گنجایش۲۵ مسافر

اتوبوس گردشگری sightseeing bus
اتوبوسی که برای استفادهٔ گردشگری طراحی و تجهیز شده است و معمولاً پنجره‌های بزرگ‌تری دارد

اتوبوس محله‌ای circulator bus, circulator service
نوعی خط اتوبوس‌رانی در یک محدودهٔ مشخص محلی که آن را به دالان‌های اصلی حمل‌ونقل متصل می‌کند

ارتفاع مجاز clearance height
حداکثر ارتفاع قابل‌قبول در معابری که محدودیت ارتفاع وجود دارد

ارزیابی زمان انتظار wait assessment
برای تنظیم فاصلهٔ گذر، محاسبهٔ درصد وسایل نقلیهٔ ورودی هنگامی‌که فاصلهٔ گذر آنها بیش از سه برابر فاصلهٔ گذر برنامه‌ریزی‌شده باشد

ارزیابی شبکهٔ ترکیبی composite network assessment
ارزیابی گروهی از خطوط به‌هم‌پیوستهٔ مجموعه‌ای از امکانات و مسیرهای موجود یا پیشنهادی برای استفاده از شکل‌های مختلف حمل‌ونقل

ازدحام تردد traffic congestion
ازدحام وسایل نقلیه و عابر پیاده در معابر به‌حدی‌که سرعت حرکت به‌شدت کاهش یابد و مانع حرکت روان وسایل نقلیه شود

اساس پُرتراکم heavily bound base
لایه‌ای از رویهٔ راه که حداقل مقاومت فشاری آن ۴ مگاپاسکال است

اساس راه road base
لایهٔ اصلی توزیع بار که بر روی زیراساس و در زیر قشر اساس قرار دارد

اساس قیری black base
قشر اساس تقویت‌شده با قیر که برای تقویت روسازی، جانشین اساس معمولی می‌شود

استاندارد طراحی design standard
استاندارد خاصی که در طراحی به کار می‌رود، مانند استاندارد عرض خطوط

اشتراک خودرو
← سامانهٔ اشتراک خودرو

اصطکاک با جریان روبه‌رو medial friction
تأثیر بازدارندهٔ ناشی از تداخل حرکت خودروهای روبه‌رو بر جریان آزاد تردد

اصطکاک جانبی[1] marginal friction[1]
نیروی اصطکاک واردشونده بر خودرو در هنگام پیچیدن

اصطکاک جانبی[2] lateral friction
نیرویی بین چرخ و سطح راه که کمک می‌کند خودرو در حرکت گردشی در قوس در مسیر باقی بماند

اصطکاک طولی longitudinal friction
اصطکاکی میان تایر خودرو و روسازی که در راستای محور طولی اندازه‌گیری می‌شود

اضافه‌زمان excess time
فاصلهٔ زمانی میان ترک یک سامانهٔ حمل‌ونقل و استفاده از سامانه‌ای دیگر

اضافه‌کرایه add fare
۱. کرایهٔ اضافه برای تغییر درجهٔ بلیت ۲. پرداخت کرایهٔ اضافه در مقصد در سامانه‌ای که کرایه براساس مسافت اخذ می‌شود و اعتبار باقی‌مانده در بلیت کمتر از کرایهٔ واقعی است

اطلاعات سفر user information, service information
اطلاعاتی از قبیل نرخ کرایه و برنامهٔ زمان‌بندی و نقاط توقف برای استفادهٔ مؤثر از حمل‌ونقل عمومی

اُفت حاشیه edge drop-off
عارضه‌ای در سطح راه که سبب می‌شود فاصلهٔ عمودی لبهٔ روسازی تا سطح شانه از حد مجاز بیشتر شود

اَفرازه lift truck
نوعی جرثقیل کوچک برای بلندکردن و جابه‌جایی بارهای سنگین

افزودنی سوخت fuel additive
ماده یا عنصری که برای دستیابی به کیفیت مطلوب به سوخت هواگرد اضافه می‌شود

اقدامات پیشگیرانه multiple countermeasures
مجموعه‌ای از اقدامات برای بهبود ایمنی راه، زمانی که یک اقدام به‌تنهایی کافی نباشد

الگوهای خطوط transit line types
اَشکال هندسی مختلف خطوط حمل‌ونقل عمومی، مانند خطوط شعاعی و قطری و دایره‌ای

امتداد افقی مسیر
horizontal alignment

نقشهٔ افقی همزمان مسیر مستقیم و قوس‌های افقی امتداد راه از نمای بالا

امتداد قائم مسیر
vertical alignment

نیمرخ طولی در امتداد خط طراحی جاده

انتخاب برنامهٔ زمان‌ثابت
fixed-time plan selection

یکی از روش‌های هماهنگ کردن چراغ تقاطع‌های متوالی که مبتنی‌بر برنامه‌های ازپیش‌طراحی‌شده براساس جدول زمان‌بندی هفتگی است

انتظار واشد ← مدت انتظار واشد

انتقال اضطراری
← انتقال اضطراری مسافر

انتقال اضطراری مسافر
emergency transfer

انتقال مسافر در شرایط اضطراری
مترـ . **انتقال اضطراری**

انتقال پولی paid transfer
جابه‌جایی مسافر با اخذ مبلغ اضافه در شروع سفر یا در حین انتقال

اولویت حمل‌ونقل عمومی
transit priority

اولویت برای عبور وسایل نقلیهٔ عمومی ازطریق تنظیم و فرماندهی چراغ‌های راهنمایی به‌نحوی‌که زمان انتظار در تقاطع برای این وسایل به صفر یا به حداقل ممکن برسد

ایجاد تردد traffic generation, traffic generating

افزایش حجم شدآمد در نتیجهٔ رشد جمعیت و کاربری‌های جدید زمین

ایجاد تَرَک و نشست
crack and seat

فرایند ایجاد تَرَک و ترمیم سطح راه‌های بتنی فرسوده با تقسیم سطح یکپارچه به قطعات کوچک‌تر و اعمال فشار توسط غلتک

ایجاد سفر trip generation, trip generating

برنامه‌ریزی برای سفر از مراکز مختلف برای انجام کارهای گوناگون که اغلب این سفرها از خانه آغاز می‌شود

ایجادکنندهٔ تردد
traffic generator

عاملی که باعث افزایش حجم شدآمد می‌شود

ایجادکنندهٔ سفر trip generator
نوع کاربری درنظرگرفته‌شده برای ملکی که باعث ایجاد سفر شود

ایستگاه station[1]
مکانی دور از خیابان برای سوار و پیاده شدن یا تغییر وسیله

ایستگاه اتوبوس bus stop, transit stop[1]
محوطه‌ای که در آن مسافران برای سوار شدن به‌وسیلهٔ نقلیه و پیاده شدن از آن انتظار می‌کشند و معمولاً علائمی برای مشخص کردن محل ایستگاه در آنجا نصب می‌شود

ایستگاه اصلی all-stop station
ایستگاهی در سامانهٔ حمل‌ونقل با واحدهای سریع‌السیر که تمامی واحدهای حمل‌ونقل در آن توقف می‌کنند

ایستگاه انتقال transfer station
ایستگاه مشترک بین دو یا چند خط که در آن مسافران از خطی به خط دیگر منتقل می‌شوند

ایستگاه برخط online-station
ایستگاهی که در آن واحدهای حمل‌ونقل درون‌شهری یا ریلی در خط عبور اصلی توقف می‌کنند

ایستگاه برون‌خط off-line station
ایستگاهی خارج از خط عبور که در آن وسایل حمل‌ونقل مسافران را سوار و پیاده می‌کنند، بی‌آنکه مانع عبور سایر وسایل نقلیه شوند

ایستگاه بیابانی cornfield station
ایستگاهی ویژهٔ وسایل نقلیهٔ عمومی در منطقه‌ای توسعه‌نیافته به‌منظور تسهیل ایجاد توقفگاه‌های ارزان‌قیمت و کاستن از هزینهٔ خرید زمین و توسعهٔ کاربری‌های حمل‌ونقل عمومی در پیرامون آن محدوده

ایستگاه پایانی terminal stop
هریک از ایستگاه‌های دو سر یک خط حمل‌ونقل

ایستگاه پُرمسافر turnover point
نقطه‌ای در مسیر حمل‌ونقل عمومی که بخش قابل‌توجهی از مسافران در آنجا به وسیلهٔ نقلیه سوار یا از آن پیاده می‌شوند

ایستگاه پس‌تقاطع far-side stop
ایستگاه حمل‌ونقلی که بعد از تقاطع قرار دارد

ایستگاه پیش‌تقاطع near-side stop
ایستگاه حمل‌ونقلی که قبل از تقاطع قرار دارد

ایستگاه حمل‌ونقل عمومی transit stop[2]
محلی در سطح خیابان که وسایل نقلیهٔ عمومی برای سوار و پیاده کردن مسافر در آنجا توقف می‌کنند

ایستگاه محیطی cordon station
محلی برای کسب اطلاعات دربارهٔ تردد در راهی که خط محیطی را قطع می‌کند

ایستگاه میانی midblock stop
ایستگاه حمل‌ونقلی که دور از تقاطع قرار دارد

ایمن‌بار safety load, permissible load
بیشینهٔ مجاز پذیرش بار در هریک از عرشه‌های کشتی

ایمن‌جا safety zone
قسمتی از پناه‌جا که برای استفادهٔ انحصاری عابران در نظر گرفته می‌شود و با نصب علائم مناسب، ازجمله خط‌کشی، طوری متمایز می‌گردد که به‌سادگی قابل‌رؤیت باشد

ب

بارِ بارگُنجی containerized cargo
باری که به‌صورت یک واحد با بارگُنج حمل می‌شود

بار برنامه‌ریزی‌شدهٔ طرح scheduled design load
حداکثر مسافری که بنگاه حمل‌ونقل برای سوار شدن در یک وسیلهٔ نقلیهٔ عمومی در مدت‌زمان معین پیش‌بینی می‌کند

بار تردد طرح design traffic
میزان تردد پیش‌بینی‌شده برای راه یا پل باتوجه‌به عمر سازهٔ پل یا روسازی که به‌صورت معادل استاندارد بار محوری بیان می‌شود

بارکف pallet
سازهٔ مسطح و کوچک چوبی که زیر بار قرار دهند تا بتوان آن را با افرازه بلند کرد

بارگذاری loading[1]
فرایند تعیین و تخصیص بار تردد رابط‌ها که حاصلِ‌جمع حجم سفرها در مسیرهای مختلفی است که رابط در ابتدا یا میان یا انتهای آنها نقش داشته باشد

بارگُنج container
جعبهٔ فلزی بزرگی با ابعاد استاندارد که کالا در آن قرار داده می‌شود و آن را به‌وسیلهٔ قطار یا کشتی یا هواپیما یا کامیون حمل می‌کنند؛ همچنین کامیونی که چنین جعبه‌ای را حمل کند

بار محوری axle load
مجموع وزنی که چرخ‌های خودرو به سطح جاده وارد می‌کند

باریک‌سازی خط عبور lane narrowing
هر روشی برای کاستن از عرض راه و مسیر عرضی عبور عابران پیاده، به‌منظور کاهش سرعت خودروها و عبور ایمن عابران پیاده

باری مخزنی tanker
نوعی خودروِ باری که بر روی شاسی آن مخزنی فولادی برای حمل مایعات نصب شده باشد

بازتابه reflector
کاسه‌ای مقعر و آینه‌ای که نور لامپ چراغ‌های راهنمایی را به شکل مطلوب منعکس کند

بازرس حمل‌ونقل عمومی
road supervisor, inspector, route supervisor, street supervisor, road foreman
کارمند حمل‌ونقل عمومی که عملیات را ارزشیابی و بر ایمنی و اجرای قوانین کار نظارت می‌کند و می‌کوشد مشکلات جاری را حل کند

بازیافت گرم
← بازیافت گرم آسفالت

بازیافت گرم آسفالت
hot-in-place asphalt recycling, HIPAR
نوعی عملیات ترمیم (rehabilitation treatment) شامل برداشت آسفالت قدیمی و فرآوری و گرمادهی و مخلوط کردن آن با مصالح دانه‌بندی و پیوندهٔ جدید و مواد افزودنی لازم و سپس پخش کردن و متراکم کردن آن برای رسیدن به مشخصات موردنیاز
متـ. **بازیافت گرم**

بافت رویه surface texture
بافت شیارداری که در سطح رویهٔ راه با برس‌های سیمی به‌صورت نامنظم در جهت عرضی ایجاد می‌شود تا اصطکاک بافت سطحی افزایش یابد و آب‌های سطحی به‌راحتی عبور کند

بافهٔ کشنده haul rope
بافه/کابلی که با حرکت قرقره اتوبوس هوایی را به حرکت درمی‌آورد
متـ. **کابل کشنده**

بالابر کم‌توانان wheelchair lift
نوعی بالابر قابل‌نصب در وسایل نقلیهٔ عمومی که آنها را برای افراد کم‌توان دسترس‌پذیر می‌کند

بدرودسوار kiss and ride
سامانه‌ای که در آن مردم با خودرو شخصی به محل سوارشدن به حمل‌ونقل عمومی منتقل می‌شوند و خودرو محل را ترک می‌کند

برآمدگی خاک heave
برآمدگی‌ای که براثر انبساط یا جابه‌جایی ناشی از جذب یا یخ‌زدگی رطوبت خاک یا عملیاتی مانند برداشت سربار و شمع‌کوبی و احداث خاکریز ایجاد می‌شود

برداشت خاک نباتی soil stripping
برداشت لایهٔ سطحی خاک برای تأمین خاک فضای سبز در مراحل بعدی در ضمن عملیات خاک‌برداری و آماده‌سازی مسیر

بررسی آماری سفر travel survey
گردآوری و مطالعهٔ آماری شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی و مسافرتی اقشار مختلف مردم و شیوه‌های گوناگونی که برای آمدوشد مورد استفاده قرار می‌دهند

بررسی محیط مسافر
passenger environment survey
بررسی کیفیت وسایل نقلیهٔ عمومی از نظر بهداشتی و کارایی تجهیزات از جمله کیفیت اعلام نام ایستگاه‌ها در طی سفر، توسط بازرسان آزموده

برش‌راه trench
راه پدیدآمده بعد از حفر طولی زمین در سطح شیب‌دار

برگشت ← سفر برگشت

برگشت باربَر backhaul[1]
بازگشت وسیلهٔ نقلیه به مبدأ پس از تحویل بار

برنامهٔ اضافی extra run, open run
انجام مأموریت در طول ساعات کار و خارج از برنامهٔ معمول روزانه

برنامهٔ پایه base run
برنامهٔ کاری منظم روزانه برای حمل‌ونقل انبوه که معمولاً هشت ساعت است

برنامهٔ پایه اتوبوس bus run
مأموریت روزانهٔ اتوبوس در قالب یک برنامهٔ جامع

برنامهٔ حمل‌ونقل ناحیه‌ای
regional transportation plan, RTP
طرحی که برای توسعهٔ حمل‌ونقل ناحیه‌ای در یک دورهٔ بیست تا سی‌ساله تدوین می‌شود و هر دو تا پنج سال بهنگام می‌شود

برنامه‌دهی run-cutting
تنظیم برنامهٔ کاری روزانه برای هریک از رانندگان و خدمه

برنامه‌دهی ناوگان
transit scheduling
تنظیم تعداد و زمان سفر ناوگان حمل‌ونقل عمومی در یک خط، در طول روز

برنامه‌ریزی کاربری زمین
land-use planning
پیش بینی نحوهٔ استفاده از اراضی موجود به‌صورت مسکونی و تجاری و صنعتی و غیره

برنامه‌ریزی یکپارچهٔ حمل‌ونقل و کاربری زمین
integrated land-use and transport planning
فرایندی در برنامه‌ریزی که در آن مشخصات کاربری زمین و گزینه‌های مبدأ ـ مقصد و انتخاب وسیلهٔ سفر و کارایی شبکهٔ حمل‌ونقل در کنار هم مورد توجه قرار می‌گیرند

برنامهٔ شبانهٔ اتوبوس owl run, owl bus run

برنامهٔ کاری در طی آخرین ساعات شب تا ساعات اولیهٔ روز بعد، غالباً از نیمه‌شب تا چهار یا شش صبح

برنامهٔ عملیاتی انبوه mass action program

به‌کارگیری راه حل خاص و آزمایش‌شده برای رفع عامل خطرزا در همهٔ نقاطی که این عامل وجود دارد، صرف‌نظر از وقوع یا عدم‌وقوع تصادف در آن نقاط

برنامهٔ هم‌پیمایی car pool[1]

برنامه‌ای که در آن افراد برای رفت‌وآمد به محلی مشترک از خودروِ یکی از افراد گروه استفاده کنند

برون‌خَم flare

فضای تعدیل‌پذیری در اطراف مانع که می‌توان آن را در مواقع ضروری تغییر داد

بریدگی ← بریدگی میانگاه

بریدگی میانگاه median opening

محلی از میانگاه که امکان دور زدن و عبور از عرض معبر را فراهم سازد

مترـ **بریدگی**

بزرگراه expressway

راهی عمدتاً برای تردد گذری با دو سواره‌روِ مجزا که دسترسی به آن محدود و تقاطع‌های آن معمولاً غیرهم‌سطح است

بسامد خدمات frequency of service, service frequency

تعداد وسایل نقلیهٔ عمومی که در واحد زمان از یک نقطه در مسیر و جهتی معین می‌گذرند

بستر subgrade

زمین طبیعی یا آماده‌شده‌ای که زیر بدنهٔ راه قرار می‌گیرد

بلیتِ خراشی scratch ticket

بلیتی که مسافر باید لایهٔ روی نوشته‌های آن را مطابق با زمان و مکان استفادهٔ خود بخراشد تا منطقه و تاریخ اعتبار آن آشکار شود

بلیت‌خوانِ اتوبوس bus ticket validator, BTV, validator, ticket validator

دستگاهی در اتوبوس برای خواندن بلیت‌های اعتباری و درج تاریخ و ساعت و گاهی نام ایستگاه بر روی آن

بلیت مسافر انتقالی transfer passenger ticket

بلیتی که شرایط انتقال مسافران را از یک مسیر یا خط به مسیر یا خط دیگر فراهم می‌کند

بن‌بست dead end

راهی که یکی از دو سر آن بسته باشد

بنگاه agency[1]
دفتری که معاملات املاک در آن انجام شود

بُن‌گرد cul-de-sac
کوچه یا معبر بن‌بستی که در انتهای آن محل مخصوصی برای دور زدن وسایل نقلیه در نظر گرفته شود

بهره‌وری حمل‌ونقل transportation productivity
نسبت بازدهی واحدهای حمل‌ونقل به هزینه‌های صرف‌شده

بهسازی رویه surface treatment
پوشاندن هریک از لایه‌های آسفالت با قیر همراه با شن یا بدون آن

بی‌دماغ[1] cab over tractor
نوعی کامیون که اتاق آن مستقیماً بر روی موتور قرار دارد

بی‌دماغ[2] cab over truck
نوعی تریلی که اتاق آن مستقیماً بر روی موتور قرار دارد

بیش‌روان high float emulsion
نامیزهٔ آنیونی خاصی که باعث می‌شود ضخامت قشر آستری افزایش یابد و درنتیجه نفوذپذیری سطح راه کمتر شود

بیشینه‌چگالی maximum density
بیشترین چگالی نمونهٔ آسفالتی که تا حد ممکن متراکم شده است و درنتیجه، بین دانه‌بندی اجزای روکش آسفالت هیچ فضای خالی وجود ندارد

بیشینه‌چگالی خشک maximum dry density, MDD
چگالی خشک خاک که با متراکم کردن خاک به اندازه‌ای معین، در شرایط رطوبت بهینه، حاصل شود

بیشینه‌سرعت خودرو maximum vehicle speed
حداکثر سرعت دست‌یافتنی خودرو بدون تخطی از دور موتور مجاز زمان سبز اعلام‌شده از سوی سازنده یا حدنصاب سرعتی که در آزمونی ویژه خودرو در طی مسافت ۱/۶ کیلومتر با بار معمولی و از حالت توقف با حداکثر شتاب ممکن به آن دست می‌یابد

بیشینه‌عمر مفید maximum service life, MSL
بیشینهٔ مدت‌زمان پیش‌بینی‌شده، معمولاً برحسب سال، پیش از نیاز به بازسازی در قالب تعمیر و نگهداری روسازی

بیشینه‌عمر مفید باقی‌مانده maximum remaining service life, MRSL
تفاوت میان بیشینه‌عمر مفید و عمر موجود روسازی

بی‌مانع barrier-free

ویژگی تسهیلاتی که استفاده از آنها برای همهٔ افراد از جمله کم‌توانان به‌سهولت امکان‌پذیر باشد

پ

پاچین راه‌بند barrier skirt
شبکه‌ای پلاستیکی یا فلزی که به تیرک راه‌بند متصل می‌شود تا فاصلهٔ بین تیرک راه‌بند و سطح زمین را پُر کند

پایانهٔ بُن‌گرد stub terminal
پایانه‌ای که وسایل نقلیه تنها از یک هادی‌راه به آن وارد یا از آن خارج می‌شوند

پایانه‌مانی terminal time
مدت‌زمانی که وسیلهٔ نقلیهٔ عمومی در پایانه سپری می‌کند

پایانهٔ مسافر انتقالی
transfer passenger terminal
پایانه‌ای اختصاص‌یافته برای مسافران انتقالی

پایهٔ بازودار mast-arm post
پایه‌ای بازودار برای نصب فانوس‌های چراغ راهنمایی در بالای سواره‌رو

پایهٔ شکننده frangible base
نوعی پایهٔ علائم راهنمایی که براثر برخورد از محل مشخصی که قبلاً به همین منظور تضعیف شده است به‌راحتی می‌شکند

پایهٔ لغزان slip base
نوعی پایهٔ علائم راهنمایی که سازه‌ای در انتها یا نزدیک به انتهای آن وجود دارد که در هنگام برخورد وسیلهٔ نقلیه با آن برای کاستن از شدت تصادف از بن‌پایه جدا می‌شود، اما در برابر باد مقاوم است

پُربگذر pass-up
وضعیتی که در آن ظرفیت اتوبوس در هنگام گذشتن از ایستگاه تکمیل است و مسافرانِ منتظر در ایستگاه مجبورند تا آمدن اتوبوس بعد صبر کنند

پرچم‌زن flagperson, traffic control person, traffic controller

فردی که با استفاده از پرچم یا چراغ یا جز آن تـردد در محـدودهٔ کارگـاه را واپـایش می‌کند

پَرخاکستر pulverised fuel ash, PFA, fly ash

نوعی مصالح که از مخلوط کردن ده درصد سیمان و نود درصد خاکستر بادی حاصـل می‌شود و در زیراساس به کار می‌رود

پرکننده filler

مـواد ریزدانـه‌ای کـه از غربـال ۰/۰۷۵ میلی‌متر عبور می‌کنـد و از آسـیاب کـردن دانه‌بندی‌هـای دیگـر حاصـل مـی‌شـود و معمـولاً در سـاخت آسـفالت و قیرهـای پوششی دیگر به کار می‌رود

پس‌زدگی spill-back

وضعیتی که به‌ویژه در مورد وسـایل نقلیـهٔ عمـومی طویـل در تقـاطع‌هـای متـوالی و کم‌فاصله روی می‌دهـد و در آن بـه دلیـل قفل شدن تقاطع چـراغ‌دار و عـدم امکـان عبور وسیلهٔ نقلیـهٔ عمـومی داخـل تقـاطع، وسیلهٔ نقلیهٔ عمومی بعدی نمی‌تواند بـه آن منطقه وارد شود

پس‌سُرش postimpact skid distance

مسافت سُرش وسیلهٔ نقلیه پس از برخـورد یا تصادف

پس‌سرعت postimpact velocity

سـرعت وسـیلهٔ نقلیـه پـس از برخـورد یـا تصادف

پشته bund

تلی از سنگ یا خاک که برای جلوگیری از ورود سیلاب به زمین‌هـای پسـت سـاخته می‌شود

پل عرض‌گذر crossover bridge

پلـی بـرای اتصـال پیـاده‌رو یـا سـواره‌رو به‌صورت غیرهم‌سطح از یک طرف معبر به طرف دیگر

پل عوارضی toll bridge

پلی که فقط با پرداخت عوارض می‌توان از آن عبور کرد

پله‌شدگی faulting

وضعیتی ناشی از حرکـت عمـودی نسـبی تاوه‌ها در روسـازی بتنـی در نتیجـهٔ تغییـر شکل ناهمسان

پناه‌جا refuge

گذرگاهی در وسط سـواره‌رو بـرای توقـف ایمن عابر پیاده در هنگام عبور

پناه‌راه hazard corridor, clear zone

نـواری بـا عـرض کـافی در کنـارهٔ راه بـرای ایجـاد امکـان مهـار وسـیلهٔ نقلیـهٔ منحرف‌شده

پوکهٔ معدنی clinker
نوعی مصالح برای استفاده در زیراساس با حداکثر ۵۰ میلی‌متر ضخامت که خوب پخته و دانه‌بندی شده باشد

پهلوگاه[۱] bay
محلی تورفته در امتداد سطح سواره‌رو برای توقف وسایل نقلیه، سوار و پیاده کردن مسافر یا تخلیه و بارگیری

پهلوگاه[۲] ← پهلوگاه ویژهٔ اتوبوس

پهلوگاه اضطراری lay-by
مکانی به‌صورت تورفتگی در کنار بزرگراه و آزادراه برای توقف اضطراری خودروها

پهلوگاه ویژهٔ اتوبوس bus bay
انشعاب یا قسمت عریض‌شده‌ای از راه که به اتوبوس‌ها امکان می‌دهد، بدون این‌که مزاحم جریان شدآمد شوند، برای سوار شدن یا پیاده کردن مسافر توقف کنند
متـ. **پهلوگاه**[۲]

پیاده‌پسند pedestrian friendly
ویژگی‌هایی که دارا بودن آنها باعث می‌شود پیاده‌رو برای پیاده‌روی، ایمن و راحت باشد

پیاده ـ سوار park and ride
توقفگاه بزرگ و پایانه‌ای که افراد می‌توانند خودروِ خود را در آنجا متوقف کنند و با وسیلهٔ نقلیهٔ عمومی به نقاط مختلف شهر بروند و مجدداً به همان محل برگردند

پیاده‌سهم
pedestrian area module
فضای مورد نیاز برای هر عابر پیاده در تسهیلات فراهم‌شده در واحد سطح

پیش‌سُرش
preimpact skid distance
طول سُرش وسیلهٔ نقلیه قبل از برخورد یا تصادف

پیش‌سرعت preimpact velocity
سرعت وسیلهٔ نقلیه پیش از برخورد یا تصادف

پیش‌شکن fail link
اتصال نسبتاً سستی که برای پیشگیری از آسیب جدی به دیگر سازه‌های حیاتی در طراحی برخی قطعات و سازه‌ها پیش‌بینی می‌شود

پیکان خط راست‌گرد
right traffic lane arrow
نوعی پیکان در خط‌کشی که در یک خط عبور فقط جریان گردش به راست را مجاز می‌داند
متـ. **پیکان راست‌گرد**

پیکان راست‌گرد
← پیکان خط راست‌گرد

پیوستگی فاصلهٔ گذر
headway adherence
وجود انسجام در جدول زمان‌بندی‌شدهٔ ناظر بر حرکت وسایل نقلیهٔ عمومی

ت ، ث

تابلوِ پیش‌آگاهی
advance direction sign

تابلویی که پیش از رسیدن به تقاطع نصب می‌شود و جهت مسیر و مقاصد پیش رو را نمایش می‌دهد

تابلوی اطلاعات مسیر پویا
dynamic route information panel, DRIP

تابلویی که اطلاعاتی دربارهٔ وضعیت تردد یا طول صف در مسیرهای مختلف ارائه می‌دهد

تابلوی پیام‌متغیر
variable message sign, VMS, dynamic message sign, DMS

تابلویی که اطلاعات لحظه‌ای تردد را نمایش می‌دهد و همچنین کاربران را از وضعیت هوا و اطلاعات مهم دیگر آگاه می‌سازد

تابلوی راهنمای مسیر
← تابلوی هدایت مسیر

تابلوی هدایت مسیر guide sign
تابلویی برای اطلاع‌رسانی به استفاده‌کنندگان از راه درمورد جهت، فاصله، مقصد، مسیر و محل خدمت‌رسانی مت. **تابلوی راهنمای مسیر**

تأخیر ← زمان تأخیر

تأخیر هندسی geometric delay
تأخیر ناشی از عوامل فیزیکی و واپایشی تردد در حرکت یک وسیلهٔ نقلیه بی‌آنکه سایر وسایل نقلیه حرکت آن را سد کرده باشند

تاکسی یارانه‌ای subsidized taxi
نوعی تاکسی که کرایهٔ آن از تاکسی‌های دیگر پایین‌تر است و مابه‌التفاوت نرخ آن از

طـرف دولـت بـه شـرکت طـرف قـرارداد پرداخت می‌شود

تالار گذر transit hall
تالاری که مسافران گـذری در آن منتظـر سوار شدن به‌وسیلهٔ نقلیهٔ دیگر شوند

تاوه slab
سازه‌ای به شکل مکعب‌مسـتطیل از بتـون مسلح
* "تاوه" در لغت‌نامهٔ دهخدا به معنی *آجر و خشت پخته* به کار رفته است.

تپه‌ماهور rolling terrain
جاده‌ای که شـیب آن بـین سـه تـا هفـت درصد متغیر باشد

تجهیزات آزمایش بارگذاری
accelerated loading facility, ALF
دستگاهی که مشخصات عبـور و مـرور را شبیه‌سازی می‌کند و بـازخورد یـا واکـنش روسازی را نسبت به بارگذاری می‌سنجد

تحلیل شبکهٔ ترکیبی
composite network analysis
تحلیل گروهـی از خطـوط بـه‌هـم‌پیوسـتهٔ مجموعه‌ای از امکانات و مسیرهای موجود یا پیشنهادی به‌منظور استفاده از شکل‌های مختلف حمل‌ونقل

تحلیل میزان خطرخیزی
critical rate analysis
روشی برای تعیین میزان تصادف‌خیزی که نسبت به یک آستانهٔ خطر سنجیده می‌شود

تخصیص تصادفی
← تخصیص تصادفی سفر

تخصیص تصادفی سفر
stochastic trip assignment
روشی در تخصیص سفر که در آن سـفرها را براسـاس تفـاوت‌هـای زمـان سـفر در مسیرهای مختلف، و نه براساس کوتاه‌ترین زمان سفر، توزیع می‌کنند
متـ. **تخصیص تصادفی**

تخصیص چندمسیره
multipath assignment, proportional trip assignment[2]
هرنوع فراینـد تخصـیص تـردد کـه در آن سفرها به‌نسبت بین چند مسیر توزیع شود

تخصیص ظرفیتی
← تخصیص ظرفیتی سفر

تخصیص ظرفیتی سفر
capacity restraint trip assignment
فراینـدی تکـراری کـه در آن حجمـی از شدآمد را به یک مسیر، با توجه به ظرفیت آن و مطابق با سرعت و حجم و چگالی آن مسیر، اختصاص می‌دهند
متـ. **تخصیص ظرفیتی**

تخصیص فزاینده
← تخصیص فزایندهٔ سفر

تخصیص فزایندهٔ سفر
incremental trip assignment

روشی در تخصیص سفر که در آن با افزایش میزان ثابتی از تردد و تنظیم سرعت‌های رابط، تعادل جریان را تخمین می‌زنند تا روابط میان سرعت و حجم و چگالی را منعکس کند

متـ. **تخصیص فزاینده**

تخصیص قطعی

← تخصیص قطعی سفر

تخصیص قطعی سفر
deterministic trip assignment

روشی در تخصیص سفر که در آن بدون دخالت عوامل احتمالی، همواره برای دروندادهای یکسان، بروندادهای یکسان به دست می‌آید

متـ. **تخصیص قطعی**

تخصیص مسافت ـ زمانی

← تخصیص مسافت ـ زمانی سفر

تخصیص مسافت ـ زمانی سفر
diversion trip assignment

روشی در تخصیص سفر که در آن براساس زمان یا فاصلهٔ مربوط یا هر دو، سفرها را به مسیرهای مختلف اختصاص می‌دهند

متـ. **تخصیص مسافت ـ زمانی**

تخصیص نسبی

← تخصیص نسبی سفر

تخصیص نسبی سفر
proportional trip assignment[1]

هرنوع تخصیص سفر به‌جز تخصیص سفر همه‌یاهیچ

متـ. **تخصیص نسبی**

تخصیص همه‌یاهیچ

← تخصیص همه‌یاهیچ سفر

تخصیص همه‌یاهیچ سفر
all-or-nothing trip

روشی در تخصیص سفر که در آن، سفرهای بین دو حوزه فقط به یک مسیر بین آنها، که معمولاً براساس حداقل زمان سفر انتخاب می‌شود، اختصاص می‌یابد

متـ. **تخصیص همه‌یاهیچ**

تداخل تقاطعی
intersectional friction

مزاحمت خودروها برای یکدیگر در ناحیهٔ همگرایی مسیرهای عبور در تقاطع

تداخل مزاحم
constrained operation

شرایطی در حرکت ضربدری که در آن وسایل نقلیهٔ تداخلی به دلیل کاستی‌های هندسی مسیر امکان اشغال قسمت بزرگی از خطوط عبور موجود را که برای رسیدن به عملکرد متعادل لازم است، ندارند

تداخل نامزاحم
unconstrained operation

شرایطی در حرکت ضربدری که در آن وسایل نقلیه بدون تأثیر پذیرفتن از وضعیت هندسی راه به‌آسانی گذر می‌کنند

ترابار کردن transship
منتقل کردن کالا از یک وسیلهٔ نقلیه به‌وسیلهٔ دیگر

ترابری transshipment
انتقال کالا از یک وسیلهٔ نقلیه به‌وسیلهٔ دیگر

تراز احداث formation level, final grade, grade level
سطحی بر روی بستر و لایهٔ تحکیم که لایه‌های مختلف راه بر روی آن ساخته می‌شود

تراز زمین ground level
سطحی که پس از برداشتن برآمدگی‌های به‌وجودآمده بر روی سطح طبیعی زمین پدید می‌آید

تراش milling
برداشتن سطح روسازی معمولاً به عمق ۲۵ تا ۷۵ میلی‌متر به کمک ماشین آسفالت‌تراش مجهز به غلتک چرخشی بُرنده
متـ. **تراش آسفالت**

تراش آسفالت ← تراش

تراکم compaction
فشردگی ذرات خاک

تردد افزوده induced traffic, induced demand
میزان افزوده‌شده به حجم تردد در پی به وجود آمدن تسهیلات جدید حمل‌ونقل

تردد تبدیلی converted traffic
تغییر وسیلهٔ نقلیه براثر رفتار تردد و نبود توقفگاه

تردد کنارگذری by-passable traffic
در مناطق شهری، تردد در مسیری غیر از مسیر معمول برای پرهیز از تأخیر و توقف و ماندن در راه‌بندان

تردد کنارگذری محلی local by-passable traffic
ترددی که در آن به جای عبور از مسیر شهری کوتاه و مستقیم، اما دارای ازدحام، از مسیر جایگزین طولانی ولی خلوت استفاده می‌کنند

تردد مختلط mixed traffic, mixed flow traffic
تردد وسایل نقلیهٔ مختلف یا اشکال مختلف حمل‌ونقل، اعم از هوایی و دریایی و زمینی

ترسیمه ← کروکی

تَرَک انعکاسی reflection crack
تَرَکی در سطح خارجی راه به دلیل حرکتِ درزها یا پدید آمدن تَرَک‌هایی در زیراساس یا سطح روسازی

تَرَک خستگی fatigue cracking
ترک قابل مشاهده در لایهٔ رویی راه که براثر خستگی لایهٔ زیرین روسازی ایجاد می‌شود
مترـ . **تَرَک روزَده**

تَرَک‌خوردگی cracking
به وجود آمدن تَرَک در سطح روکش راه براثر حرکت وسایل نقلیه یا فشارهای محیط یا نامرغوبی مصالح

تَرَک‌خوردگی سوسماری
crocodile cracking, alligator crack
تَرَک‌های به‌هم‌چسبیده‌ای به شکل پوست سوسمار که معمولاً براثر اُفت یا نشست زیاد سطح راه و سست بودن زیرسازی به وجود می‌آیند

تَرَک روزَده ← تَرَک خستگی

ترک صف reneging
خروج از صف قبل از رسیدن نوبت

تَرَک‌گیری crack sealing
ترمیم تَرَک‌های سطح راه یا سازه‌های بتنی

تَرَک مویی hairline crack
ترک‌های سطحی نامنظم و بسیار باریک در بتن یا آجر

تسطیح regulate
هموارسازی سطح اولیهٔ راه برای لایه‌کوبی

تصادف و گریز hit and run
ترک صحنهٔ تصادف توسط راننده بدون اطلاع دادن به رانندهٔ خودرو صدمه‌دیده یا پلیس

تصویرنما enoscope
جعبه‌ای به شکل L که هر دو طرف آن باز است و آینه‌ای با زاویهٔ ۴۵ درجه در داخل آن کار گذاشته شده است و در کنار جاده نصب می‌شود تا سرعت خودروها را اندازه‌گیری کند

تعدیل بار load shedding
کاهش خدمات عادی جابه‌جایی مسافر در ساعات اوج ازطریق تشویق به استفاده از حمل‌ونقل جنبی

تعریض enlargement
افزایش عرض راه‌ها در قوس‌ها و سربالایی‌ها

تعیین واشد gap setting
امکان یا تنظیمی در دستگاه فرمان‌دهی (signal controller) برای قطع چراغ سبز ازطریق اندازه‌گیری فاصلهٔ زمانی عبور دو وسیلهٔ نقلیه، با احتساب طول و سرعت هر یک از آنها، در محدودهٔ شناسایی (detection zone)

تغییر مسیر reroute
عوض کردن مسیر برخلاف برنامه که معمولاً با پیش‌بینی قبلی و برای اجتناب از تردد در مسیری خاص در مقطعی معین صورت می‌گیرد

تغییر وسیله modal interchange
جابه‌جایی مسافر بین سامانه‌های متفاوت حمل‌ونقل همگانی با استفاده از تسهیلاتی که در ایستگاه‌های حمل‌ونقل همگانی ایجاد شده است

تفکیک وسایل سفر modal split, mode split
تعیین درصد استفادهٔ افراد از وسایل نقلیهٔ عمومی و شخصی

تقاضای پنهان latent demand
مقدار تقاضایی که، به‌دلیل فراهم نبودن خدمات حمل‌ونقل، امکان برآورده شدن آن وجود ندارد

تقاطع intersection
محل برخورد دو یا چند معبر

تقاطع چندسطحی
multilevel interchange
تقاطع ناهم‌سطحی که در آن سواره‌روهای تقاطع در سه یا چند تراز ارتفاع از بالای یکدیگر عبور کنند

تقاطع زمان‌بندی‌شده
signalized intersection
تقاطعی که عبور وسایل نقلیه از آن به‌کمک چراغ راهنمایی نوبت‌بندی شود

تقاطع کلیدی
critical intersection
تقاطعی در یک سامانهٔ هماهنگ چراغ راهنمایی که عملکرد آن در یک بازهٔ زمانی مشخص در بالاترین سطح اشباع است

تقاطع مبنا master intersection
تقاطعی که زمان چراغ آن مرجعی برای تنظیم زمان سایر تقاطع‌هاست

تقاطع ناهم‌سطح interchange
تقاطعی که امکان عبور وسایل نقلیه را با استفاده از اختلاف سطح، به‌صورت زیرگذر یا روگذر، فراهم کند

تقاطع ناهم‌سطح شبدری
cloverleaf interchange
تقاطع ناهم‌سطح چهارشاخه‌ای که چرخه‌هایی برای گردش به چپ و راهگَردهای بیرونی برای گردش به راست داشته باشد
متـ. **شبدری**

تقاطع ناهم‌سطح لوزی
diamond interchange
تقاطع ناهم‌سطحی که دارای چهارشاخه و راهگَردهای یک‌طرفه در هر شاخه باشد

تقاطع ناهم‌سطح هادی
directional interchange
تقاطع ناهم‌سطحی که در آن امکان گردش به چپ به‌وسیلهٔ راهگَردهایی با شعاع بزرگ در سطوح مختلف وجود داشته باشد، تا سرعت عادی خودروها تغییر پیدا نکند

تقاطع هم‌سطح پیاده
footpath level crossing, FP

تقاطع هم‌سطحی که فقط برای عابر پیاده طراحی شده است

تقاطع هم‌سطح فرمان‌پذیر
controlled level crossing

تقاطع هم‌سطحی که به سامانهٔ راه‌بند مجهز و به علائم حفاظتی مرتبط شده باشد

تک‌سکه‌ای ← کرایهٔ تک‌سکه‌ای

تماسگاه لاستیک tire patch

آن قسمت از لاستیک که بر روی زمین قرار دارد و بیضی‌شکل است و قطر بزرگ آن در راستای حرکت خودرو است و از آن در بررسی تصادف استفاده می‌شود

تمام‌سبز عابر

← مرحلهٔ تمام‌سبز عابر

تندرو Bus Rapid Transit, BRT

نوعی سامانهٔ اتوبوس‌رانی که در مسیری ویژه و با سرعت زیاد مسافران را جابه‌جا می‌کند

* این لفظ هم به کل این نوع سامانهٔ حمل‌ونقل اشاره دارد و هم به اتوبوس و مسیر آن؛ بنابراین در ترکیباتی چون مسیر تندرو، سامانهٔ تندرو و اتوبوس تندرو کاربرد دارد.

تندگذر transit street

خیابان ویژهٔ عبور وسایل نقلیهٔ گذری

تنظیم فاصلهٔ گذر
headway setting

تنظیم دستگاه فرماندهی چراغ راهنمایی با توجه به فاصلهٔ زمانی اندازه‌گیری‌شده بین خودروهای متوالی براساس سرعت معین و طول خودروها در محدودهٔ شناسایی

تنظیم‌گر گذرگاه
grade crossing traffic control device

افزاره‌ای که از آن برای محافظت یا اعلام خطر در تقاطع راه‌آهن و خیابان یا حمل‌ونقل عمومی هدایت‌شده و خیابان استفاده می‌شود

توالی نمارنگ display sequence

ترتیب نمایش رنگ‌های چراغ راهنمایی

تورسنگ gabion

قفسی توری پر از قلوه‌سنگ و قطعات مختلف که با قرار دادن تعدادی از آنها بر روی هم، به‌صورت خشکه‌چینی، از ریزش دیوارهٔ خاکی جلوگیری می‌کنند

توزیع جهتی
directional distribution

سهم هریک از جهت‌های جریان شدآمد در ساعت اوج یا طرح که معمولاً برحسب درصد بیان می‌شود

توسعهٔ انبوه‌برمبنا transit-oriented development, TOD
توسعهٔ شهر با توجه ویـژه بـه حمـل‌ونقـل عمومی انبوه‌بر

توقف ایستگاهی layover time, recovery time, relay time
زمان توقـف مجـاز در ایسـتگاه، از لحظـهٔ ورود تا عزیمت، برای تغییر جهـت وسـیلهٔ نقلیه و جبران تأخیر و آمادگی بازگشت

توقف‌سنج parkometer
دستگاهی که مدت‌زمان مجاز توقف خودرو را به تناسب پول واریزشده تعیین کند

توقفگاه parking
محلی عمومی که خودروها در آنجـا بـرای مدت موقت نگهداری شوند

توقفگاه جنبی fringe parking, peripheral parking
توقفگاهی که مسـتقیماً در حاشـیهٔ منطقـهٔ تجاری مرکزی شهر واقع شده و رانـندگان می‌توانند خودروهای سواری خـود را در آن بگذارند و بقیـهٔ مسـیر را ازطریـق وسـایل نقلیهٔ عمومی طی کنند

توقفگاه دوردست remote parking
تسهیلاتی توقفگاهی که فاصلهٔ آن از مرکز فعالیت بیش از آن است کـه بتـوان پیـاده طی کرد و با وسایل نقلیهٔ خطی بـه مرکـز فعالیت متصل می‌شود

توقفگاه میانگاهی median strip parking area
محوطه‌ای برای توقف وسایل نقلیه در نوار میانگاهی

توقفگاه هوشمند smart parking
سامانهٔ توقفگاه وسایل نقلیـه کـه ازطریـق نصب حسگر و نمایشگرهایی شمار جاهای خـالی و موقعیـت آنهـا را بـه رانـندگان اطلاع‌رسانی می‌کند

تونل ← دالانه

تونل عوارضی toll tunnel
تونلی که تنها با پرداخت عوارض می‌تـوان از آن عبور کرد

ته‌بندی حفاظ end treatment
ایمن‌سازی دو سر حفاظ ایمنی در میانگـاه یا کنارهٔ راه

ج

جانمایی علامت signal sighting
نصب علامت به‌نحوی‌که راننده دید بهینه داشته باشد

جداکنندهٔ خط عبور
lane separator
جداکننده‌ای فیزیکی بین خطوط حرکتی هم‌جهت برای جلوگیری از تغییر خط خودروها

جدول kerb
مکعب‌مستطیل بتنی برای جداسازی سطوح سواره‌رو از پیاده‌رو و باغچه

جدول آب‌بَر channel block
جدولی هم‌سطح لبهٔ جاده در کنار جدول جانبی برای ایجاد شیب طولی مصنوعی با هدف جمع‌آوری آب‌های سطحی سواره‌رو

جدول بتنی پیش‌ساخته
precast concrete kerb
نوعی جدول بتنی که در کارخانه با استفاده از قالب‌های مخصوص و با روش منگنهٔ آبی یا ارتعاشی ساخته می‌شود و ازجمله مزیت‌های آن نسبت به جدول سنگی سبکی و ارزانی و یکدستی آن است

جدول تمام‌پخ splayed kerb
نوعی جدول راسته که شیب زیادی در رأس دارد و همین امر عبور از آن را برای وسیلهٔ نقلیه در مواقع اضطراری، در جایی که پیاده‌رو وجود ندارد، امکان‌پذیر می‌سازد

جدول راسته straight kerb
جدولی به طول ۵۰ تا ۹۰ سانتی‌متر که از آن در مسیرهای راست و بدون قوس استفاده می‌شود

جدول زهکشی grip
جدولی مشبک که بین جدول‌های بتنی معمول و در فاصله‌های معین برای هدایت آب‌های سطحی به حاشیهٔ راه یا به درون زهکش نصب می‌شود

جدول سنگی natural stone kerb
جدول‌هایی از سنگ گرانیت یا ماسه‌سنگ به طول ۵۰۰ میلی‌متر تا ۲ متر و عرض ۱۰۰ یا ۱۲۵ یا ۱۵۰ میلی‌متر و ارتفاع ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلی‌متر

جدول شیب‌دار dropper kerb
جدولی با مقاطع معیار که سطح افقی و فوقانی آن به سمت سطح سواره‌رو شیب دارد

جدول قابل‌عبور mountable kerb
جدولی که برای مشخص شدن لبهٔ سواره‌رو طراحی شده است، اما در صورت نیاز ارتفاع آن چنان است که می‌توان بدون احتمال آسیب رسیدن به‌وسیلهٔ نقلیه از روی آن عبور کرد

جدول قائم vertical kerb
نوعی جدول راسته که هدف از نصب آن حفاظت از پیاده‌رو در خیابان‌های درون شهر است

جدول قوسی radius kerb
جدولی با مشخصات جدول راسته که مطابق با شعاع قوس داخلی یا خارجی مسیر ساخته می‌شود

جدول گوشه‌گِرد quadrant kerb
جدولی با مقطع نیم‌پخ به شکل ربع دایره با ارتفاع ۱۲۵ یا ۱۵۰ یا ۲۵۵ میلی‌متر و شعاع قوس ۳۰۵ تا ۴۵۵ میلی‌متر

جدول لب‌بند edging kerb
جدولی برای پشته‌چینی پیاده‌رو دارای مقاطع عرضی گوشه‌دار، نیم‌دایره‌ای، پخ یا لب‌گِرد

جدول مانع barrier kerb
نوعی جدول راسته که مانع ورود و انحراف وسایل نقلیه به نقاط خطرآفرین از جمله خاکریزهای بلند و قوس‌های تیز می‌شود

جدول نیم‌پخ half-batter kerb
نوعی جدول راسته که اندک انحنایی در رأس دارد و برای ایمن‌سازی پیاده‌رو در برابر ورود احتمالی وسیلهٔ نقلیه‌ای که از مسیر منحرف می‌شود به کار می‌رود

جدول هم‌کف flush kerb
جدولی که در معابر بدون پیاده‌رو و در جایی که نیازی به مهار آب‌های سطحی نیست به کار می‌رود

جذب سفر trip attraction
تعداد سفرهای انجام‌شده به یک منطقه در زمان معین، به دلیل کاربری‌های مختلف آن

جریان flow
حرکت وسایل نقلیه در سطح معابر

جریان اشباع saturation flow
حجمی از وسایل نقلیه که افزایش بیشتر آن باعث راه‌بندان شود

جریان بیش‌ازحد over flow
حجمی از وسایل نقلیه که بیشتر از ظرفیت معبر باشد

جریان پیوسته
non-interrupted flow
جریان عبوری کـه در حالـت عـادی قطـع نمی‌شود

جریان چرخشی circulating flow
آهنگ جریان وسیلهٔ نقلیه در همهٔ خطـوط عبوری دور میدان در حد فاصل هر یک از ورودی‌های میدان

جریان شدآمد traffic flow
جریان رفت‌وآمد وسایل نقلیه

جریان غالب tidal flow, tidal traffic
جریان نامتعـادل حرکـت در خیابـان‌هـای منتهی به مرکز شهر، در ساعات اوج

جریان مسافر passenger flow
تعـداد مسـافرانی کـه در جهـت و مـدت مشخص از محل معینی عبور می‌کنند

جریان ناپیوسته
interrupted flow
جریان عبوری که بـه علـت وجـود چـراغ راهنمایی یا تابلوهای ایست و رعایت حـقّ تقدّم به‌صورت دوره‌ای قطع می‌شود

جریان واگرا diverging traffic
تفکیک جریان تردد به دو یا چنـد جریـان مجزا

جریان هم‌گرا merging traffic
الحاق دو جریان رفت‌وآمد مجزا به یکدیگر در یک جهت

جزیرهٔ میانگاهی median island
بخشی از میانگاه جاده در امتداد خط وسط کـه بـه‌مثابـهٔ ناحیـه‌ای مسـتقل و ایمـن براساس نیاز یا کـاربردی خـاص، معمـولاً برای توقف عابر در میانهٔ مسـیر دوطرفـه، ایجاد شده باشد

جزیرک refuge island
سطحی مثلثی کـه براثـر اجـرای عملیـات مسیردهیِ تقاطع پدید می‌آید

جزیرهٔ راست‌گرد ورود و خروج
right-in right-out island
محوطهٔ مثلثی‌شکل برآمده‌ای که با مسدود کـردن قسـمتی از راه در انتهـای مسـیر ورودی بـه تقـاطع، مـانع انجـام حرکـات گردش به چپ و عبور مستقیم می‌شود

جعبه‌فرمان controller
دستگاهی برای تنظیم تنـاوب چـراغ‌هـای راهنمایی در تقاطع‌ها

جفت‌راهنما
hazard warning lights
دو چراغ راهنمای زرد خودرو که هم‌زمان و منظم روشن و خاموش می‌شوند

جناغی approach nose

برجستگی یا سطح خط‌کشی‌شدهٔ زاویه‌داری برای جداسازی مسیر خودروهایی که در یک جهت حرکت می‌کنند

جهت‌نما chevron

تابلوی هشداردهنده‌ای که در لبهٔ خارجی قوس‌های افقی برای هدایت خودرو به سمت سواره‌رو نصب می‌شود

جهت‌نمای ترسیمی chevron marking

خطوطی که بر سطح سواره‌رو برای جهت دادن به تردد وسایل نقلیه ترسیم می‌شود

جهت‌نمای گروهی chevron board

صفحهٔ بازتابنده و طرح‌داری که تغییر ناگهانی جهت جاده را مشخص می‌کند

چ

چاه جذبی soakaway, absorbing well, absorbtion pit

نوعی زهکش به‌صورت گودالی مملو از مواد جاذب یا مخزنی تعبیه‌شده در زیر سطح زمین برای انتقال آب‌های سطحی به لایه‌های زیرین خاک

چاهک ← چاهک بازدید

چاهک gully

گودالی ویژه برای جمع‌آوری آب‌های سطحی و هدایت آنها به مجراهای اصلی تخلیه

چاهک بازدید manhole

چاهکی برای بازدید از تأسیسات زیرزمینی

مترـ **چاهک**

چپ‌گرد پسین lagging left turn

حرکت گردش به چپی که با نمایش چراغ پیکان‌دار سبز انجام می‌شود و شروع آن بلافاصله پس از انجام حرکت مستقیم جهت مقابل است

چپ‌گرد پیشین leading left turn

حرکت گردش به چپی که با نمایش چراغ پیکان‌دار سبز شروع می‌شود و پایان آن بلافاصله پیش از انجام حرکت مستقیم جهت مقابل است

چراغ راه‌بند grade crossing protection signal

چراغ راهنمایی چشمک‌زن یا راه‌بند خودکاری که در تقاطع جاده و ریل نصب می‌شود و با نزدیک‌شدن قطار فعال می‌شود

چراغ راهنمایی traffic signal, traffic light, stop light

دستگاهی متشکل از سه چراغ زرد و سبز و قرمز برای تنظیم عبور وسایل نقلیه، به‌ویژه در تقاطع‌ها

چراغ راهنمایی چشمک‌زن
flashing signal beacon, flashing control signal

نوعی چراغ راهنمایی که فقط رنگ قرمز یا زرد چشمک‌زن را نمایش می‌دهد

چراغ راهنمایی چهارزمانه
four-phased traffic light, four-phased

نوعی چراغ راهنمایی که چرخهٔ آن به چهار مرحله تقسیم شود
متـ . **چهارزمانه**

چراغ راهنمایی سه‌زمانه
three-phased traffic light, three-phased

نوعی چراغ راهنمایی که چرخهٔ آن به سه مرحله تقسیم شود
متـ . **سه‌زمانه**

چراغ زمان‌ثابت
fixed-time signal, fixed-time control, FT

چراغی که تنها امکان ارائهٔ توالی منظم مراحل را در مدت‌زمان‌های ثابت دارد

چراغ مجاور
nearsighted traffic light, nearsighted

نوعی چراغ راهنمایی که قبل از تقاطع، برای اطلاع از وضعیت عبورومرور نصب شود
متـ . **مجاور**

چراغ مضاعف repeater

چراغ اضافه‌ای که در سمت مقابل تقاطع برای مشاهدهٔ بهتر وضعیت چراغ‌های راهنمایی نصب شود

چراغ مقابل
farsighted traffic light, farsighted

نوعی چراغ راهنمایی که بعد از تقاطع برای دید بهتر نصب شود
متـ . **مقابل**

چراغ‌های هماهنگ
coordinated signals

چند چراغ راهنمایی که برای روان‌سازی عبور از تقاطع‌های متوالی با یکدیگر هماهنگ شوند

چرخ‌بَری drayage

بردن بار از یک وسیلهٔ حمل به‌وسیلهٔ دیگر از یک بنگاه باربری به بنگاه دیگر در مسافت کوتاه

چرخه loop

شیب‌راههٔ حلقوی در تقاطع‌های ناهم‌سطح برای انجام گردش به چپ

چرخهٔ باربَری car cycle

فاصلهٔ زمانی بین دو بارگیری یک وسیلهٔ نقلیه

چشم‌ببری tiger's eye

علامتی شیشه‌ای که معمولاً برای مشخص کردن محدوده‌های خاص بر سطح جاده نصب می‌شود و در مقایسه با چشم‌گربه‌ای بازتاب نور بیشتری دارد

چشمک‌زن flasher
نوعی چراغ راهنمایی که به‌طور متناوب و لحظه‌ای خاموش و روشن شود

چشم‌گربه‌ای cat's eye
نوعی علامت افقی برجسته با قابلیت بازتاب نور که همراه با خط‌کشی یا به‌جای آن به کار می‌رود

چگالی تردد traffic density
تراکم وسایل نقلیه در هر کیلومتر مربع در لحظهٔ معین

چگالی راه‌بندان jam density
نسبت تعداد وسایل نقلیه به واحد طول در هنگام راه‌بندان

چندخطه multilane
ویژگی مسیری که دارای دو یا چند خط عبور برای حرکت هم‌جهت است

چندراه multileg intersection
تقاطعی با بیش از چهار بازو

چهارزمانه
← چراغ راهنمایی چهارزمانه

چهار عامل مرگبار fatal four
چهار عامل اصلی‌ای که بستگی به راننده دارد و باعث بروز حوادث مرگبار رانندگی می‌شود، شامل سرعت غیرمجاز و رانندگی در حال مستی و خستگی مفرط و نبستن کمربند ایمنی

چینش دو- دو
two-by-two seating, 2+2 seating
چینش عرضی صندلی‌ها در وسایل نقلیهٔ عمومی به‌نحوی‌که در هر ردیف دو صندلی در هر سوی راهرو قرار گیرد

چینش دو- یک
two-by-one seating, 2+1 seating
چینش عرضی صندلی‌ها در وسایل نقلیهٔ عمومی به‌نحوی‌که در هر ردیف دو صندلی در یک سوی راهرو و یک صندلی در سوی دیگر آن قرار گیرد

چینش طولی
longitudinal seating
چینش صندلی‌های وسایل نقلیهٔ عمومی به موازات دیواره‌های جانبی به‌نحوی‌که مسافران عمود بر راستای حرکت نشسته باشند

چینش عرضی
transverse seating
چینش صندلی‌های وسایل نقلیهٔ عمومی به‌نحوی‌که مسافران رو به جلو یا عقب وسیلهٔ نقلیه نشسته باشند

ح

حاشیهٔ آزاد جدول kerb clearance

فاصله‌ای که جدول کناره باید از لبهٔ خط عبور داشته باشد تا ظرفیت حداکثری خط عبور حفظ شود

حاشیه‌نمای میله‌ای edge marker post

نوعی علامت مستطیل‌شکل برای نشان دادن لبهٔ راه

حائل نور glare screen

هر افزاره یا مانع طبیعی که از آن بتوان برای در امان ماندن چشم راننده در برابر نور چراغ جلوی خودروهای روبه‌رو استفاده کرد

حجم تقاضا demand volume

تعداد وسایل نقلیه‌ای که پیش‌بینی می‌شود از یک نقطه یا قطعه‌راه در واحد زمان عبور کنند

حجم خدمات service volume

بیشترین تعداد وسایل نقلیه‌ای که می‌توانند با حفظ سطح کارایی و در طی زمانی معین از نقطه‌ای مشخص عبور کنند

حجم رابط link volume, link load

در طراحی، حجم کل اختصاص‌یافته به وسایل نقلیهٔ بزرگراه‌ها یا مسافران گذری شاخه‌ای از شبکهٔ راه

حجم ساعتی بیشینه highest hourly volume, HHV

بیشترین شمار وسایل نقلیهٔ عبوری در یک دورهٔ ۶۰ دقیقه‌ای متوالی در طول یک سال

حجم طرح design volume, design hourly volume

حجم تردد قابل‌پیش‌بینی که در طراحی در نظر گرفته می‌شود

حجم گذر through put
تعداد وسایل نقلیه یا افرادی که با وسایل نقلیه در مدت‌زمان مشخص از یک یا چند نقطه می‌گذرند

حجم مسافر Passenger volume, line volume
تعداد کل مسافرانی که در یک خط حمل‌ونقل عمومی در دورهٔ زمانی خاصی جابه‌جا می‌شوند

حداکثر بارپذیری
higher mass limits, HML
حداکثر بار محوری که خودروهای سنگین در مسیرهای تعیین‌شده و متناسب با ساختار جاده می‌توانند بر سطح جاده تحمیل کنند

حداکثر سرعت فنی
maximum technical speed
بیشترین سرعت حرکت یک وسیلهٔ حمل‌ونقل عمومی در شرایط جوّی عادی، بر روی خط مستقیمِ بدون شیب

حد سرعت speed limit
حداکثر یا حداقل سرعت مناسب برای بخشی از راه که قانون آن را تعیین می‌کند

حرکات تداخلی
conflicting movements
ادغام شدن تردد دست‌کم دو جریان ناهم‌سو از وسایل نقلیه یا افراد پیاده در تقاطع‌ها

حرکت movement
جریان وسایل نقلیه‌ای که با هم از یک مسیر وارد و از یک خروجی خارج می‌شوند

حرکت بحرانی
critical movement
بیشترین حجم تردد، در هنگام سبز بودن چراغ در یک مسیر

حرکت مخالف
opposed movement
هر حرکتی که رخداد آن مزاحم دیگر جریان‌های شدآمدی در تقاطع می‌شود

حریم راه right-of-way
نواری از زمین و ملک واقع در کنار مسیر که برای مقاصد حمل‌ونقل تملیک می‌شود

حصار fence
دیواره‌ای برای جدا کردن مکانی از مکان دیگر

حصارکشی fencing
کشیدن دیواره‌ای برای جدا کردن مکانی از مکان دیگر

حفاظ آزمایشی
experimental barrier
حفاظی که در آزمون‌های تمام‌عیار تصادف نتایج و کارکرد خوبی داشته است، اما کارایی آن هنوز در عمل احراز نشده است

حفاظ تبدیلی transition barrier
تکه‌حفاظی که بین دو حفاظ مختلف و غالباً در جایی که حفاظ کنار راهی به نردهٔ پل یا شیء سختی مانند پایهٔ روگذر پل متصل می‌شود، قرار می‌دهند تا از عرض مسیر به‌تدریج کاسته شود و مانع ایجاد راه‌بندان یا بروز تصادف شود

حفاظ راه‌کنار roadside barrier
حفاظ طولی برای جلوگیری از برخورد خودرو با موانع و عوارض سطحی کنار جاده

حفاظ طولی longitudinal barrier
حفاظی در کنار راه که عملکرد اصلی آن جلوگیری از خروج وسیلهٔ نقلیهٔ منحرف‌شده از راه و بازگرداندن ایمن آن به راه است

حفاظ کارآمد operational barrier
حفاظی که آزمون‌های تمام‌عیار تصادف را با موفقیت پشت سر گذاشته و در عمل هم نتایج رضایت‌بخش داشته است

حفاظ میانگاهی median barrier
حفاظی طولی برای جلوگیری از عبور خودروِ منحرف‌شده از میانگاه آزادراه

حلقه‌راه ring road
راهی حلقوی پیرامون یک محوطه برای دسترسی به آن محوطه

حمل کالا
freight transportation
جابه‌جایی کالا از تولیدکننده به مصرف‌کننده

حمل‌ونقل اختصاصی
private transportation[1]
خدماتی در حمل‌ونقل که به گروه خاصی اختصاص دارد و عموم مردم نمی‌توانند از آن استفاده کنند

حمل‌ونقل انبوه
mass transportation
خدمات حمل‌ونقل انبوه مسافر با استفاده از وسایل حمل‌ونقل عمومی، مانند مترو

حمل‌ونقل بین‌شهری
intercity transportation
خدمات حمل‌ونقلی که شرکت‌های مجاز حمل‌ونقل در بین شهرها و معمولاً در مسیر ثابت و با برنامهٔ مشخص عرضه می‌کنند

حمل‌ونقل پایدار
sustainable transportation
خدمات حمل‌ونقلی با آلودگی کم و صرف هزینهٔ معقول که موجب تداوم کیفیت زندگی در سطح مطلوب می‌شود

حمل‌ونقل خصوصی
private transportation[2]
خدمات حمل‌ونقلی که در مالکیت یا بهره‌برداری شخص یا گروه غیردولتی است و برای استفادهٔ شخصی به کار می‌رود

حمل‌ونقل عمومی خیابانی
street transit

شیوه‌های مختلف حمل‌ونقل عمومی رایج در خیابان‌ها

حمل‌ونقل عمومی دورسیر
regional transit

نوعی خدمات حمل‌ونقل عمومی با خطوط طولانی و تعداد ایستگاه کم و سرعت زیاد که عمدتاً برای سفر در نواحی دور از هم کلان‌شهرها به کار می‌رود

حمل‌ونقل منظم
regular transport

جابه‌جایی مسافر براساس مسیر و جدول زمانی مشخص

حمل‌ونقل میان‌خطی
interline transportation

جابه‌جایی مسافر بین یک یا چند خط اتوبوس یا راه‌آهن در حمل‌ونقل عمومی

حمل‌ونقل واسط hybrid service

خطوط اتوبوس‌رانی بین خطوط ثابت اتوبوس و مسافربرها

حمل‌ونقل همگانی
public transportation

نوعی خدمات حمل‌ونقل عمومی، با برنامه‌ای مشخص، که در آن بیش از یک مسافر را در یک یا چند مسیر معین از نقطه‌ای به نقطهٔ دیگر جابه‌جا می‌کنند

حوزه‌بندی شدآمد trafftic zoning

تقسیم‌بندی یک محدودهٔ شهری به نواحی یا مناطق متعدد برای انجام مطالعات مربوط به شدآمد

حوزهٔ پیاده‌گرد auto free zone, auto free area

ناحیه‌ای که در آن، تردد خودروِ سواری عادی ممنوع است

حوزهٔ دید مؤثر
zone of spatial commitement

محدوده‌ای که در آن علائم تأثیرگذار بر رانندگی در مسیرِ پیشِ رو قابل مشاهده است

حوزهٔ شدآمد traffic zone

هریک از تقسیمات محدوده‌های شهری برای مطالعات شدآمدی

حوزهٔ محدودیت سرعت
speed zone

بخشی از راه که قانوناً دارای محدودهٔ سرعت است و سرعت در این محدوده ممکن است با سرعت مصوب قانونی تفاوت داشته باشد

حومه‌سفر معکوس
reverse commuting

حرکت در جهت عکس جریان غالب تردد در ساعت اوج

خ

خاک‌بردار loader
نوعی خودرو برای کندن و برداشتن خاک

خاک‌برداری excavation
برداشت خاک پس از برداشتن لایهٔ نباتی تا عمق پیش‌بینی‌شده در طرح برای رسیدن به تراز احداث راه

خاک‌پاش sand spreader, spreader
دستگاهی برای پاشیدن خاک سنگ بر روی آسفالت تازه برای جلوگیری از چسبندگی

خاکریز embankment
قشری از خاک یا خاک شن‌دار که بین بستر و زیراساس ریخته می‌شود

خالی‌ماند ایستگاه
berth clearance time
کمترین فاصلهٔ زمانی ممکن بین خروج یک اتوبوس از ایستگاه و ورود اتوبوس دیگر به آن

خدمات اوج peak service
خدمات حمل‌ونقل عمومی در ساعات اوج

خدمات بی‌توقف
origin-to-destination service
نوعی خدمات در سامانهٔ اتوبوس‌رانی که در آن وسیلهٔ نقلیه برای سوار کردن مسافر در هیچ یک از ایستگاه‌های بین راه تا مقصد توقف نمی‌کند

خدمات پرسرعت
accelerated service
خدماتی در حمل‌ونقل عمومی که در آن واحدهای حمل‌ونقل در یک خط براساس برنامه‌ای ازپیش‌تعیین‌شده، بدون توقف در همهٔ ایستگاه‌ها، حرکت می‌کنند

خدمات تغذیه‌کننده
feeder service

خـدمات جمـع‌آوری مسـافران محلـی و رساندن آنها به خطوط اصلی حمل‌ونقل

خدمات تک‌به‌زیاد
one-to-many service,
scatter service

نوعی خدمات در سامانهٔ اتوبوس‌رانی که در آن مسافران را از یـک ایسـتگاه مبـدأ بـه تعـداد پرشـماری ایسـتگاه مقصـد انتقـال می‌دهند

خدمات چرخشی circular service

نوعی خدمات اتوبوس‌رانـی محلـی کـه از طریق آن قسـمت‌هـای مرکـزی شـهر یـا حومهٔ آن به مسیرهای اصلی پرتردد متصل می‌شود

خدمات خط اصلی
line-haul service

۱. نوعی خدمات در سامانهٔ اتوبوس‌رانی که در آن اتوبوس‌ها در مسـیری تـک‌دالان و بدون انشعاب بـا ایسـتگاه‌هـایی در طـول مسیر، حرکت می‌کنند۲. در مقابل خـدمات تغذیه‌کننده، هر خط غیرفرعی یا خط تندرو

خدمات زیادبه‌تک
many-to-one service,
gather service

نوعی خدمات در سامانهٔ اتوبوس‌رانی که در آن مسافران را از تعداد پر شماری ایستگاه مبدأ به مقصدی خاص انتقال می‌دهند

خدمات زیادبه‌زیاد
many-to-many service

نوعی خدمات در سامانهٔ اتوبوس‌رانی که در آن مسافران را از تعداد پرشماری ایسـتگاه مبدأ به تعـداد پرشـماری ایسـتگاه مقصـد انتقال می‌دهند

خدمات زیادبه‌کم
many-to-few service

نوعی خدمات در سامانهٔ اتوبوس‌رانی که در آن مسافران را از تعداد پرشماری ایسـتگاه مبدأ به تعـداد محـدودی ایسـتگاه مقصـد انتقال می‌دهند

خدمات شریانی arterial service

نوعی خدمات حمل‌ونقل که در مسـیرهای اصلی طولانی و پرمتقاضی ارائه می‌شود

خدمات عادی
regular transit services,
all-day transit services

خدمات خطوط حمل‌ونقل عمومی در غالب ساعت‌های روز که معمـولاً بـین۱۶ تـا۱۸ ساعت است

متـ. **خدمات عادی حمل‌ونقل عمومی**

خدمات عادی حمل‌ونقل عمومی

⟵ خدمات عادی

خدمات فرامرکز
cross-town service

خدمات حمل‌ونقل عمومی غیرشعاعی کـه به محدودهٔ تجاری مرکزی وارد نمی‌شود

خدمات کم‌به‌زیاد
few-to-many service

نوعی خدمات در سامانهٔ اتوبوس‌رانی که در آن مسافران را از تعداد محدودی ایستگاه مبدأ به تعدادی پرشماری ایستگاه مقصد انتقال می‌دهند

خدمات کم‌به‌کم
few-to-few service

نوعی خدمات در سامانهٔ اتوبوس‌رانی که در آن مسافران را از تعداد کمی ایستگاه مبدأ به تعداد کمی ایستگاه مقصد انتقال می‌دهند

خدمات کم‌توقف
limited stop service

نوعی خدمات در سامانهٔ اتوبوس‌رانی، معمولاً در سطح محلی، که در آن با عدم توقف در همهٔ ایستگاه‌ها سرعت انتقال مسافر بالا می‌رود

خدمات محدود limited service

نوعی خدمات حمل‌ونقل عمومی که فقط در مدت‌زمان مشخصی از روز یا در ایستگاه‌های معین یا به جمعیت خاصی ارائه می‌شود

خدمات محله‌ای
community service

نوعی خدمات حمل‌ونقل در مسیرهای نسبتاً کوتاه خطی یا حلقوی در یک مجتمع محلی که اغلب به وسیلهٔ اتوبوس‌های کوچک انجام می‌شود

خدمات محلی local service

نوعی خدمات در سامانهٔ اتوبوس‌رانی که در آن اتوبوس‌ها توقف‌های متعدد دارند و درنتیجه سرعت آنها کمتر است و هدف از آن سوار و پیاده کردن مسافر در نزدیکی مبدأ و مقصد آنهاست

خدمات مسافرمدار
flag stop service

در حمل‌ونقل درون‌شهری ریلی، نوعی خدمات شبیه به حمل‌ونقل عمومی که در آن مسافر می‌تواند در هر نقطه سوار یا پیاده شود

خدمات مشتری‌رسان
shopper's special service

خدماتی که در طی ساعات غیراوج برای بردن مسافران از مبدأ به مراکز خرید و برگرداندن آنها در نظر گرفته می‌شود

خراب ـ کارا fail-operational, fail-operative

ویژگی سامانه‌ای که در صورت خرابی، علی‌رغم هشداردهی، در عملکردش محدودیتی ایجاد نمی‌شود

خرابی‌ایمن fail-safe[1]

ویژگی سامانه‌ای که در صورت خرابی خطری برای افراد یا خللی در سامانه‌های دیگر ایجاد نشود و آسیب به حداقل برسد

خرابی‌ایمن باز fail-safe open, FSO

ویژگی قطعه یا دریچه‌ای خرابی‌ایمن که در صورت بروز خرابی همچنان باز باقی می‌ماند

خرابی‌ایمن بسته fail-safe close, FSC

ویژگی قطعه یا دریچه‌ای خرابی‌ایمن که در صورت بروز خرابی همچنان بسته باقی می‌ماند یا بسته می‌شود

خرابی‌تاب fail-active

ویژگی سامانه‌ای که در صورت بروز خرابی، بدون هشداردهی، همچنان به کار خود ادامه می‌دهد

خرابی‌ناتاب fail-passive

ویژگی سامانه‌ای که در صورت بروز خرابی، بدون هشداردهی، از کار می‌افتد

خُردشبیه‌سازی microsimulation

نوعی شبیه‌سازی که در آن حرکت تک‌تک خودروها در شبکهٔ راه تحلیل می‌شود

خروج از مسیر سرعت‌بالا high-speed off-tracking

تفاوت میان شعاع گردش چرخ‌های جلو و چرخ‌های عقب در هنگام گردش پرسرعت خودرو تا ۷۰٪ سرعت طرح در قوس‌ها

خروج از مسیر سرعت‌پایین low-speed off-tracking

تفاوت میان شعاع گردش چرخ‌های جلو و چرخ‌های عقب در هنگام گردش نود درجهٔ خودرو در سرعت کم

خروجی ← راه خروجی

خروجی تقاطع intersection exit

قسمتی از بازوی تقاطع که از آن برای خروج استفاده شود

خشکه‌فله‌بر dry-bulk carrier

وسیله‌ای برای حمل بارهای فله‌ای

خط انتظار storage lane

فضای اضافی در نقاطی از مسیر برای عبور وسایل نقلیه‌ای که قصد گردش به چپ و راست دارند

خط انشعابی transit line branch

بخشی از خط که از یک خط حمل‌ونقل عمومی یا خطوط دیگر منشعب می‌شود

خط برش cut line

در برنامه‌ریزی شهری، خطی فرضی که در موقعیتی راهبردی به نحوی ترسیم شود که تمام شاخه‌های موجود در یک دالان حمل‌ونقل را قطع کند

خط پرگذر critical lane

خط عبور دارای حرکت بحرانی

خط پشته judder bar
جداکننده‌ای که بر روی سطح راه نصب می‌شود تا رانندگان بتوانند به‌کمک آن سرعت و جهت حرکت وسیلهٔ نقلیه را تنظیم کنند

خط تاج crown line
خط‌کشی‌ای که دماغه‌های ورودی و خروجی سطح ضربدری را به یکدیگر وصل می‌کند

خط ترمز skid marks
آثار باقی‌ماندهٔ لاستیک بر روی سطح جاده پس از ترمز و قفل شدن چرخ و سُرش خودرو

خط تغذیه transit line feeder
خطی مستقل در حمل‌ونقل عمومی که مسافران را به خط اصلی منتقل می‌کند

خط تقدم priority lane
خطی در سواره‌رو مختص یک یا چند دسته از وسایل نقلیهٔ ویژه، معمولاً در ساعات مشخص

خط تقسیم screen line
خطی فرضی در میان حوزه‌های شدآمد

خط تک‌پایانه trough routing
خطی که از پایانهٔ مبدأ شروع می‌شود و پس از عبور از مرکز شهر و طی مسیر پیرامونی به مسیر اولیه و در انتهای مسیر به پایانهٔ مبدأ برمی‌گردد

خط تمایل desire line
خطی مستقیم بر روی نقشه که بهترین مسیر بین مبدأ و مقصد یک سفر را مشخص می‌کند

خط جداساز dividing line
خط‌کشی محوری دارای یک یا دو خط موازی که ممتد یا منقطع است و برای نشان دادن تمایز جهت حرکت در دو طرف خط طراحی می‌شود

خط حاشیه edge line
خطی که لبهٔ راه را مشخص می‌کند

خط حاشیهٔ قوس inscribed circle
خط‌کشی محاط به قوس در حاشیهٔ جدول بیرونی راه

خط حمل‌ونقل عمومی transit line
خطی که وسایل نقلیهٔ عمومی طبق برنامهٔ ازپیش‌تعیین‌شده در آن حرکت می‌کنند

خط خودرو چندسرنشین high occupancy vehicle lane
خط عبور واقع در خیابان یا بزرگراه که خاص تردد خودروهای چندسرنشین است

خط راست‌گرد ← خط گردش

خطر راه‌کنار roadside hazard
شیء یا عارضه‌ای در حدفاصل کنارهٔ خط عبور و مرز حریم راه یا داخل میانگاه که ممکن است باعث آسیب دیدن سرنشینان خودرو در هنگام برخورد خودرو منحرف‌شده با آن شود

خطرنما hazard marker
علامتی مستطیل‌شکل با خطوط یا نوارهای شبرنگ و جهت‌نمای سفید و قرمز بر روی آن که هشداردهندهٔ وجود مانع در کنارهٔ راه است

خط سرعت‌افزایی acceleration lane
خط عبور کمکی که در جوار آزادراه یا بزرگراه برای افزایش سرعت وسایل نقلیه‌ای که می‌خواهند به خط عبور اصلی وارد شوند کشیده شود

خط سرعت‌کاهی deceleration lane
خط عبور کمکی که در جوار آزادراه یا بزرگراه برای کاهش سرعت وسایل نقلیه‌ای که می‌خواهند از خط عبور اصلی خارج شوند کشیده شود

خط عبور lane
محدودهٔ باریکی به عرض سه تا چهار متر در سطح سواره‌رو که دو طرف آن با خط‌کشی ممتد یا منقطع مشخص می‌شود و خودرو باید در آن حرکت کند

خط عبور علامت‌دار marked lane
خط عبوری که با خط‌کشی پیوسته یا ناپیوسته یا ردیف‌هایی از گل‌میخ یا نشانگر علامت‌گذاری شده است

خط عبور ناهم‌سو contraflow lane
خط عبوری در جاده یا خیابان که در آن برخی وسایل نقلیه در ساعات مشخصی از روز یا به‌طور دائم برخلاف جهت حرکت عادی حرکت می‌کنند

خط عبور یک lane one
اولین خط عبور راه در مجاورت شانهٔ راه

خط‌کشی lane line
خطی برای تفکیک دو خط عبور هم‌جهت و مجاور از یکدیگر

خط‌کشی انتظار holding line
خط‌کشی عرضی منقطع که وسایل نقلیه‌ای که قصد ورود به تقاطع را دارند، در صورت لزوم به توقف، باید پشت آن بایستند

خط‌کشی طولی line marking
خط‌کشی با رنگ‌آمیزی یا هر روش دیگر که حد خطوط عبور را برای هدایت خودروهای عبوری مشخص کند

خط کمکی auxiliary lane
خط عبور جانبی که ورودی‌ها و خروجی‌های بزرگراه را از جادهٔ اصلی جدا می‌کند

خط گردش turning lane
۱. خطی مجزا که به‌طور انحصاری برای انجام حرکات گردشی به کار می‌رود۲. خط انباره یا تغییر سرعت برای حرکات گردشی متـ. **خط راست‌گرد** right-turn lane

خط گردش ایمن
protected turning lane
نوعی خط گردش که با تجهیزات هدایتی نظیر چراغ و تابلو از خطوط دیگر متمایز می‌شود

خط لوزی‌نشان diamond lane
خط عبور وسایل نقلیهٔ پرسرنشین با علامت لوزی در سطح سواره‌رو که ممکن است با تابلوی لوزی‌شکل نیز مشخص شده باشد

خط مجال turnout
خط عبور کوتاهی که به یک راه دوخطهٔ دوجهته اضافه می‌شود تا وسایل نقلیهٔ کُندرو بتوانند به آن وارد شوند یا در آنجا توقف کنند تا عبور وسایل نقلیهٔ تُندرو امکان‌پذیر شود

خط محور centre line
خط جداکنندهٔ دو جهت حرکت

خط محوری trunk transit line
بخش اصلی یک خط حمل‌ونقل عمومی که انشعاب‌های متعددی دارد

خط محیطی cordon line
خطی فرضی پیرامون یک حوزهٔ شدآمد

خط مستقل
independent transit line
خطی که به خطوط دیگر حمل‌ونقل عمومی متصل نیست

خط میانه median lane
خط عبوری در محور میانی راه که برای کاهش سرعت وسایل نقلیهٔ چپ‌گرد پیش‌بینی شود

خطوط عبور هم‌سو lane group
خطوط عبوری که حرکت در آنها هم‌سو است

خط ویژه exclusive lane
خط عبوری برای وسایل نقلیهٔ مجاز که با موانعی از راه اصلی جدا می‌شود

خط ویژهٔ اتوبوس bus lane, preferential bus lane, priority bus lane, exclusive bus lane
خط عبوری در راه یا خیابان برای عبور اتوبوس در تمام یا قسمتی از روز

خط ویژهٔ برگشت‌پذیر
reversible bus lane
خط ویژهٔ اتوبوس یا وسایل نقلیهٔ پرسرنشین که در ساعات اوج صبح و عصر جهت حرکت در آن معکوس می‌شود

خط ویژهٔ حمل‌ونقل عمومی
exclusive transit lane, reserved transit lane
خط عبور کاملاً ناهم‌سطح یا با دسترسی واپایش‌شده که فقط وسایل نقلیهٔ عمومی از آن استفاده می‌کنند

خط ویژهٔ گردش‌به‌چپ
exclusive left turn lane
خطی ویژه برای جداسازی حرکت گردش‌به‌چپ از مستقیم

خودروِ اجاره‌ای rented car, rent-a-car
خودروی بدون راننده که مسافر آن را برای مدت‌زمان معینی اجاره می‌کند

خودروِ باری سنگین
heavy goods vehicle
خودرو حمل کالا با وزن بیش از۱۲ تن

خودروِ بدل exemplar vehicle, simulating vehicle
خودروی شبیه به خودروِ تصادفی که می‌توان از آن برای بازسازی صحنهٔ تصادف استفاده کرد

خودرو پیشرو lead vehicle
خودروی که در جلوی تجهیزات عمرانی سیار یا خودروهایی با بار حجیم و بزرگ در راه‌های دوطرفه حرکت می‌کند تا خودروهای روبه‌رو را از خطر مقابل آگاه سازد

خودروِ تجاری
commercial vehicle, CV
خودروی که در جریان یک برنامهٔ تجاری برای حمل کالا یا مسافر به کار می‌رود

خودرو تجاری سبک
light commercial vehicle
خودرو موتوری، ویژهٔ حمل کالا با حداکثر وزن ۵/۳ تن

خودرو ترکیبی hybrid car, hybrid electric vehicle, HEV, hybrid vehicle
خودروی با دو یا چند منبع قدرت

خودرو تک‌سرنشین
single occupant vehicle, SOV
خودروی که سرنشین آن فقط راننده است

خودروِ تمام‌دونیرو full hybrid car
خودروی که نیروی آن با موتور بنزینی و موتور برقی به‌طور جداگانه یا هم‌زمان با هم تأمین می‌شود

خودروِ چندسرنشین
high occupancy vehicle
خودروی که دارای تعداد مسافر کافی برای استفاده از خط عبور مخصوص خودروهای پرسرنشین باشد

خودرو چندمفصلی
multi-combination vehicle
هر خودرو مفصل‌دار با درازایی بیش از نوزده متر یا وزن کلی بیش‌از چهل‌ودو و نیم تن

خودروِ دوگانه‌رو dual-mode vehicle

وسیلهٔ نقلیه‌ای که هم ازطریق راننده در خیابان‌های عمومی و هم به‌صورت خودکار در هادی‌راه قابل استفاده است

خودروِ سفری station wagon, station[2]

خودروی که صندلی عقب آن قابل برداشتن یا تا شدن باشد و صندوق عقب نداشته باشد

مترـ **سفری**

خودروِ سنگین heavy vehicle

خودروی با بیش از چهار چرخ فعال

خودروِ شاخص floating car

وسیلهٔ نقلیه‌ای که با سرعت میانگینِ تردد در طول جاده حرکت می‌کند به‌طوری‌که شمار خودروهایی که از آن سبقت می‌گیرند برابر باشد با شمار خودروهایی که از آنها سبقت می‌گیرد

خودروشویی car wash

محل شست‌وشوی خودروها با دستگاه‌های خودکار

خودروِ طرح design vehicle

وسیلهٔ نقلیهٔ موتوری انتخاب‌شده با وزن و عملکرد و ابعاد مشخص که از آن در طراحی آزادراه‌ها استفاده می‌شود

خودروِ فعال active vehicle

خودروی که آمادهٔ خدمت‌رسانی است حتی اگر به‌طور موقت برای تعمیرات جزئی یا بازدیدهای عادی از خط خارج شده باشد

خودروِ کم‌دونیرو micro hybrid car

خودروی که موتور برقی دارد، ولی قدرت رانش آن ازطریق احتراق داخلی است

خودروِ مناسب کم‌توانان accessible vehicle

وسیلهٔ نقلیهٔ عمومی انتفاعی با فضای مناسب و دسترسی آسان برای مسافرانی که از صندلی چرخ‌دار استفاده می‌کنند

خودروِ نیم‌دونیرو mild hybrid car

خودروی که نمی‌تواند فقط با موتور برقی کار کند، بلکه برای تأمین نیروی ثابت حرکت نیاز به احتراق داخلی دارد

خیابان اصلی major street, main street

خیابانی که به‌طور معمول حجم تردد وسایل نقلیه در آن زیاد است

خیابان عادی mixed mode street

خیابانی که مسیر اختصاصی برای حمل‌ونقل عمومی یا وسایل نقلیهٔ گذری ندارد و همه‌گونه وسیلهٔ نقلیهٔ از آن عبور می‌کند

خیابان فرعی minor street
خیابانی که به‌طور معمول حجم تردد وسایل نقلیه در آن کم است

خیابان گِردآور collector street
خیابان رابط خیابان‌های محلی و شریانی

خیابان محلی local street
خیابان رابط بین خیابان‌های گِردآور و مناطق مسکونی

خیابان ویژهٔ اتوبوس
bus only street
خیابان خاص رفت‌وآمد اتوبوس‌های درون‌شهری

خیابان‌های ناهم‌محور
disaxed streets
مسیرهای مقابل یکدیگر در یک تقاطع که هم‌محور نباشند

د

دالان corridor

گستره‌ای بین دو پایانه کـه در آن مسـائل حمل‌ونقل، مشخصه‌های هندسی، مسـائل زیست‌محیطی و سایر مشخصـات در نظـر گرفته شده باشد

دالانه tunnel

گذرگاهی که از زیر زمین یا کوه یا رودخانه بگذرد

متـ . **تونل**

دانه‌بندی نامعیار
marginal aggregate

سـنگدانه‌ای کـه مشخصـات معمـول دانه‌بندی را ندارد، اما برای کارکردی خاص در روسازی مناسب است

درآمد بلیت‌فروشی
fare box revenue

درآمدی که بنگاه‌های حمل‌ونقل عمومی از جمع‌آوری کرایه به دست می‌آورند

دربست charter[1]

ویژگی وسیلهٔ نقلیه‌ای که یکجـا از طـرف شخص یا شرکت یا مؤسسه‌ای کرایه شود

دربست کرایه کردن charter[2]

اجاره کردن وسیلهٔ نقلیه به‌صورت دربست

دربستی chartering

کرایهٔ وسیلهٔ نقلیه‌ای که سازمان یا گروه به صورت درست اجاره کرده باشد

متـ . **کرایهٔ دربستی**

درجهٔ اشباع
degree of saturation,
volume to capacity ratio

نسبت جریان ورودی بـه ظرفیـت در یـک چرخهٔ جریان

درجهٔ قوس
degree of curvature

اندازهٔ زاویه‌ای که با انحراف۳۰ متر از خط راست در امتداد قوس افق تشکیل می‌شود

درجه‌های حمل‌ونقل
classes of transport

رده‌های مختلف در سامانه‌های حمل‌ونقل ازلحاظ راحتی و کیفیت ارائهٔ خدمات و قیمت

درختواره tree

نموداری که در شبکهٔ راه‌ها کوتاه‌ترین مسیر و کمترین زمان سفر از یک نقطه در یک حوزه را به هر گروه نشان می‌دهد

درختوارهٔ چکیده skimmed tree

مجموعهٔ اطلاعات حمل‌ونقل که از داده‌های درختواره به دست می‌آید

درز انبساط expansion joint

درزی که در طراحی، بین قطعات بتنی و فولادی پیش‌بینی می‌شود و امکان انبساط آنها را فراهم کند

درزگیر joint sealant

موادی برای جلوگیری از ورود آب و آشغال یا مواد خارجی به داخل درز

درزگیری grouting

ریختن یا تزریق ملاط‌ها یا پیونده‌هایی، مانند قیر یا دوغاب سیمان یا چسب شیمیایی یا مواد اپوکسی، در داخل سطح روسازی یا سازه یا مواد طبیعی، مانند شکاف طبیعی یک سنگ

درصد هشدار خطا
false alarm rate, FAR

شمار هشدارهای نابه‌جا یا غیرواقعی به درصد که در آزمایش‌هایی که ازطریق نوعی خوارزمی/ الگوریتم در سامانهٔ خودکار تشخیص تصادف اجرا می‌شود به دست می‌آید

دروازهٔ ثبات
fare-registering faregate, turnstile

دروازه‌ای که کرایه‌های پرداخت‌شده را ثبت می‌کند

دست‌انداز bump

برآمدگی‌های جاده و خیابان که موجب مزاحمت در حرکت وسایل نقلیه شود

دسترس‌پذیری accessibility

میزان سهولت سفر بین مبادی و مقاصد مختلف برای تمام مردم

دسترس‌پذیری ایستگاه
station accessibility

میزان دستیابی افراد به ایستگاه حمل‌ونقل همگانی، در محدوده‌ای معین

دسترس‌پذیری مکان
point accessibility

در برنامه‌ریزی شهری، میزان دسترسی از یک محل مشخص به مراکز فعالیت در یک منطقه

دسترسی access road

راهی ارتباطی که از مسیر اصلی منشعب شود و امکان دسترسی به خیابان‌های اطراف را میسر سازد

* این معادل مخفف "راه دسترسی" است.

دسترسی اختصاصی access way

راهی اختصاصی یا خیابانی محلی که در آن حجم تردد بسیار اندک است و نیازی به رعایت ملاحظات شدآمدی خاصی در طراحی آن نیست

دسترسی به ایستگاه
access speed

سرعت متوسط مسافر برای رسیدن به ایستگاه‌ها و توقفگاه‌های حمل‌ونقل عمومی یا خروج از آنها

دسترسی محلی
local access street,
local access

خیابانی که برای عابران پیاده و وسایل نقلیه امکان دسترسی به اماکن منطقه را فراهم کند

دسترسی واپایش‌شده
metered access

دسترسی به راه یا جاده که ورود وسایل نقلیه به آن با استفاده از سازوکار واپایشی انجام می‌شود

دستگاه فرمان‌دهی اصلی
master controller

دستگاه فرمان‌دهی چراغ راهنمایی اصلی در سامانهٔ هماهنگ‌شده که دستگاه‌های فرمان‌دهی دیگر تقاطع‌ها تحت نظارت آن هستند

/ختـ . **دفا**

دستگاه فرمان‌دهی وابسته
secondary controller,
slave controller

دستگاه فرمان‌دهی چراغ راهنمایی در سامانهٔ هماهنگ‌شده که از فرمان‌های دستگاه فرمان‌دهی اصلی پیروی می‌کند

/ختـ . **دفو**

دستگاه فرمان واکنشی
vehicle signal actuating device

ابزاری برای تنظیم چراغ راهنمایی که با نزدیک شدن وسایل نقلیه فعال می‌شود

دست‌نرده handrail

میلهٔ بلند چوبی یا پلاستیکی یا فلزی که برای کمک به عبور عابران از پل و بام و ایوان و راه‌پله بر روی نرده نصب می‌شود

دُش‌خراب fail-hard[1]

ویژگی جزئی از یک سامانه که خرابی آن بلافاصله شرایطی گمراه‌کننده یا خطرناک ایجاد می‌کند

دُش‌شکست fail hard[2]

ویژگی قطعه یا جزئی از سازهٔ اصلی یا هرگونه حامل بار بدون جانشین (unduplicated load path) که شکست آن فاجعه‌آمیز است

دفا ← دستگاه فرمان‌دهی اصلی

دفتر نمایندگی agency[2]
بنگاه یا دفتری که به‌عنوان نمایندهٔ یک شرکت عمل کند
متـ . **نمایندگی**
* مصوب فرهنگستان اول

دفو ← دستگاه فرمان‌دهی وابسته

دکمهٔ فشاری push-button
کلیدی دکمه‌ای که با فشار دادن آن چراغ سبز عابر پیاده روشن شود

دماغ‌دار[1] long-nose tractor
نوعی کامیون که موتور آن در جلوی اتاق قرار دارد

دماغ‌دار[2] long-nose truck
نوعی تریلی که موتور آن در جلوی اتاق قرار دارد

دوربین‌های محدودهٔ کاهش low emission zone cameras
دوربین‌هایی که به وسیلهٔ آنها محدودهٔ کاهش پایش می‌شود

دورپایانه off-street terminal
پایانه‌ای که دور از مسیر تردد وسایل نقلیه قرار دارد

دورهٔ پایهٔ نمود initial running period
بخشی از دورهٔ زمانی چراغ راهنمایی هوشمند که کمینهٔ تغییرناپذیر است و در طی آن نباید تغییری در نمود چراغ راهنمایی رخ دهد

دورهٔ تمدید extension period
مدت‌زمانی که پس از دریافت تقاضای تداوم چراغ سبز به طول مدت چراغ سبز اضافه می‌شود

دورهٔ قرمز تا قرمز inter-red period
فاصلهٔ زمانی بین شروع مرحلهٔ سبز و عبور آخرین خودرو از خط ایست در پایان همان مرحله

دورهٔ مبنا base period
زمانی از روز که در آن نیازمندی‌ها و برنامه‌های حمل‌ونقل تحت تأثیر دورهٔ اوج تقاضای سفر قرار نمی‌گیرد

دوسوختی dual-fuel
ویژگی خودروی که در آن دو نوع سوخت مختلف هم‌زمان وارد موتور می‌شود

دوکفی double bottoms
کشنده‌ای با دو کفی

دوگانه‌سوز bi-fuel
ویژگی خودروی که امکان مصرف دو نوع سوخت مختلف را به‌صورت مجزا داشته باشد و در هر زمان فقط یکی از این دو نوع سوخت وارد موتور آن شود

دهانهٔ قیفی full shadowed lane

دهانه‌ای که در هنگام شروع لچکی پهلوگاه، بعد از تکمیل لچکی ورود پدید آید

دهانهٔ نیمه‌قیفی partial shadowed lane

دهانه‌ای که در هنگام شروع لچکی پهلوگاه، قبل از تکمیل لچکی ورود پدید آید

دیدآشوبی visual intrusion

بروز اختلال در دید مطلوب که معمولاً به دلیل فراوانی پدیده‌های قابل‌رؤیت اتفاق می‌افتد

دیرآغاز late start

ویژگی مرحله‌ای در بعضی از حرکات در چراغ راهنمایی که با درنگ آغاز می‌شود

ر

رابط link
پیوندی بین دو نقطهٔ متوالی یا تقاطع در یک شبکهٔ ارتباطی

رابطهٔ سرعت ـ جریان
speed-flow relationship
نسبت حجم هر جریان به سرعت آن

راحتی سفر ride quality
میزان آسودگی و رضایتی که مسافر در یک وسیلهٔ نقلیهٔ درحال‌حرکت ازلحاظ شدت و بسامد ارتعاش، تاب، غلت، تکان ناشی از تغییر آهنگ شتاب و جز آن احساس می‌کند

رادیوراه, highway advisory radio, HAR
نوعی شبکهٔ رادیویی که از طریق آن شرایط تردد در بزرگراه‌ها هم‌زمان با پخش برنامهٔ عادی رادیو به رانندگان اعلام می‌شود

راستگرد خروج
displaced right turn, DRT
در تقاطع‌های جدید، راهی مجزا در کنار راه اصلی که امکان تردد خودروهایی را که قصد گردش به راست دارند، بدون مزاحمت برای دیگر خودروها فراهم می‌کند

رأس قوس intersection point
محل تلاقی دو امتداد مماس بر قوس مسیر یا شیب

راه highway
۱. هر راه اصلی که وسایل نقلیه حق عبور از آن را دارند و ساکنان محلی می‌توانند با وسایل نقلیهٔ خود به آن دسترسی داشته باشند ۲. راه مبنا (principal road) در سامانهٔ راه‌ها

راه اختصاصی driveway

راهی که یک راه عمومی را بـه سـاختمان یا زمین خصوصی متصل سازد

راه اصلی[1] major road
راهی که با توجه به عرض آن یا حجم یـا سرعت حرکت وسایل نقلیه بر دیگر راه‌هـا اولویت دارد

راه اصلی[2] national highway
مسیر اصلی بین شهرهای بزرگ مجاور

راه اضطراری emergency road
راهـــی بـــرای کمـــک‌رســـانی در مواقـــع اضطراری

راه‌بان مدرسه
children's crossing advisor
شخصی آموزش‌دیده کـه مسـئولیت عبـور دادن دانش‌آموزان را از عـرض خیابـان در ساعات خاصی از روز بر عهده دارد

راه برون‌شهری rural road
راهـی در شـبکهٔ ارتبـاطی کـه خـارج از محدوده‌های شهری قرار دارد

راه‌بند barricade
افزاره‌ای که به‌هیچ‌روی کارایی یک حفـاظ را نـدارد و از آن تنهـا بـرای نشـان دادن منطقهٔ خطرآفرین یا هدایت وسیلهٔ نقلیه به مسیر درست استفاده می‌شود

راه بی‌توقف clear way, CWY
بخشی از راه که هیچ وسیلهٔ نقلیه‌ای، مگـر در وضعیت اضطراری یا به دسـتور پلـیس، مجاز به ایستادن در آنجا نیست

راه پُرتردد
heavy-trafficked road
راهـــی کـــه میـــانگین ســـالیانهٔ تـــردد روزانـه در آن بـیش از ۱۵۰۰ وسـیلهٔ نقلیـه باشد

راه جداشده divided road
راهی که مسیر رفت و برگشت آن کاملاً از هم جدا باشد

راه چندخطه multilane road
راه یک‌طرفه یا دوطرفه‌ای که دو یـا چنـد خط عبور داشته باشد و این خط‌های عبـور با خط‌کشی مشخص شده باشند

راه خروجی exit road
راه منشعب از راه اصلی برای خروج وسایل نقلیه
مت. **خروجی**

راه درون‌شهری urban road
راهی در شبکهٔ ارتباطی که داخل محـدودهٔ شهری قرار دارد

راه شریانی arterial road
راه یـا خیابـان اصـلی در شـبکهٔ ارتبـاطی شهری
مت. **شریانی**

راه شنی roadway
راهی که با شن روسازی شده باشد

راه عوارضی toll road
راهی که با پرداخت عوارض می‌توان از آن عبور کرد

راه فرعی feeder road
راه منشعب از راه اصلی برای دسترسی به محلی خاص

راهکار افقی horizontal device
هر یک از تغییرات در سطح سواره‌رو شامل تغییر مسیر در سطح افقی یا انحراف از مسیر اصلی با هدف تأثیرگذاری بر رفتار راننده

راهکار قائم vertical device
هر یک از تغییرات شامل ایجاد پشته‌های سرعت‌کاه یا خطوط لرزاننده در سطح سواره‌رو برای کاهش سرعت وسایل نقلیه از طریق پایین آوردن کیفیت عبور مسیر

راه کم‌تردد
lightly trafficked road
راهی که حجم تردد متوسط روزانهٔ آن در سال کمتر از ۱۵۰۰۰ وسیلهٔ نقلیه باشد
متـ. **راه کم‌شدآمد**

راه کم‌شدآمد ← راه کم‌تردد

راه‌کنار roadside
سطح بین لبهٔ خارجی شانه و حریم راه

راه‌گرد ramp[1]
راه کوتاهی که دو شاخهٔ مجاور یک تقاطع را به یکدیگر متصل کند

راه‌گردبانی ramp metering
روشی برای تسهیل جریان تردد در آزادراه‌ها، ازطریق تنظیم میزان خودروِ ورودی به آنها از راه‌گَردهای ورودی و با استفاده از تجهیزات فرمان‌دهی چراغ

راهگرد تقاطع ناهم‌سطح
interchange ramp
راهی در تقاطع ناهم‌سطح که سفرهای بین دو شاخهٔ تقاطع را امکان‌پذیر می‌سازد

رد تقاضای خدمات
service denial
عدم امکان ارائهٔ خدمات سفرِ تقاضامحور در زمان درخواست مسافر

ردهٔ شریانی arterial class
در طبقه‌بندی معابر، رده‌ای با شاخص‌های ویژه در طراحی و عملکرد و دارای سرعت جریان آزاد

رده‌های حمل‌ونقل عمومی
transit mode classes
شیوه‌های مختلف حمل‌ونقل عمومی که براساس مشخصه‌های پایه طبقه‌بندی شده‌اند

رفت ← سفر رفت

روادید گذر transit visa
مجوزی که برای عبور از یک کشور با محدودیت زمانی قیدشده در گذرنامه یا دفترچهٔ بین‌المللی خودرو به افراد داده شود

رواناب‌گیر catch drain
مجرایی که در بخشی از سطح جاده و در طول آن ساخته می‌شود تا جلوی حرکت آب سطحی را بگیرد و مانع از جاری شدن آن بر روی شیب جاده شود

روز عادی average day
روز غیرتعطیل هفته که بیانگر حجم تردد معمول در آن مکان باشد

روسازی pavement
سطح نهایی راه که پس از اتمام عملیات زیرسازی اجرا می‌شود

روسازی انعطاف‌پذیر
flexible pavement
هر نوع روسازی که در لایه‌های سازندهٔ آن بتن به کار نرفته باشد

روسازی بتن‌مسلح‌قطعه‌ای
jointed reinforced concrete pavement
نوعی روسازی با استفاده از قطعات بتن مسلح که در فواصل هشت تا دوازده متر با میلگرد اتصال به هم وصل شده‌اند

روسازی صلب rigid pavement
هر نوع روسازی که در ساخت آن از بتن با مقاومت بالا استفاده شده باشد

روش بازیافت گرم آسفالت
hot-in-place asphalt recycling method
روشی برای بازیافت گرم آسفالت

روکش رنگی contrast seal
نوعی روکش آسفالت که برای ایجاد تمایز رنگ بر روی آسفالت روسازی ریخته می‌شود

روکش قیری fog seal
لایهٔ پوششی نازکی از قیر، فاقد مصالح سنگی

روکش مقاومت‌بالا
high stress seal, HSS
روکشی از قیر برای مقابله با اثرات ناشی از ترمزگیری و شتاب‌گیری و گردش وسایل نقلیه و مقاوم در برابر تردد بسیار

روکش مهارگر lock-in coat, scatter coat
روکشی شامل مقدار کمی مصالح ریزدانه برای مهار مصالح درشت‌دانه با هدف کاهش جابه‌جایی مصالح در حین غلتک‌زنی و ترددهای اولیه

روگذر overpass
راهی که از بالای راه دیگر عبور می‌کند

رویه ← آسفالت رویه

رویه‌کوب tamper

دستگاهی مجهز به یک موتور ارتعاش‌دهنده و دو بازویی و یک شمشهٔ چوبی به ابعاد دویست در هفتادوپنج میلی‌متر و طولی برابر با سطح مقطع راه که از آن برای تسطیح و خروج هوا از داخل بتن و ایجاد شیب عرضی مناسب استفاده می‌شود

رویه‌کوبی tamping

تسطیح سطح روسازی صلب و خارج کردن هوا از داخل بتن و ایجاد شیب عرضی مناسب

ز

زاویهٔ برخورد angle of impact, impact angle

زاویهٔ بین محور تقارن مانع طولی و مسیر حرکت خودرو در محل تصادف

زاویهٔ برگشت departure angle

زاویهٔ بین مسیر برگشت خودرو و مانع ایمنی کنار جاده، پس از برخورد با آن

زاویهٔ تقاطع intersection angle

۱. زاویهٔ بین دو راه منتهی به تقاطع۲. زاویهٔ بین محور دو سواره‌رو منتهی به تقاطع

زمان اشغال occupancy time

زمانی که از ورود جلوی وسیلهٔ نقلیه به محدودهٔ شناسایی (detection zone) چراغ هوشمند آغاز می‌شود و تا خروج انتهای وسیلهٔ نقلیه از این محدوده ادامه می‌یابد

زمان انتظار waiting time

مدت‌زمان بین رسیدن مسافر به ایستگاه تا زمانی که وسیلهٔ نقلیه ایستگاه را ترک کند

زمان اوج peak hours

ساعاتی که در آنها میزان رفت‌وآمد وسایل نقلیه به حداکثر برسد

زمان برآوردی خروج estimated time of departure, ETD

زمان تخمینی برای خروج یک کشتی یا هواپیما یا هر وسیلهٔ نقلیهٔ دیگر از محلی خاص

زمان برآوردی ورود estimated time of arrival, ETA

زمان تخمینی رسیدن کشتی یا هواپیما یا هر وسیلهٔ نقلیهٔ دیگر به مقصدی خاص

زمان‌بندی signal timing
در چراغ راهنمایی، تنظیم نوبت و زمان حرکت وسایل نقلیه و عابران در هریک از انشعاب‌های یک تقاطع برحسب نیاز

زمان‌بندی ثابت
pre-timed signal timing
در چراغ راهنمایی، تنظیم نوبت و مدت حرکت وسایل نقلیه و عابران در هریک از انشعاب‌های یک تقاطع به‌صورت خودکار و ازپیش‌تعیین‌شده

زمان‌بندی نیمه‌هوشمند
semi-actuated signal timing
در چراغ راهنمایی، تنظیم رایانه‌ای برنامهٔ حرکت وسایل نقلیه در مسیر اصلی یک تقاطع ازطریق شمارش رایانه‌ای حجم شدآمد در آن مسیر

زمان‌بندی هوشمند
fully-actuated signal timing
تنظیم رایانه‌ای برنامهٔ حرکت وسایل نقلیه در تمام انشعاب‌های یک تقاطع

زمان پساسبز end gain
مدت‌زمان بین پایان زمان سبز و پایان زمان سبز مؤثر برای یک حرکت

زمان پیاده‌سوار
passenger service time
زمان لازم برای سوار شدن به‌وسیلهٔ نقلیهٔ عمومی و پیاده شدن از آن برحسب تعداد مسافر در ثانیه

زمان تأخیر delay time
زمان ازدست‌رفتهٔ ناشی از بی‌نظمی وسایل نقلیه یا عابران پیاده که مانع از حرکت روان وسایل نقلیه و تخلیهٔ به‌موقع تقاطع‌های چراغ‌دار شود
مترـ. **تأخیر**

زمان تاوان penalty time
مدت‌زمانی فراتر از زمان مقرر کار که اجباراً صرف خدمت‌رسانی به سامانهٔ حمل‌ونقل شود و سزاوار پرداخت اضافی باشد

زمان تخلیه clearance interval
مدت‌زمان چراغ زرد که برای تخلیهٔ تقاطع از وسایل نقلیهٔ به‌جامانده از چراغ سبز قبلی در نظر گرفته شود

زمان تمام‌قرمز all-red interval
مدت‌زمانی که تمام چراغ‌های یک تقاطع برای حصول اطمینان بیشتر از تخلیهٔ کامل آن تقاطع قرمز باشد

زمان توالی offset time
فاصلهٔ زمانی بین روشن شدن چراغ‌های سبز دو تقاطع متوالی

زمان جبران pad time, make up time, premium time
نوعی زمان مجاز بیکاری که در آن راننده حتی اگر کار نکرده باشد، حداقل دستمزد را دریافت می‌کند

زمان خروج‌تاخروج station to station time

فاصلهٔ زمانی بین خروج وسیلهٔ نقلیه از دو ایستگاه متوالی

زمان خروج‌تاورود running time

فاصلهٔ زمانی بین حرکت وسیلهٔ نقلیه از یک ایستگاه تا توقف در ایستگاه بعد

زمان درون‌خودرو in-vehicle time

مدت‌زمانی که مسافر در حین سفر در داخل وسیلهٔ نقلیه سپری می‌کند

زمان دسترسی access time

مدت‌زمان سپری‌شده در سفر، از لحظهٔ ترک مبدأ تا لحظهٔ سوار شدن به خودرو

زمان سبز green time

مدت‌زمانی که چراغ راهنمایی برای یک حرکت خاص در تقاطع به رنگ سبز است

زمان سبز بیشینه maximum green time, maximum running period

حداکثر زمان نمایش چراغ سبز در دستگاه فرمان‌دهی هوشمند برای یک گروه چراغ مشخص، در صورت وجود تقاضای مستمر

متـ . **سبز بیشینه**

زمان سبز مؤثر effective green time

مدت‌زمانی که چراغ راهنمایی برای یک حرکت خاص به رنگ سبز یا زرد است، منهای زمان‌های هدررفتهٔ آغازین و پایانی

زمان سبکی off-peak hours, slack hours

ساعاتی که در آنها رفت‌وآمد وسایل نقلیه کم باشد

زمان سفر درون‌حوزه‌ای intrazonal travel time

مدت‌زمان سفر بین دو نقطه از یک حوزه که زمان صرف‌شده در پایانه‌ها را هم شامل می‌شود

زمان سنگینی rush hours

ساعاتی که در آنها رفت‌وآمد وسایل نقلیه زیاد باشد

زمان قرمز red time

مدت‌زمانی که چراغ راهنمایی برای یک حرکت خاص در تقاطع به رنگ قرمز است

زمان قرمز مؤثر effective red time

مدت‌زمانی که چراغ راهنمایی برای یک حرکت خاص یا جمعی از حرکات به رنگ قرمز است که اندازهٔ آن برابر با مدت چرخه منهای زمان سبز مؤثر است

زمان گذر از تقاطع intersection crossing time

فاصلهٔ زمانی گذر از تقاطع از نقطهٔ ورود به تقاطع چراغ‌دار یا خط ایست تا آخرین نقطهٔ دارای تداخل با حرکات مجاز دیگر از جمله عابر پیاده

زمان گذر عرضی crossing time
مدت‌زمان درنظرگرفته‌شده برای عبور عابران از عرض خیابان یا رسیدن به میانهٔ آن

زمان مجاز ← زمان مجاز بیکاری

زمان مجاز بیکاری
allowance time, bonus time, dead time, hold time
مدت‌زمانی که در آن راننده دستمزد دریافت می‌کند، حتی اگر کاری کرده باشد
متـ. **زمان مجاز**

زمان میان‌دوسبز
intergreen time
مدت زمان تخلیهٔ تقاطع که از پایان چراغ سبز یک طرف تا شروع چراغ سبز طرف دیگر را در بر می‌گیرد

زمان واکنش reaction time
مدت‌زمان لازم برای درک خطر و نشان دادن عکس‌العمل از سوی راننده

زمان هدررفته lost time
متوسط زمانی که در هر مرحله تلف شود که معمولاً شامل زمان تأخیر در شروع حرکت است

زمان هدررفتهٔ آغازین
start-up lost time
مدت‌زمان لازم برای شروع حرکت خودروهای ابتدای صف تقاطع چراغ‌دار

زمان هدررفتهٔ تخلیه
clearance lost time
مدت‌زمان بین مراحل چراغ راهنمایی که در طی آن هیچ حرکتی در تقاطع صورت نمی‌گیرد

زمین‌تراش scraper
دستگاهی که با تیغهٔ جلوی شن‌پاش اتاقک خود زمین را می‌تراشد و خاک حاصل را در انبارهٔ خود حمل می‌کند

زودبازگشت turn back, short turn
برگشتن به مبدأ پیش از رسیدن به مقصد نهایی برای پاسخ‌گویی به تقاضای مسافران در ساعات اوج

زهکش خاکی land drain, field drain
لوله‌های سفالی با اتصال لب‌به‌لب و طرح جناغی با عمق ۳۰۰ تا ۶۰۰ میلی‌متر از سطح زهکشی برای تخلیهٔ آب

زهکش رگبار
storm water drain
مسیری برای جمع‌آوری آب از سطح معابر به‌منظور کاهش جریان سیلاب ناشی از رگبار

زهکش سنگ‌ریزه‌ای
French drain, rubble drain, stone drain
گودالی نسبتاً کم‌عمق برای جمع‌آوری آب‌های سطحی که در آن لوله‌ای سفالی با

اتصالات باز یا لوله‌های بتنی متخلخل آب را به بستری از سنگ‌ریزه‌هایی که گرداگرد لوله‌ها پشته‌ریزی شده‌اند می‌رساند

زهکش ماسه‌ای sand drain
زهکشی شامل یک گمانهٔ قائم و ماسه‌ای که برای تسهیل تخلیهٔ آب آن را پر می‌کند

زهکش محافظتی interceptor drain
نوعی زهکش در کنارهٔ راه برای پیشگیری از نفوذ آب به راه که معمولاً خارج از سطح راه ایجاد می‌شود

زهکشی زیرسطح sub-soil drainage
تخلیهٔ آب‌های زیرزمینی برای پایین نگه داشتن سطح آب به ترتیبی که باعث افزایش استحکام لایه‌های زیرین خاک در بستر راه شود

زهکشی سطح سواره‌رو drainage of the carriageway
ایجاد شیب از محور به سمت هر دو برِ سطح راه به‌منظور تخلیهٔ آب‌های سطحی

زیراساس subbase
لایه یا لایه‌هایی از مواد مشخص با ضخامت معین که برای تقویت قشر اساس بر روی خاکریز یا بستر قرار می‌گیرد

زیرساخت infrastructure
تمام اجزای ثابت سامانه‌های حمل‌ونقل مانند حریم راه، خطوط مسیر، تجهیزات علامت‌دهی، ایستگاه‌ها، محوطه‌های پیاده ــ سوار، ایستگاه‌های اتوبوس و امکانات نگهداری

زیرسازی roadbed
سطح آماده‌شده‌ای که آسفالت بر روی آن قرار می‌گیرد

زیرگذر underpass
۱. قسمتی از راه که از زیر راه دیگر یا پل راه‌آهن بگذرد۲. معبری برای عبور عابر پیاده از زیر راه اصلی

س

سازهٔ تثبیت
stabilizing structure

شبکه‌ای از رشته‌های پلاستیکی به‌هم‌متصل که از آن برای تثبیت و تقویت ظرفیت باربری زمین‌های سست استفاده می‌کنند

سازهٔ ترکه‌بست
fascine construction

دسته‌های چوب یا حصیر یا نی که به طول یکسان به هم بافته می‌شوند و به‌صورت زاویه‌دار در سطح زیرین راه قرار داده می‌شوند تا از این طریق ظرفیت باربری راه‌های کم‌رفت‌وآمد افزایش یابد

سازهٔ موقت
temporary structure

سازه‌ای که در هنگام ساخت یا بازسازی سازهٔ اصلی برای حفظ جریان تردد به‌طور موقت در کنار راه اصلی بر پا می‌کنند

ساعات اوج الکل
high-alcohol hours, alcohol hours

ساعاتی که در آنها تصادف‌های ناشی از مصرف الکل بیشتر است

ساعات غیر اوج الکل
low-alcohol hours

ساعاتی که در آنها تصادف‌های ناشی از مصرف الکل کمتر است

سال مبنا base year

سالی که بخش اعظم داده‌های گردآوری‌شده در مطالعات حمل‌ونقل به آن مربوط می‌شود

سامانهٔ اتوبوس‌رانی
bus transit system, BTS

خدمات اتوبوس‌رانی که برای افزایش سرعت و جلب اطمینان و کارایی بیشتر

به‌صورت سامانه‌ای هماهنگ اقدام به جداسازی حریم راه و ازدیاد ایستگاه‌ها و بالا بردن آگاهی مسافران و سرعت بخشیدن به کارهای عمرانی می‌کند

سامانهٔ اشتراک خودرو
car sharing system

سامانهٔ خودروهای مستقر در چند نقطه از شهر که مشترکان می‌توانند از این خودروها استفاده کنند و مبلغی را متناسب با زمان استفاده بپردازند

متـ . **اشتراک خودرو** car sharing

سامانهٔ اطلاع‌رسانی خودکار تصادف
automatic crash notification, ACN

سامانه‌ای که ازطریق حسگرهای نصب‌شده بر روی خودرو شدت تصادف و موقعیت محل تصادف را به مرکز اطلاع می‌دهد

سامانهٔ اعتمادی honour system

سامانه‌ای برای جمع‌آوری کرایه بدون استفاده از روش‌های واپایش بلیت

سامانهٔ انتقال پولی
paid transfer system

سامانهٔ جابه‌جایی مسافر با اخذ مبلغ اضافه در شروع سفر یا در حین انتقال

سامانهٔ انطباقی تنظیم تردد
adaptive traffic control system

سامانه‌ای که به‌طور خودکار ازطریق حسگرهای موجود در بستر راه به تغییرات حجم تردد واکنش نشان می‌دهد

سامانهٔ پیشرفتهٔ اطلاع‌رسانی سفر
advanced traveler information system, ATIS

سامانه‌ای که برای مسافران و برنامه‌ریزان سامانه‌های حمل‌ونقل، اطلاعات مورد نیاز را، از اطلاعات مربوط به سفرهای روزانهٔ شخصی گرفته تا اطلاعاتی که در کل نظام حمل‌ونقل تأثیر می‌گذارند، فراهم می‌کند

سامانهٔ پیشرفتهٔ مدیریت تردد
advanced traffic management system, ATMS

سامانه‌ای، مانند دستگاه اخذ عوارض خودکار، که براساس یکپارچه‌سازی سامانه‌های حسگر و ابزارهای مخابراتی و رایانه‌ای پایه‌گذاری شده و هدف آن افزایش کارایی و صرفه‌جویی در وقت است

سامانهٔ تشخیص خودکار پلاک
automatic number plate recognition, ANPR

سامانه‌ای برای پردازش تصویری پلاک خودرو با هدف جمع‌آوری اطلاعات جاری و انطباق آنها با دادگان سوابق و اطلاعات مربوط به اعمال قوانین

سامانهٔ تشخیص خودکار واقعه
automatic incident detection, AID

سامانه‌ای که با تجزیه و تحلیل خوارزمی/الگوریتم داده‌های تردد رویدادها را به‌سرعت شناسایی می‌کند تا از تأثیر نامطلوب آنها بکاهد

سامانهٔ تک‌بافه‌ای
monocable system

سامانه‌ای که در آن برای کشیدن بار و واپایش حرکت ناوگان از یک بافه/کابل استفاده می‌شود
متـ. **سامانهٔ تک‌کابلی**

سامانهٔ تک‌کابلی
← سامانهٔ تک‌بافه‌ای

سامانهٔ توقفگاه خودکار
automated parking system, APS

سامانه‌ای خودکار برای به‌حداقل رساندن فضای لازم برای توقف خودروها

سامانهٔ جابه‌جایی اتاقکی
capsule transit system

سامانه‌ای متشکل از اتاقک‌هایی که به وسیلهٔ نوار یا غلتک یا بافه/ کابل به حرکت درمی‌آید

سامانهٔ جابه‌جایی پیوسته
continuous transit system

نوعی سامانهٔ جابه‌جایی نظیر پله‌برقی و تسمه‌نقاله که مدام در حال حرکت است

سامانهٔ جابه‌جایی ثابت‌هادی‌راه
fixed guideway transit system

نوعی سامانهٔ جابه‌جایی شامل وسایل نقلیه‌ای که فقط می‌توانند در یک هادی‌راه معین حرکت کنند

سامانهٔ جابه‌جایی خطی
shuttle transit system

سامانهٔ حمل‌ونقل عمومی که امکان رفت‌وبرگشت مسافر در مسیری معمولاً کوتاه را امکان‌پذیر می‌سازد

سامانهٔ جابه‌جایی سریع شخصی
personal rapid transit system

نوعی سامانهٔ حمل‌ونقل خودکار با وسایل نقلیهٔ کوچک دو یا شش‌نفره که با رایانه فرمان‌دهی می‌شود

سامانهٔ جابه‌جایی سریع گروهی
group rapid transit system

نوعی سامانهٔ حمل‌ونقل خودکار شامل وسایل نقلیهٔ متوسط برقی که در حریم خاص یا معابر هدایت‌شدهٔ ویژه‌ای حرکت می‌کنند

سامانهٔ جابه‌جایی کم‌توانان
accessible transit system

سامانهٔ حمل‌ونقلی که ایستگاه‌ها و پایانه‌ها در آن به گونه‌ای طراحی شده است که افراد کم‌توان هم بتوانند از آنها استفاده کنند

سامانهٔ حمل‌ونقل
transportation system

سامانه‌ای که برای حمل‌ونقل مردم یا کالا یا هر دو فراهم شده باشد

سامانهٔ حمل‌ونقل تقاضامدار
demand-actuated transportation system, demand responsive transportation system

سامانهٔ حمل‌ونقلی که در آن وسایل نقلیه مسافران را براساس توافق آنان در مسیری خاص جابه‌جا می‌کنند

سامانهٔ حمل‌ونقل تلفنی
dial-a-ride transportation system, dial-a-ride

سامانهٔ حمل‌ونقلی که در آن وسایل نقلیه با درخواست تلفنی در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد

سامانهٔ حمل‌ونقل ثابت‌مسیر
fixed-route transportation system

سامانهٔ حمل‌ونقلی که در آن وسایل نقلیه در یک یا چند مسیر ثابت کار می‌کنند

سامانهٔ حمل‌ونقل متوازن
balanced transportation system

سامانه‌ای که در آن تجهیزات و خدماتِ شیوه‌های مختلف حمل‌ونقل همچون یک مجموعهٔ هماهنگ عمل می‌کنند

سامانهٔ حمل‌ونقل هوابستر
aircushion transportation system

سامانهٔ حمل‌ونقل سطحیِ خاصِ وسایل نقلیه‌ای که در هادی‌راهِ ثابت و بر روی لایه‌ای از هوا (بالشتک هوا) حرکت می‌کنند

سامانهٔ خراب ـ کارا
fail-operational system

سامانه‌ای که در صورت بروز خرابی در آن، علی‌رغم هشدار خرابی، در عملکردش محدودیتی ایجاد نمی‌شود

سامانهٔ خرابی‌ایمن
fail-safe system

سامانه‌ای که در صورت خرابی منبع توان و مدارهای واپایش و سازه‌های دیگر مانع از به خطر افتادن جان کاربران سامانه یا افراد پیرامون آن و دیگر تجهیزات می‌شود

سامانهٔ خودرویاب
automatic vehicle location system, AVL system, AVL

سامانه‌ای که موقعیت وسایل نقلیه‌ای را که دارای لوازم الکترونیکی ویژه برای ارتباط با مرکز هستند، تعیین می‌کند

سامانهٔ راننده‌یاری پیش‌آگاه
advance driver assistance

هریک از سامانه‌هایی که برای کمک به راننده در هنگام رانندگی طراحی می‌شود، مانند سامانه‌های موقعیت‌یابی و هشدار تصادف

سامانهٔ سوخت‌پاشی
fuel injection system, fuel injection, FI

سامانه‌ای سوخت‌رسان که در آن، به‌جای استفاده از کاربراتور، سوخت مستقیماً به داخل سیلندر یا به داخل چندراههٔ ورودی سوخت با فشار پاشیده می‌شود

سامانهٔ طبقه‌بندی خودکار خودرو
automatic vehicle classification

سامانه‌ای برای تشخیص خودکار نوع وسیلهٔ نقلیه، اعم از سواری و باری و جز آن، با استفاده از شمارش محورها و فاصلهٔ بین آنها

سامانهٔ مدیریت روسازی
pavement management system, PMS

برنامهٔ رایانه‌ای برای تحلیل و ترمیم چاله‌ها در فواصل زمانی مناسب و به‌صرفه و جلوگیری از تعمیرات گسترده و پرهزینه

سامانهٔ مکانی location system

سامانه‌ای برای شناسایی دقیق داده‌های برداشت‌شده از زیرساخت‌های فیزیکی در یک دورهٔ زمانی طولانی

سامانهٔ واپایش خط
lane-control system, LCS

سامانه‌ای که با علامت بالاسری ضربدر قرمز، بیانگر ممنوعیت عبور در خط و با علامت پیکان سبز، بیانگر مجاز بودن عبور در خط، وضعیت خطوط عبوری پایین‌دست را به رانندگان اعلام می‌کند

سامانه‌های حمل‌ونقل هوشمند
intelligent transport systems

دامنهٔ وسیعی از اطلاعات مبتنی‌بر فنّاوری ارتباطات که به‌صورت یکپارچه در زیرساخت‌ها و وسایل نقلیهٔ سامانهٔ حمل‌ونقل به کار گرفته می‌شود و به‌این‌ترتیب، پایش و مدیریت جریان تردد و کاهش راه‌بندان و ایجاد مسیرهای جایگزین برای مسافران امکان‌پذیر می‌شود ITS /ختـ . **سحنه**

سامانهٔ هشدار برخورد از جلو
forward collision warning, FCW

سامانه‌ای مرکب از رادار ریزموج و فناوری چشم الکترونیکی که احتمال برخورد با وسیلهٔ نقلیهٔ جلویی را تشخیص می‌دهد و به راننده اعلام می‌کند

سبز بیشینه ← زمان سبز بیشینه

سبک‌رو
light traffic throughfare

راهی ویژه که استفاده از آن را با تابلو برای خودروهای مشخصی تعیین کرده‌اند

سپرسنگ Newjersy barrier

مانع یا جدولی بتونی که برای افزایش ایمنی در خیابان‌های دوطرفه بین دو جهت حرکت قرار داده شود

سحنه

← سامانه‌های حمل‌ونقل هوشمند

سرآب‌رو headwall

دیوار حائلی در ابتدا یا انتهای آب‌روی که از زیر جاده می‌گذرد

سرآغاز حفاظ
leading point of need

اولین نقطه در مکان پرتصادف که در آن، برای پیشگیری از برخورد وسیلهٔ نقلیه با مانع، حفاظ نصب می‌شود

سرپناه bus shelter

سازه‌ای در ایستگاه حمل‌ونقل عمومی برای محافظت مسافران در برابر اوضاع نامساعد جوّی که ممکن است دارای محل نشستن نیز باشد

سُرخوردگی ← سُرخوردگی سرنشین

سُرخوردگی سرنشین
submarining

لیز خوردن سرنشین از قسمت کمری کمربند ایمنی
متـ . **سُرخوردگی**

سرعت اعلام‌شده posted speed

حداکثر سرعت مجازی که به‌وسیلهٔ تابلوهای محدودیت سرعت مشخص می‌شود

سرعت ایمن safe speed

سرعتی که وسیلهٔ نقلیه در آن بتواند به‌آسانی از تصادف جلوگیری کند و در فاصلهٔ مناسب متوقف شود و اندازهٔ آن بستگی به تراکم شدآمد و وضعیت جوّی و جغرافیایی دارد

سرعت برنامه‌ای
schedule speed,
programmed speed

سرعت وسایل نقلیهٔ عمومی در وضعیتی که شاخص‌های ایمنی و اقتصادی و عملکردی رعایت شوند

سرعت پیاده[1] pedestrian speed

سرعت متوسط راه رفتن عابران برحسب متر بر ثانیه

سرعت پیاده[2]

← سرعت عابر پیاده

سرعت تعاملی
negotiation speed

سرعت خودرو درحال‌عبور از میدان که از نقطهٔ ورود یا توقف پیش از خط ایست تا نقطهٔ خروج از حرکت چرخشی دور میدان اندازه‌گیری می‌شود

سرعت توصیه‌ای advisory speed

سرعتی که براساس شرایط و کارکرد و مشخصات و طراحی بزرگراه، به وسایل نقلیهٔ عبورکننده از بخشی از آن بزرگراه توصیه می‌شود

سرعت جریان آزاد
free flow speed

سرعتی که رانندهٔ وسیلهٔ نقلیه بتواند آن را در جاده‌ای که وسیلهٔ نقلیهٔ دیگری حضور ندارد، حفظ کند

سرعت جریان آزاد منتخب
base free flow speed

سرعت جریان آزادی که راننده با در نظر گرفتن شرایط راه انتخاب می‌کند

سرعت خروج‌تاخروج
station to station speed

سرعت متوسط سفر وسیلهٔ نقلیهٔ عمومی بین دو ایستگاه متوالی از زمان ترک ایستگاه اول تا ترک ایستگاه بعدی

سرعت خزش crawl speed

سرعت ثابت خودروِ سنگین در حال بالا رفتن از شیب ثابت

سرعت رفت‌وبرگشت
cycle speed

سرعت متوسط رفت‌وبرگشت در حمل‌ونقل، بدون احتساب توقف در مبدأ و مقصد و توقف‌های بین راه

سرعت سفر خط
on-line travel speed

سرعتی که عملاً مسافر وسیلهٔ نقلیهٔ عمومی در مسیر دارد

سرعت‌سنج لیزری laser gun

افزاره‌ای که با استفاده از نور لیزر سرعت خودروها را اندازه می‌گیرد

سرعت سیر running speed

سرعت میانگینی که از تقسیم مسافت طی‌شده بر مدت‌زمان حرکت به دست می‌آید

سرعت طرح design speed

حداکثر سرعتی که در شرایط مناسب، در بخش معینی از راه بتوان با آن سرعت پیوسته و ایمن حرکت کرد

سرعت طرح خط
line design speed

حداکثر سرعت ناوگان حمل‌ونقل عمومی در بخشی از مسیر با حفظ راحتی و ایمنی مسافر

سرعت عابر پیاده walking speed

سرعت عابران در گذرگاه‌های عرضی عابر پیاده

متـ. **سرعت پیاده**[۲]

سرعت عملی operating speed[2]

۱. سرعتی که از تقسیم مسافت بین پایانه‌ها بر زمان سفر از پیش‌تعیین‌شده بین آنها به‌دست می‌آید ۲. بیشترین سرعت رانندگی در طول مسیر، بدون احتساب توقف‌ها، درصورتی‌که از سرعت طرح فراتر نرود

سرعت کلی
overall travel speed,
journey speed,
overall trip speed

سرعتی در قسمت مشخصی از راه که برابر است با مسافت آن قسمت تقسیم بر مدت‌زمان صرف‌شده

سرعت‌گیر damper

مانعی در سطح سواره‌رو برای کاهش سرعت

سرعت مبدأ-مقصد
origin-destination speed

سرعت متوسطی که یک مسافر از مبدأ تا مقصد دارد

سرعت مجاز legal speed
حداکثر سرعت قانونی ناوگان حمل‌ونقل عمومی در یک بخش از خط

سرعت معمول modal speed
سرعتی که بیشترین بسامد را در زمان و مکان مشخص در بین رانندگان دارد

سرعت مقرر statutory speed
سرعتی که حد آن به‌وسیلهٔ قانون‌گذار به تصویب رسیده است و معمولاً مناسب بزرگ‌راه‌هایی با طراحی و کارکرد و ویژگی‌های محلی خاص است و لزوماً به‌وسیلهٔ تابلو اعلام نمی‌شود

سرعت میانه median speed
سرعتی که نیمی از خودروها بالاتر و نیمی دیگر پایین‌تر از آن حرکت می‌کنند

سرعت‌نگار tachograph
دستگاه نصب‌شده بر روی وسایل نقلیهٔ عمومی مسافربر بین‌شهری، از قبیل اتوبوس و مینی‌بوس و سواری، که به‌وسیلهٔ سه سوزن، سرعت و ساعت و مسافت طی‌شده را بر روی صفحهٔ مدور ثبت می‌کند

سرعت ۸۵ درصد
85 percentile speed
سرعتی که ۸۵ درصد خودروها برابر یا پایین‌تر از آن حرکت می‌کنند

سرعت‌یاب speed gun
وسیله‌ای به شکل دوربین فیلم‌برداری یا تپانچه که به صدای موتور و خروجی اگزوز حساس است و با نشانه گرفتن آن به سمت وسیلهٔ نقلیه می‌توان سرعت آن را تعیین کرد

سرفاصله spacing
حدِّفاصل جلوی یک خودرو تا جلوی خودروِ بعد در صف خودروهای متوالی

سرنشانه stellar pattern
شکستگی تارعنکبوتی شیشهٔ جلوی خودرو که براثر برخورد سر انسان در هنگام تصادف به وجود می‌آید

سریع‌السیر express
وسیلهٔ نقلیهٔ دارای حرکت سریع بدون توقف یا با توقف کم

سطح ارزیابی مقاومت سرشی
investigatory level of skid resistance
میزانی از مقاومت سرشی سطح راه که پایین‌تر از آن نیازمند بررسی میدانی است

سطح جناغی gore area
سطحی که بین سمت چپ راه‌گَرد و سمت راست مسیر اصلی در محل واگرایی یا هم‌گرایی واقع می‌شود

سطح خدمت به مسافر
person level of service
کیفیت خدماتی که در یک وسیلهٔ نقلیهٔ عمومی به مسافران ارائه می‌شود که با توجه به فضای موجود برای هر مسافر تعیین می‌شود

سطح ضربدری weaving section
بخشی از مسیر که حرکتِ ضربدری در آن امکان‌پذیر باشد

سطح ضربدری دوسمته
two-sided weaving section
محدودهٔ ضربدری که در آن خودروهای ورودی به بزرگراه از سمت راست وارد می‌شوند و خودروهای خروجی از سمت چپ خارج می‌شوند یا برعکس

سطح ضربدری یک‌سمته
one-sided weaving section
محدودهٔ ضربدری که در آن خودروهای ورودی از همان سمتی که خودروهای خروجی خارج می‌شوند وارد بزرگراه می‌شوند

سطح کارایی level of service
درجه‌بندی بزرگراه ازنظر میزان مؤثر بودن آن در تردد، در شرایط عملی

سفر trip
حرکت یک‌طرفهٔ شخص یا وسیلهٔ نقلیه به‌منظور معین، به نقطه‌ای خاص

سفر برگشت backhaul[2]
نیمهٔ دوم یک سفر دوطرفه از مقصد به مبدأ
متـ. **برگشت**

سفر برون ـ برون
external-external trip
سفری که هر دو سر آن، یعنی مبدأ و مقصد، خارج از محدودهٔ مشخص باشد
متـ. **سفر دوسربرون**

سفر برون ـ درون
external-internal trip
سفری که یکی از دو سر آن، یعنی مبدأ یا مقصد، در داخل محدودهٔ مشخص باشد
متـ. **سفر یک‌سردرون**

سفر برون‌سو outbound trip
سفر به بیرون از مرکز شهر یا محدودهٔ تجاری مرکزی یا مرکز عمدهٔ فعالیت

سفربُن trip end
مبدأ یا مقصد سفر

سفر بیرونی external trip
سفری که ابتدا یا انتهای آن در خارج از محدودهٔ بررسی است

سفر بین‌حوزه‌ای interzonal trip
سفری که مبدأ و مقصد آن در دو حوزهٔ مختلف باشد

سفر ترکیبی linked trip
سفر یک‌طرفه از نقطه‌ای به نقطهٔ دیگر با هدف مشخص، شامل بیش از یک شیوهٔ سفر

سفر تک‌حوزه‌ای one-zone ride
استفاده از حمل‌ونقل عمومی در حوزهٔ تک‌بها

سفر حومه ـ شهری commute
سفر برای مراجعه به منزل یا رفتن به محل کار از حومه به داخل شهر یا برعکس

سفر درون‌حوزه‌ای intrazonal trip
سفری که مبدأ و مقصد آن در حوزه‌ای واحد قرار داشته باشد

سفر درون ـ درون
internal-internal trip
سفری که هر دو سر آن، یعنی مبدأ یا مقصد، در داخل محدودهٔ مشخص باشد
مترـ . **سفر دوسردرون**

سفر درون‌سو inbound trip
سفر به سوی مرکز شهر یا به درون محدودهٔ تجاری مرکزی یا به مرکز عمدهٔ فعالیت

سفر دوسربرون
← سفر برون ـ برون

سفر دوسردرون
← سفر درون ـ درون

سفر رفت fronthaul
نیمهٔ نخست یک سفر دوطرفه از مبدأ به مقصد
مترـ . **رفت**

سفر رفت‌وبرگشت round trip
حرکت مسافر از مبدأ به مقصد و بازگشت وی به همان مبدأ

سفر سواره vehicular trip
سفری که با وسیلهٔ نقلیه انجام شود

سفر شراکتی shared ride
سفری با وسیلهٔ نقلیهٔ غیرعمومی که در آن مسافران در یک یا چند مبدأ سوار و در یک یا چند مقصد پیاده می‌شوند

سفر غیریک‌سرمنزل
non-home based trip
سفری که مبدأ و مقصد آن منزل مسافر نباشد

سفری ← خودرو سفری

سفر یک‌سردرون
← سفر برون ـ درون

سفر یک‌سرمنزل
home based trip
سفری که مبدأ یا مقصد آن منزل مسافر باشد

سکوی بلند
high passenger platform, high platform
نوعی سکو که مسافران بدون نیاز به استفاده از پله از روی آن وارد وسیلهٔ نقلیه می‌شوند

سکوی جانبی
side passenger platform, side platform

نوعی سکو که در سمت بیرونی مسیر قرار دارد

سکوی کوتاه
low passenger platform, low platform

نوعی سکو در مسیر حرکت وسایل نقلیه که با ورودی وسیلهٔ نقلیه هم‌سطح نیست و مسافران باید برای سوار و پیاده شدن از پله‌های وسیلهٔ نقلیه استفاده کنند

سکوی میانی[۱]
centre passenger platform, centre platform

سکویی که بین دو مسیر یا هادی‌راه قرار گرفته است تا سوار و پیاده شدن مسافران هر دو مسیر را ممکن سازد

سکوی میانی[۲] loading island, safety island

جان‌پناهی برای ایمنی مسافران در حریم راه و خطوط عبوری که در محل ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی ایجاد می‌شود

سمت شاگرد nearside

در خودروهایی که فرمان ماشین در سمت چپ خودرو قرار دارد، سمت راست وسیلهٔ نقلیه که در کوتاه‌ترین فاصله با پیاده‌رو یا جدول قرار دارد

سمت قوس curve hand

انحراف راست‌گرد یا چپ‌گرد یک قوس از مسیر مستقیم از سمت مبدأ به مقصد

سنجش خدمات حمل‌ونقل عمومی
transit service measure

اندازه‌گیری کمّی جنبه‌های معینی در خدمات حمل‌ونقل عمومی که منعکس‌کنندهٔ خواسته‌های مسافران است

سوارگان ridership

تعداد افرادی که در زمان مشخص در یک بار جابه‌جایی با یک سامانهٔ حمل‌ونقل سفر می‌کنند

سوارگاه loading area

فضایی سکومانند در ایستگاه که اتوبوس برای سوار و پیاده کردن مسافر در کنار آن توقف می‌کند

سواره‌رو[۱] carriageway

قسمتی از راه یا پل که مشخصاً به حرکت خودروها اختصاص دارد و شامل شانهٔ راه و خطوط کمکی هم می‌شود

سواره‌رو[۲] traveled way

بخشی از راه که برای حرکت وسایل نقلیه در نظر گرفته می‌شود به‌استثنای شانه‌ها

سواره‌روِ عبوری
through traveled way

بخشی از راه که برای حرکت وسایل نقلیه در نظر گرفته می‌شود به‌استثنای شانه‌ها و خطوط کمکی

سواری passenger car
وسیلهٔ نقلیهٔ موتوری، غیر از موتورسیکلت، با گنجایش حداکثر ده نفر، برای جابه‌جایی مسافر

سوخت‌پاش fuel injector, injection pump
پمپ موتورگرد پرفشاری که سوخت را با فشار زیاد به محفظهٔ احتراق وارد می‌کند

سوخت جایگزین alternate fuel
سوختی که برای کاهش آلودگی هوا به جای بنزین و گازوئیل به کار می‌رود

سوخت ذخیره reserve fuel
سوختی مازاد بر سوخت سفر که برای مصارف عادی در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه برای وقایع پیش‌بینی‌نشده، علاوه بر سوخت سفر و سوخت احتیاطی و سوخت انتظار و سوخت جایگزین، در دسترس باقی می‌ماند و فقط در موارد خاص و با مجوز مقامات بالاتر از آن استفاده می‌شود

سه‌راهی جناغی Y intersection
تقاطع سه‌راهی که بازوهای آن عمودبرهم نیستند

سه‌راهی عمودی T intersection
تقاطع سه‌راهی که یکی از بازوهای آن عمود بر دیگری است

سه‌راهی عمودی اصلاح‌شده
modified T-intersection
بهبود عملکرد سه‌راهی عمودی با استفاده از میانگاه‌های برجسته (**raised medians**) و علامت‌گذاری برای مشخص کردن حق‌تقدم خودروها و کاهش سرعت و جهت‌دهی فیزیکی خودروهای عبوری از تقاطع

سه‌زمانه ← چراغ راهنمایی سه‌زمانه

سیفون ← منگول

ش

شاخص دسترس‌پذیری accessibility index

عددی که مقدار آن تابعی است از میزان دسترس‌پذیری در یک گسترهٔ عددی محدود

شاخص ناهمواری تک‌چرخ international roughness index, IRI

مجموع تغییرات ارتفاع یک چرخ خودرو در امتداد ردّ آن به‌ازای طول مسیر پیموده‌شده که بر حسب متر بر کیلومتر سنجیده می‌شود

شاخص ناهمواری خط lane international roughness index

شاخص ناهمواری ترکیبی‌ای که بر مبنای میانگین شاخص ناهمواری مسیر دو چرخ وسیلهٔ نقلیه تعیین می‌شود

شاخهٔ تقاطع intersection leg, intersection arm

هرکدام از سواره‌روهای منشعب از تقاطع

شانهٔ افتاده low shoulder

شانه‌ای که از سطح راه خیلی پایین‌تر است و یکی از نقص‌های راه محسوب می‌شود

شانهٔ برآمده high shoulder

شانه‌ای که از سطح راه بالاتر است و یکی از نقص‌های راه محسوب می‌شود

شانهٔ یکپارچه integral shoulder

شانه‌ای که جنس و ضخامت آن با بتن روسازی راه یکسان است

شبدری ← تقاطع ناهم‌سطح شبدری

شبکهٔ تارعنکبوتی spider web, spider network, simplified network

سامانهٔ بزرگراهی شبیه‌سازی‌شده برای محدوده‌ای مشخص که، بدون توجه به ترکیب فیزیکی خیابان‌ها، تنها دسترسی‌های اصلی را ملاک تحلیل قرار می‌دهد

شبکهٔ ترکیبی composite network

در مبحث برنامه‌ریزی حمل‌ونقل، گروهی از خطوط به‌هم‌پیوسته که مجموعه‌ای از امکانات یا مسیرهای موجود و پیشنهادی با روش‌های مختلف حمل‌ونقل را نشان می‌دهد

شبکهٔ حلقوی ـ شعاعی ring and radial network

نوعی الگوی خدمت‌رسانی سامانه‌های حمل‌ونقل عمومی که در آن مسیرهای مختلف به‌صورت حلقوی و شعاعی طراحی شده‌اند

شبکهٔ حمل‌ونقل عمومی transit network

مجموعه‌ای از خطوط حمل‌ونقل عمومی که انتقال مسافر در آنها به شکلی هماهنگ صورت می‌گیرد

شبکهٔ درختواره trace tree

زنجیره‌ای از گره‌ها که خطوط رابط کوتاه‌ترین مسیر بین دو حوزه را مشخص می‌کند

شبکهٔ راه road network, highway network

مجموعه‌ای از پیوندها (معرف راه‌ها) و گره‌ها (معرف تقاطع‌ها) که نمایانگر سامانهٔ راه‌های موجود است

شبکهٔ شطرنجی grid network

۱. در مبحث برنامه‌ریزی حمل‌ونقل، شبکه‌ای فرضی از خطوط عمودی و افقی با فواصل مساوی که در آن محدودهٔ مورد مطالعه به حوزه‌های جغرافیایی کوچک‌تر تقسیم می‌شود۲. در بهره‌برداری از سامانه‌های حمل‌ونقل عمومی، نوعی الگوی خدمت‌رسانی که در آن یک مجموعه از مسیرهای موازی عمود بر مجموعه‌ای دیگر از مسیرهای موازی است

شبکهٔ شعاعی radial network

نوعی الگوی خدمت‌رسانی در سامانه‌های حمل‌ونقل عمومی که در آن مسیرهای مختلف به‌صورت هم‌گرا به مرکز شهر وارد و به‌صورت واگرا از آن خارج می‌شوند

شدآمد traffic

تردد وسایل نقلیه‌ای که هم‌زمان در حال رفت‌وآمد باشند

شرایط تنظیم control conditions

شرایط و مقررات حاکم بر واپایش تردد وسایل نقلیه شامل نوع و فازبندی و زمان‌بندی چراغ‌های راهنمایی برای محدودهٔ مشخصی از خیابان یا بزرگراه

شریانی ← راه شریانی

شعاع قوس radius of curve
فاصلهٔ مرکز قوس دایره‌ای افقی تا خط محوری قوس

شعاع گردش کمینه
minimum turning radius
شعاع خارجی مسیر گردش کمینهٔ بیرونی‌ترین نقطهٔ چرخ جلوی وسیلهٔ نقلیه

شکست‌ایمن fail-safe[2]
ویژگی قطعه‌ای که در صورت شکست آن خطری برای افراد یا خللی جدی در عملکرد کلی دستگاه ایجاد نشود و آسیب به حداقل برسد

شکستگی لبه edge break
فرسوده و شکسته شدن لبهٔ آسفالت سطح روسازی راه

شمار رابط link count
شمار وسایل نقلیهٔ عبوری از یک نقطه در طول یک قطعهٔ راه، در مدت مشخص

شمار سفر run number
عددی دو یا سه‌رقمی که در پایین شیشهٔ جلوی وسیلهٔ نقلیه نمایش داده می‌شود و نشان‌دهندهٔ تعداد دفعاتی است که وسیلهٔ نقلیه در آن مسیر رفت و آمد کرده است

شمارش دستی manual count
جمع‌آوری داده‌های تردد به‌وسیلهٔ آمارگیر در محل
متـ. **آمارگیری دستی** manual survey

شماره‌گذاری خط عبور
lane numbering
شماره‌گذاری از راست به چپ خطوط عبور هم‌سو با جریان تردد در راه‌های چندخطه

شن‌پاشی gritting
پاشیدن ریزدانه‌های دارای قطر کمتر از ۴/۷۵ میلی‌متر بر روی سطح راه

شن چسبنده hoggin
ترکیبی از شن و خاک رس که در ساخت زیراساس به کار می‌رود

شیب‌بَر moving ramp
پیاده‌روِ متحرک شیب‌دار

شیب برگشت‌پذیر
recoverable slope
شیبی که قابل عبور است و رانندهٔ خودرو می‌تواند خودرو را به مسیر اصلی بازگرداند

شیب برگشت‌ناپذیر
non-recoverable slope
شیبی که قابل عبور است ولی رانندهٔ خودرو ناچار است آن را تا انتها بدون امکان برگشت بپیماید

شیب‌راهه ramp[2]
سراشیبی ورودی عمومی، برای جانبازان و افرادی که نمی‌توانند از پلکان استفاده کنند

شیب‌ساز grader
یکی از دستگاه‌های راه‌سازی که با تیغهٔ بین چرخ‌های عقب و جلو مصالح را پخش و راه را تسطیح و شیب‌بندی می‌کند

شیب غیرقابل‌عبور
non-traversable slope
شیبی که در آن احتمال برگشت راننده به مسیر اولیه وجود ندارد و راننده توانایی توقف ایمن خودرو را نیز ندارد

شیب قابل‌عبور
traversable slope
شیبی که در آن احتمال برگشت راننده به مسیر اولیه ضعیف است، اما می‌تواند با کاستن از سرعت خود وسیلهٔ نقلیه را ایمن متوقف کند

شیبَک ramp[3]
قطعات متحرکی که بارگیری را آسان می‌کند

شیب مرکب composite grade
مجموعه‌ای از چند شیب متوالی در طول بزرگراه که اثر ترکیبی آنها بر حرکت خودروها خیلی بیشتر از مجموع اثر آنها به‌صورت تک‌تک است

شیوهٔ توقف stopping regime
انواع شیوه‌های توقف وسایل نقلیهٔ عمومی در یک مسیر

شیوهٔ توقف اعلامی
on-call stopping regime
روش توقف وسایل نقلیه در ایستگاه‌های ثابت فقط براساس درخواست مسافر

شیوهٔ توقف تقاضامحور
demand stopping regime
روش توقف وسایل نقلیهٔ عمومی در هر نقطه بنا به تقاضای مسافر

شیوهٔ توقف ثابت
fixed stopping regime
روش توقف وسایل نقلیه در تمام ایستگاه‌های تعیین‌شده

شیوهٔ عمدهٔ سفر
main mode of travel
شیوه‌ای که برای طولانی‌ترین بخش سفر یا در صورت مساوی بودن بخش‌های سفر، زمان‌برترین آنها در نظر گرفته می‌شود

ص ، ض

صف باثبات stable queue

صفی که طول آن از اندازهٔ مشخصی بیشتر نمی‌شود

صفحهٔ ایمنی fuse plate

صفحه‌ای که در مفصل سازهٔ پایهٔ علائم نصب می‌شود و هرچند در برابر نیروی باد مقاوم است، در هنگام برخورد وسیلهٔ نقلیه با پایه در هم می‌شکند تا از شدت تصادف کاسته شود

صف فزاینده persistent queue

صفی که ورود به آن بیشتر از خروج از آن است و درنتیجه به‌تدریج طول آن افزایش می‌یابد

صف‌گاه خودرو vehicle staging lot

محوطه‌ای که برای وسایل نقلیهٔ در انتظار ورود به فرایَر در نظر گرفته شده است

صف‌گریزی balking

امتناع مسافر یا راننده از ورود به صف

ضربدری weaving

نوعی حرکت وسایل نقلیه برای تغییر خط عبور

ضربه‌تاب crashworthy

ویژگی موانعی که در آزمایش‌های گوناگون مقاومت آنها در برابر ضربه تأیید شده باشد

ضربه‌گیر crash cushion

مانعی که در برابر اشیای صلب نصب می‌شود تا شدت برخورد وسایل نقلیه به آن اشیا را کاهش دهد

ضریب اشغال area occupancy

سطحی که در طراحی ایستگاه یا تسهیلات برای هر نفر در نظر می‌گیرند

متـ . **ضریب اشغال سطح**

ضریب اشغال خط عبور
lane occupancy

نسبت زمان حضور خودرو در نقطه‌ای مشخص از خط عبور به کل دورهٔ زمانی مورد نظر

ضریب اشغال سطح
← ضریب اشغال

ضریب اصطکاک طولی
longitudinal friction factor

میزان اصطکاک میان تایر خودرو و روسازی راه در وضعیت قفل شدن چرخ براثر ترمزگیری که در راستای محور طولی اندازه‌گیری می‌شود

ضریب بار load factor

نسبت بهره‌برداری به ظرفیت کل تجهیزات در زمان معین

ضریب بار معادل
load equivalency factor

نسبت شمار دفعات تکرار بار محوری مشخصی که روسازی می‌تواند تحمل کند به شمار دفعات تکرار بار محوری دیگری که همان روسازی در چهارچوب معیار خرابی می‌تواند تحمل کند

ضریب بسامد سفر
riding frequency coefficient

تعداد سفر در یک بازهٔ زمانی خاص تقسیم بر جمعیت ساکن در محل

ضریب رشد سفر
trip growth factor

نسبت سفرهای آینده به سفرهای فعلی از یک مبدأ به یک مقصد مشخص

ضریب ساعت اوج
peak-hour factor,
peak-hour conversion factor

نسبت حجم تردد در ساعت اوج به حداکثر شدت جریان در طول یک دورهٔ انتخابی، معمولاً ۱۵ دقیقه، در ساعت اوج

ضریب کاهش تصادف
crash reduction factor

ضریبی که براساس آن برآورد می‌شود که یک اقدام خاص برای جلوگیری از تصادف، با توجه به اطلاعات مربوط به سابقهٔ تصادفات، تا چه میزان مؤثر است

ط

طراحی شکست‌ایمن
fail-safe design

طراحی سامانه به‌نحوی‌که در صورت بروز شکست به پایان رساندن مأموریت بدون آسیب دیدن افراد یا سامانه‌های حیاتی امکان‌پذیر باشد

طراحی موقعیت site planning

نوعی طراحی براساس اندازه و شکل ساختمان و نحوهٔ استقرار آن

طراحی هندسی
geometric design

روشی در طراحی راه با توجه به عوارض طبیعی و با رعایت معیارهای طراحی و ایمنی و عملکرد

طرح اختلاط mix design

نسبت مشخصی از اجزای تشکیل‌دهندهٔ یک مخلوط ترکیبی در تهیهٔ آسفالت

طول زمانی interval time

مدت‌زمان بین خاموش شدن چراغ سبز و روشن شدن چراغ قرمز

طول صف طرح
design queue length

طولانی‌ترین صف پیش‌بینی‌شده برای وسایل نقلیه در خط عبوری خاص یا همهٔ خطوط عبور در تقاطع در زمان اوج جریان شدآمد

طول ضربدری weaving length

طول قسمتی از مسیر که حرکت ضربدری در آن انجام می‌شود

طول ضروری

← طول ضروری حفاظ

طول ضروری حفاظ
length of need

طـول موردنیـاز حفـاظ ایمنـی راه بـدون قطعات ابتدایی و انتهایی
متـ. **طول ضروری**

طول محور track
فاصلهٔ دو چرخ موازی

طول محوری road miles, road kilometers
طـول راه کـه در امتـداد خـط محـور آن اندازه‌گیری می‌شود

ظ

ظرفیت آرمانی ideal capacity

شرایطی که در آن تردد در راه اصلی به مسدود شدن تردد در خیابان فرعی منجر نشود، تردد در تقاطع نزدیک مداوم نباشد، خط عبور مجزایی برای حرکت در هر جهت تخصیص یافته باشد و هیچ حرکت دیگری مانع حرکت مورد نظر نشود

ظرفیت اسمی offered capacity

حداکثر ظرفیت یک خط برای جابه‌جایی مسافر بدون توجه به میزان بهره‌برداری واقعی از آن

ظرفیت ایستای حمل‌ونقل عمومی
static transit capacity

تعداد کل جاهایی که در یک سامانهٔ حمل‌ونقل عمومی برای مسافران پیش‌بینی شده است

ظرفیت ایستگاه
station capacity

حداکثر تعداد مسافری که با وسایل نقلیه از یک جهت مشخص و در طول یک ساعت به یک ایستگاه منتقل می‌شوند

ظرفیت بالقوه potential capacity

ظرفیت یک حرکت خاص در نزدیکی تقاطع اصلی ـ فرعیِ بدون چراغ به فرض آنکه با سایر حرکات تداخل نداشته و دارای خط عبور مخصوص به خود باشد

ظرفیت برنامه‌ای خط
scheduled line capacity

حجم جابه‌جایی در یک خط، در هر ساعت، در جهت مشخص، براساس برنامهٔ تنظیم‌شدهٔ قبلی

ظرفیت بهره‌برداری
utilized capacity

حداکثر تعداد مسافری که وسایل نقلیهٔ عمومی یک خط از یک نقطهٔ مشخص، در یک جهت، در هر ساعت جابه‌جا می‌کنند

ظرفیت پویای حمل‌ونقل عمومی
dynamic transit capacity

حداکثر تعداد وسایل نقلیه یا فضای خالی داخل وسایل نقلیه یا افرادی که در یک مسیر حمل‌ونقل عمومی در یک جهت و در هر ساعت جابه‌جا می‌شوند

ظرفیت توقفگاهی
parking supply

تعداد محل‌های توقف در یک محدوده یا محل معین

ظرفیت حرکت
movement capacity

ظرفیت تردد وسایل نقلیه در یک خط عبور معین

ظرفیت خط line capacity

حداکثر تعداد وسایل نقلیهٔ عمومی که در یک خط، از یک نقطه و در یک جهت مشخص در هر ساعت مسافران را انتقال می‌دهند

ظرفیت خط مشترک
shared-lane capacity

ظرفیت یک خط عبور در تقاطع بدون چراغ راهنمایی برای گذر خودروِ سواری در واحد زمان که در آن دو یا سه حرکت مختلف امکان‌پذیر باشد

ظرفیت ذخیره reserve capacity

تفاوت ظرفیت خط عبور نسبت به حجم گذر

ظرفیت سودمند
productive capacity

حاصل‌ضرب ظرفیت خط یا وسیلهٔ نقلیه در سرعت عملی که شاخص ترکیبی مناسبی برای عملکرد مطلوب سامانهٔ حمل‌ونقل عمومی است

ظرفیت طرح design capacity

حداکثر تعداد وسایل نقلیه‌ای که از یک خط یا یک سواره‌رو در مدت یک ساعت عبور کند، بی‌آنکه بر کارکرد و طراحی خیابان تأثیر بگذارد

ظرفیت طولی خودرو
linear vehicle capacity

تعداد صندلی یا نفرـ فضای ایستادن برای مسافر در واحد طول خودرو

ظرفیت عبور مسافر
person-capacity

حداکثر مسافری که می‌تواند از یک نقطه از معبر یا حریم حمل‌ونقل در واحد زمان، در شرایط عادی بدون خطر یا تأخیر یا محدودیت عبور کند

ظرفیت عملی practical capacity

حداکثر تعداد خودروی که در مدت یک ساعت از نقطه‌ای عبور کند و در جریان تردد تأخیر و ناامنی ایجاد ننماید

ظرفیت فشرده crush capacity

حداکثر تعداد مسافری که در یک وسیلهٔ نقلیه می‌گنجد

ظرفیت مسیر way capacity

حداکثر فضای موجود برای جابه‌جایی مسافر یا بار در وسایل نقلیهٔ یک مسیر که از یک نقطه در هر ساعت و در یک جهت مشخص بدون توقف می‌گذرند

ظرفیت ممکن possible capacity

حداکثر تعداد وسایل نقلیهٔ هم‌سنگ سواری که از یک خط عبور کند و در محل و زمان مشخص امکان گذر داشته باشد

ظرفیت ناوگان fleet capacity

حداکثر گنجایش ناوگان هر سامانهٔ حمل‌ونقل برای جابه‌جایی مسافر

ظرفیت ناوگانی خط
TU line capacity,
transit unit line capacity

۱. حداکثر بسامد خدمات یا تعداد وسایل نقلیهٔ موجود در ناوگان حمل‌ونقل عمومی که از یک نقطهٔ مشخص، در یک جهت، در هر ساعت عبور می‌کنند

ظرفیت نشسته seating capacity,
seated capacity

تعداد صندلی‌های یک وسیلهٔ نقلیهٔ عمومی

ظرفیت وسیلهٔ نقلیهٔ خط
vehicle line capacity

حداکثر تعداد وسایل نقلیه‌ای که از یک نقطهٔ مشخص، در یک جهت، در هر ساعت عبور می‌کنند

ع ، غ

عارضه‌سنجی تردد traffic impact analysis, impact analysis

مطالعهٔ تأثیر کاربری زمین بر تردد اطراف

عامل انسانی human factor

مجموعهٔ ویژگی‌های روان‌شناختی و فرهنگی و رفتاری و سایر خصوصیات افراد یا گروه‌های اجتماعی که بر تصمیم‌گیری‌ها و انتشار اطلاعات و تفسیر داده‌ها در جامعه اثر می‌گذارد

عجول‌رانی hot running, running hot, running sharp

جلو بودن از برنامه در سامانه‌های حمل‌ونقل زمان‌بندی‌شده که سبب کاهش مطلوبیت حمل‌ونقل عمومی می‌شود

عرشه deck, tablier

سطح فوقانی پل که زیر روسازی قرار می‌گیرد

عرض ضربدری weaving width

عرض قسمتی از مسیر که حرکت ضربدری در آن انجام شود

عرض‌گذر crossover

معبر اتصال پیاده‌رو یا سواره‌رو به‌صورت هم‌سطح یا ناهم‌سطح از یک معبر به طرف دیگر

عرض‌گذر میانگاهی median crossover

در راه‌هایی که دارای میانگاه هستند، معبری که از میانگاه می‌گذرد و این امکان را فراهم می‌کند که شدآمد یک جهت به مسیر حرکت جهت مخالف وارد شود و در خط اختصاص‌یافته ادامهٔ مسیر دهد

عرض مؤثر پیاده‌رو
effective walkway width

عرض قابل‌استفادهٔ پیاده‌رو برای عابران پیاده که برابر است با عرض کل پیادرو منهای محل انتظار عبور از چراغ یا پیش‌آمدگی ساختمان‌ها یا دیگر موانع موجود

علامت‌دهی signalling

مجموعهٔ اعمالی که برای تأمین ایمنی وسایل نقلیه انجام شود

علامت‌گذاری پویا
dynamic road marking, DRM

خط‌کشی یا چشم‌ببری نوردهنده‌ای که مسئولان را در تغییر مسیر یا توجه به میزان تردد یاری می‌رساند

علامت هدایت خط
lane-control signal

چراغ راهنمایی نصب‌شده در بالای خط عبور برای هدایت و راهنمایی جهت جریان وسایل نقلیه در ساعات مشخص در آن خط

علائم راه‌کنار roadside signs

تابلوهایی که پایهٔ آنها در کنار راه نصب می‌شود

علائم راهنمایی traffic signals

تمام نشانه‌هایی که در معابر عمومی و مکان‌های حرکت وسایل نقلیه برای تنظیم برنامهٔ عبورومرور و اخطار نصب شود

عمر اقتصادی خودرو
economic vehicle life

مدت‌زمانی که وسیلهٔ نقلیه با کمترین هزینهٔ ممکن فعالیت می‌کند

عمر کارکردی خودرو
functional vehicle life

طول عمر خودرو تا زمانی که طراحی و فنّاوری و عملکرد آن با فنّاوری‌های جدید یا نیازهای عملیاتی جدید تفاوت فاحش نداشته باشد

عمر کاری خودرو
physical vehicle life

مدت‌زمانی که معیارهای فیزیکی خودرو در حد قابل قبول است و می‌توان با اِعمال روش‌های نگهداری معمول از آن استفاده کرد

عمر مفید طرح design life

مدت‌زمانی که در طی آن تقاطع با توجه به افزایش حجم تردد کارایی مطلوب خواهد داشت

عملکرد دومنظوره
dual-mode operation

بهره‌برداری از وسایل حمل‌ونقل عمومی که دارای دو شیوهٔ سفر هستند، مانند وسایل نقلیه‌ای که هم با فرمان حرکت می‌کنند و هم در مسیر هادی‌راه بدون استفاده از فرمان به‌حرکت درمی‌آیند

عملیات خاکی earthworks
هرگونه خاک‌برداری یا خاک‌ریزی در عملیات راه‌سازی

عملیات سیار mobile work
فعالیت‌های متحرک عمرانی در معابر که با استفاده از وسایل نقلیهٔ کم‌سرعت صورت می‌گیرد

عوارض خط پرسرنشین
high-occupancy toll, HOT
عوارضی که از خودروهای تک‌سرنشینی اخذ می‌شود که از خطوط یا راه‌های مختص به خودروهای پرسرنشین عبور می‌کنند

عوارض‌گیری خودکار
electronic toll collection, ETC
دریافت عوارض از خودروهای گذرنده از محل اخذ عوارض به‌صورتی‌که مبلغ عوارض را بدون نیاز به توقف از حساب افرادی که شمارهٔ خودروِ آنها پیش از این ثبت شده است کم می‌کند

غلتک چرخ‌لاستیکی
multi-tyred roller
غلتکی سنگین با چرخ‌های متعدد بر روی دو محور برای متراکم کردن لایه‌های روسازی

ف

فاصلهٔ آزاد nature strip

فضای بین جاده و زمین مجاور که شامل مسیر دوچرخه و پیاده‌رو و دیگر مسیرهای مشترک نمی‌شود

فاصلهٔ آرامش shy distance

مقدار فاصلهٔ خودرو تا لبهٔ راه به‌نحوی‌که موانع یا عوارض موجود در کنار راه برای راننده خطرآفرین نباشد و مجبور نشود در سرعت و مسیر خود تغییر ایجاد کند

فاصلهٔ ایمن توقف stopping sight distance

فاصلهٔ مورد نیاز راننده برای متوقف کردن ایمن وسیلهٔ نقلیه با توجه به شرایطی مانند شیب و روسازی راه و سرعت وسیلهٔ نقلیه

فاصلهٔ ایمن سبقت passing sight distance

فاصلهٔ دید مورد نیاز برای سبقت گرفتن ایمن در یک جادهٔ دوخطهٔ دوطرفه

فاصلهٔ حمل haul

مسافت حمل کالا از محل بارگیری تا تخلیه

فاصلهٔ زمانی پایه base headway

فاصلهٔ زمانی برنامه‌ریزی‌شده برای ناوگان حمل‌ونقل انبوه در زمان غیر اوج

فاصلهٔ گذر headway

متوسط فاصلهٔ زمانی عبور دو خودروِ متوالی از یک نقطه در هر خط عبور

فاصلهٔ گذر اشباع saturation headway

متوسط فاصلهٔ گذر وسایل نقلیه در صفی اشباع و درحال‌حرکت در یک تقاطع چراغ‌دار

فاصلهٔ گذر تداخلی interference headway
فاصلهٔ گذری که به‌حدی کوتاه است که یک وسیلهٔ نقلیه می‌تواند باعث اختلال یا تأخیر در حرکت وسیلهٔ نقلیهٔ بعدی شود

فاصلهٔ گذر مقرر policy headway
فاصلهٔ گذر ازپیش‌تعیین‌شده که به تناسب ظرفیت به تقاضا بستگی ندارد

فاصلهٔ محوری wheel base
فاصلهٔ بین محور جلو و عقب یک وسیلهٔ نقلیه

فِرست freight[1]
باری شامل لوازم و بسته‌ها و چمدان‌ها و سایر لوازم پستی غیرهمراه مسافر

فِرست کردن freight[2]
فرستادن بار غیرهمراه مسافر با کشتی یا قطار یا هواپیما

فرصت عبور accepted gap
فاصلهٔ زمانی قابل‌قبولی که رانندهٔ خیابان فرعی برای عبور از تقاطع و ورود به خیابان اصلی صرف می‌کند

فنّاوری بازیافت گرم آسفالت hot-in-place asphalt recycling technology
فنّاوری‌ای که برای بازیافت گرم آسفالت به کار گرفته می‌شود

فنّاوری حمل‌ونقل عمومی transit technology
فنّاوری مربوط به مشخصه‌های فیزیکی وسایل نقلیهٔ عمومی و بستر حرکت آنها

ق

قابلیت اعتماد حمل‌ونقل عمومی
transit reliability

عملکرد واقعی حمل‌ونقل عمومی با توجه به برنامه که بر شاخص‌هایی مانند زمان انتظار و تمایل مسافر به استفادهٔ دائم از خدمات و زمان کل سفر و سطح مسافرگیری تأثیر می‌گذارد

قابلیت دیرآغازی
late-start feature

یکی از قابلیت‌های دستگاه فرمان‌دهی چراغ راهنمایی که در آن روشن‌شدن یک گروه چراغ مشخص با تأخیر نسبت به گروه چراغ دیگر در همان نوبت انجام می‌شود

قابلیت سرعت‌افزایی
acceleration capability

توانایی خودرو در شتاب‌گیری از حالت سکون یا افزایش سرعت در حال حرکت در جادهٔ بدون شیب

قپهٔ ایمنی stud

افزاره‌ای برای تعیین محدودهٔ راه در شب که در اشکال و اندازه‌ها و رنگ‌های متفاوت تولید می‌شود

قشر آستری binder course

مخلوط آسفالت کارخانه‌ای با دانه‌بندی درشت و مواد قیری که در قشر زیرین رویه استفاده می‌شود

مترـ . **آستری**

قشر اساس base course

لایه یا لایه‌هایی از مواد مشخص با ضخامت معین که برای تقویت روکش آسفالت بر روی زیراساس یا بستر خاکی قرار می‌گیرد

قشر آستری به‌ساخته
modified binder

قشر آستری‌ای که برای رسیدن به مشخصات فیزیکی خاص با افزودن یا

ترکیب انواع بسپار، رزین، مواد چسباننده، لاستیک یا مانند آن عملکرد آن بهبود یافته است

قشر میانی intermediate course
لایه‌ای بین قشر اساس و لایهٔ پوششی (wearing course) رویهٔ راه

قطار بتن‌ریزی concreting train
دستگاهی برای بتن‌ریزی در عملیات روسازی صلب، متشکل از چند ماشین که به دنبال یکدیگر مراحل چندگانهٔ روسازی را ضمن حرکت انجام می‌دهد

قطار خیابانی tramway
خودروی که بر روی ریل فلزی در سطح خیابان حرکت کند و مسافران شهری را جابه‌جا نماید

قطب ← قطب حمل‌ونقل

قطب حمل‌ونقل hub
منطقه‌ای مرکزی که مقصد اکثر سفرهای حمل‌ونقل عمومی است و سفرها از آنجا به مناطق دیگر توزیع می‌شود
مترـ **قطب**

قطران tar
مایع غلیظ سیاه یا قهوه‌ای تیره که از تقطیر تخریبی چوب یا زغال‌سنگ حاصل می‌شود

قطع زودهنگام early cut-off
مرحله‌ای از نمایش چراغ که در آن برای دادن فرصت بیشتر به یک حرکت، چراغ حرکت دیگر زودتر از موعد قرمز می‌شود

قطعه segment
بخشی از طول راه که شرایط تردد و سطح کارایی در آن پایدار است

قطعهٔ پُرازدحام maximum load section
قطعه‌ای از خط بین دو ایستگاه که دارای بیشترین حجم مسافر و مبنایی برای تعیین ظرفیت خط است

قطعهٔ مدیریتی management segment
بخشی از سواره‌رو که از نظر تردد و شرایط هندسی و حجم عبور در وضعیت یکسانی قرار دارد و طول آن معمولاً بین پانصد تا هزاروهفتصد متر است و مشمول تدابیر مدیریتی واحد است

قفل‌شدگی locking up
پدیده‌ای نامطلوب در تردد در تقاطع‌ها که در آن خودروهای ورودی، مسیر خودروهای خروجی را مسدود می‌کنند و باعث توقف کامل تردد می‌شوند

قوام خاک consistency of soil, soil consistency
میزان مقاومت خاک در برابر جریان آب که به میزان رطوبت خاک بستگی بسیار دارد

قوانین تشدید مجازات hoon laws
مقرراتی که به پلیس قدرت بیشتری می‌دهد تا با رانندگان خطرآفرین مقابله کند

قوس افقی horizontal curve
قوسی در سطح یا امتداد افقی سواره‌رو

قوس ترکیبی compound curve
قوسی که شامل دو یا چند قوس ساده با شعاع‌های مختلف در یک جهت باشد

قوس چپ‌گرد left-hand curve
قوسی که گردش آن به سمت چپ است

قوس حلزونی spiral curve
قوس پیوسته‌ای که از یک نقطه به طرف خارج یا برعکس امتداد می‌یابد و هر نقطهٔ آن شعاع مخصوص به خود دارد

قوس خروج exit curve
قوس سمت راست لبهٔ روسازی سواره‌رو که وسیلهٔ نقلیه را به خارج مسیر هدایت می‌کند

قوس راست‌گرد right-hand curve
قوسی که گردش آن به سمت راست است

قوس ساده simple curve, plane curve
قوسی که دارای شعاع ثابت است

قوس شیب superelevation
اختلاف ارتفاع عرضی دو لبهٔ راه در سرِ پیچ‌ها برای حذف نیروی گریزازمرکز

قوس قائم vertical curve
قوسی در نیمرخ طولی سواره‌رو برای حفظ سرعتی مشخص متناسب با تغییر ارتفاع

قوس محدب crest vertical curve
راهی به شکل دو خط مماس که ازطریق یک قوس عمودی سهموی به یکدیگر وصل می‌شوند و در آن مماس ورودی سربالا و مماس خروجی سرازیر است

قوس مسیرده kerb blister
انحنایی در جدول‌بندی مسیر برای باریک کردن ورودی یا خروجی از میدان و تنظیم شعاع قوس گردش و سرعت وسایل نقلیه

قوس معکوس reverse curve
دو قوس متوالی با سمت‌های متفاوت

قوس مقعر sag vertical curve
راهی به شکل دو خط مماس که ازطریق یک قوس عمودی سهموی به یکدیگر وصل می‌شوند و در آن مماس ورودی سرازیر و مماس خروجی سربالاست

قیر bitumen
مخلوط جامد و چسبنده‌ای از مشتقات نفت که یکی از موارد استفادهٔ آن پوشش سطح راه‌هاست

قیر آبدار inverted emulsion
نوعی قیرابه که در آن ذرات ریز آب در قیر پخش شده است

قیرابه emulation asphalt
مخلوط قیر و آب

قیرپوشه seal coat
نوعی قیر که در هنگام عریان شدن مصالح سنگی آسفالت برای ترمیم به کار می‌رود

قیرپوشهٔ اولیه initial seal
پوشش قیری روی قشر اساس آماده‌شدهٔ راه پیش از ریختن قیر نفوذی

قیر چنددرجه‌ای multigrade bitumen
قشر آستری‌ای که مقاومت خوبی دارد و در دمای بالا جاری و در دمای پایین خشک و شکننده نمی‌شود

قیر خمیری mastic asphalt, mastic
قیری که با اضافه کردن مواد شیمیایی به‌صورت خمیر درآید

قیرلایه tack coat
لایه‌ای از قیر مذاب که برای چسباندن دو لایهٔ آسفالت به‌کار می‌رود

قیرماسه slurry seal
نوعی قیر پوششی شامل مخلوط نیمه‌سیال قیرابه و مصالح ریزدانه

قیر نفوذی prime coat
قیر مذاب که برای پر کردن خلل‌وفرج و ایجاد سطحی چسبنده با قیرپاش بر روی قشر اساس پخش می‌شود

ک

کابل کشنده ← بافهٔ کشنده

کاربری ← کاربری زمین

کاربری زمین landuse
نوعی کاربری که از طرف مرجع معتبر برای زمینی در نظر گرفته می‌شود
مترـ **کاربری**

کارت برنامه windscreen card
لوحی برای نمایش مقصد و دیگر اطلاعات مربوط که معمولاً در سمت راست و پایین شیشهٔ جلوی وسیلهٔ نقلیهٔ عمومی قرار داده می‌شود

کارت‌خوان farecard reader
دستگاهی که میزان اعتبار کارت کرایه را مشخص می‌کند

کارکرد توقفگاه
parking turnover
نسبت تعداد وسایل نقلیهٔ متوقف‌شده در مدت و محدودهٔ معین به تعداد کل محل‌های توقف در آن محدوده

کاروانه van
خودروِ مسافری یا باری که ظرفیت آن بیش از سواری و کمتر از مینی‌بوس باشد

کالای گذری transit cargo
کالایی که بدون پرداخت عوارض گمرکی و با همان وسیلهٔ حمل از یک کشور عبور داده شود

کانون پُرمسافر
major activity centre, MAC, activity centre area
محدوده‌ای که ویژگی آن حجم زیاد سفر با وسایل نقلیهٔ عمومی و شخصی است

کاهش
← محدودهٔ کاهش آلودگی هوای شهر

کج‌راه‌گرد slip ramp
قطعه‌راهی کج که راه اصلی را به راه خدماتی موازی با آن وصل می‌کند

کدگذاری شبکه network coding
فرایند خلاصه‌سازی اطلاعات مربوط به یک شبکهٔ واقعی حمل‌ونقل و ثبت آنها به صورتی مناسب برای پردازش رایانه‌ای

کرایهٔ پایه base fare, basic fare, regular fare
نرخ حمل مسافر بزرگسال بدون تخفیف برای خدمات منظم محلی و خطی

کرایهٔ تابع زمان
time-of-day fare
کرایه‌ای که نرخ آن در طول روز و بسته به شرایط تغییر می‌کند

کرایهٔ تصاعدی graduated fare
نرخ حمل مسافر متناسب با مسافت یا زمان سفر

کرایهٔ تک‌سکه‌ای
single-coin fare
کرایه‌ای که با یک سکه یا بهامهر پرداخت می‌شود
متـ . **تک‌سکه‌ای**

کرایهٔ ثابت flat fare
نرخ حمل مسافر بدون احتساب فاصله یا زمان یا مسیر

کرایهٔ حجمی
on the measurement, on the measure
کرایهٔ فرستی که براساس حجم آن محاسبه می‌شود

کرایه دربستی ← دربستی

کرایه‌سنج taximeter
وسیله‌ای که میزان کرایه را برحسب مسافت و زمان ثبت می‌کند و نمایش می‌دهد

کرایه‌گذاری fare structure
میزان کرایهٔ متناسب با فاصلهٔ سفر که ممکن است به‌صورت ثابت یا پلکانی باشد

کرایه‌گیر farebox
افزاره‌ای که سکه، اسکناس، بلیت، بهامهر یا جز آن را بابت کرایه از مسافر می‌پذیرد

کرایهٔ مُک exact fare
نوعی کرایهٔ حمل‌ونقل عمومی که در آن مسافر باید برای پرداخت کرایهٔ خود پول خُرد لازم را همراه داشته باشد

کرایهٔ منطقه‌ای zone fare, zoned fare

کرایه‌ای که براساس تقسیم‌بندی جغرافیایی محدودهٔ خدماتی تعیین می‌شود

کروکی sketch, sketch map

طرح سریع و اجمالی صحنهٔ تصادف براساس یک الگو که پلیس راهنمایی و رانندگی و آگاهی آن را ترسیم می‌کند

مترـ **ترسیمه**

کشته و مجروح casualty

فرد یا افرادی که در تصادفات رانندگی مجروح یا کشته می‌شوند

کشش کرایه fare elasticity

میزان تحمل مسافر در برابر افزایش نرخ کرایه

کف‌کرایه fare level

آن میزان از کرایهٔ مطلق که بر حجم جابه‌جایی مسافر و درآمد تأثیر مستقیم دارد

کفی level terrain

جاده‌ای که شیب آن بین صفر تا سه درصد باشد

کلان‌شبیه‌سازی macrosimulation

نوعی شبیه‌سازی که در آن خودروها به‌طور دسته‌ای یا جریانی یکپارچه در نظر گرفته و تحلیل می‌شوند

کلاه ایمنی helmet, cask, casquette, helm

نوعی کلاه مقاوم که از آن برای محافظت از سر استفاده می‌کنند

کمربندی beltway

راهی پیرامون شهر برای سهولت در امر عبورومرور

کنارگذر bypass

راهی برای عبور از حاشیهٔ یک شهر بدون ورود به آن

کنارگذر راه‌گَردبانی ramp meter bypass

کنارگذری در حاشیهٔ راه‌گَردبانی بزرگراه که در آن یک خط کنارگذر، ویژهٔ وسایل نقلیهٔ پرسرنشین، در نظر گرفته می‌شود

کنارنما object marker

نوعی تابلو در کنار راه با نوارهای مورب شبرنگ که رانندگان را متوجه منتهی‌الیه سمت چپ و سمت راست می‌کند

کُندرو ← مسیر کندرو

کندوآکند cut and fill

کندن زمین‌های بالاتر از تراز احداث و پر کردن زمین‌های پایین‌تر از آن برای رسیدن به سطح بستر راه

کوچه alley
راه باریک بین منازل مسکونی برای دسترسی به آنها

کوهستانی mountainous terrain
جاده‌ای که شیب آن بین هفت تا بیست درصد متغیر باشد

کیفیت خدمات service quality
مجموعهٔ عناصر کیفی خدمات، مانند راحتی استفاده از سامانهٔ حمل‌ونقل عمومی و زیبایی و تمیزی، که بر مسافر تأثیر می‌گذارد

گ

گذر ← گذری

گذرانه transit charge
عوارضی که از وسایل نقلیه بـرای عبـور از کشوری به کشور دیگر دریافت شود

گذربرگ passage carnet, carnet de passage
دفترچهٔ مجوز عبـور خودروهـا از مرزهـای بین‌المللی

گذربرگ تیر TIR carnet, carnet de TIR
مجوز سازمان حمل‌ونقل بین‌المللی جاده‌ای (TIR) به وسایل نقلیهٔ باری بـرای عبـور از مـرز کشـورهای عضـو بـا برخـورداری از تسهیلات گمرکی

گذر عابر crosswalk
محل خط‌کشی‌شده برای عبور عابر پیاده و دوچرخه و مانند آن از عرض راه

گذر کودکان children's crossing
بخشی از راه که خط‌کشی عابر پیاده ندارد، ولـی در سـاعاتی از روز محـل عبـور دانش‌آموزان است

گذرگاه چراغ‌دار عابر marked foot crossing
گذرگاه مجهز به خط‌کشی نواری در عرض سواره‌رو برای گذر عابران در تقـاطع‌هـا یـا بین تقاطع‌هـایی کـه بـه چـراغ راهنمـایی مجهز هستند

گذرگوشه circulation area
بخشـی از گوشـهٔ پیـاده‌رو بـرای استقرار عابرانی که قصد گذر از خیابـان را دارند

گذری transit
بخشی از جابه‌جایی مسافر و کالا بین مبدأ و مقصد که مستلزم عبور از کشور ثالث باشد
مترـ . **گذر**

گردش اولویت‌دار
higher order turn
حرکت گردشی دارای اولویت، مانند گردش اتوبوس که حق تقدم دارد

گردش ایمن protected turning
نوعی گردش در تقاطع که با نصب چراغ راهنمایی و اختصاص زمان جداگانه ایمن شده باشد

گردش تقدمی filter turn
حرکتی گردشی که در ضمن انجام آن باید حق تقدم وسایل نقلیه و عابران پیاده را رعایت کرد

گردش قلاب‌وار hook turn
نوعی گردش به چپ که در آن راننده یا دوچرخه‌سوار از منتهی‌الیه سمت راست تقاطع و از مقابل جریان منقطع، پس از سبز شدن چراغ عبور می‌کند

گردش مجاز permitted turning
نوعی گردش در تقاطع که زمان جداگانه‌ای به آن اختصاص داده نشده باشد

گروه platoon
دسته‌ای از وسایل نقلیه که به دلیل وضعیت چراغ‌های راهنمایی یا هندسهٔ راه با یکدیگر حرکت می‌کنند

گروه هم‌پیمایی car pool[2]
گروهی از افراد که برای رفت‌وبرگشت به محلی مشترک هر بار از خودروِ یکی از افراد گروه استفاده کنند

گره node
نقطهٔ حاصل از تلاقی چند راه در شبکهٔ ارتباطی که به‌عنوان جایگاه آماری از آن استفاده شود

گلوگاه bottleneck
بخشی از معبر که حجم تردد در آن بیش از ظرفیت باشد

گنجایش معادل سواری
automobile equivalent unit, AEU
میزان گنجایش خودروبَر برای حمل وسایل نقلیه که با توجه به مساحت اشغال‌شده با خودروها در مقایسه با یک خودروِ استاندارد یا سواری محاسبه می‌شود

ل

لایهٔ تحکیم capping layer
لایه‌ای که برای استحکام بیشتر بستر و امکان متراکم کردن لایهٔ زیراساس و همچنین لایه‌های روی آن ایجاد می‌شود

لایهٔ تسطیح levelling course
لایه‌ای از مصالح که برای از بین بردن ناهمواری‌های زمین، قبل از شروع عملیات لایه‌ریزی، بر روی سطح قرار می‌گیرد

لایه‌ریز finisher
دستگاهی در راه‌سازی برای زیرسازی یا یکدست کردن روکش سطح جاده یا پیاده‌رو

لایه‌کوب compactor
دستگاهی که با آن لایه‌های خاکی جاده را برای متراکم کردن می‌کوبند

لچکی taper
قطعه‌ای از راه که برای هم‌ساز شدن جهت و سرعت حرکت وسایل نقلیهٔ ورودی با جهت و سرعت حرکت وسایل نقلیهٔ راه اصلی ساخته شود

لچکی پهلوگاه bay taper
مکانی که از لبهٔ چپ خط حرکت مستقیم شروع می‌شود و تا جایی که عرض خط انتظار گردش به چپ کامل می‌شود، ادامه می‌یابد
مترـ . **لچکی خط انتظار**

لچکی خروج departure taper
فاصلهٔ بین نقطه‌ای که از آنجا خودروهای دورشونده از تقاطع به سمت چپ هدایت می‌شوند تا نقطه‌ای که این راه با راه اصلی موازی می‌شود

لچکی خط انتظار
← لچکی پهلوگاه

لچکی ورود approach taper
فاصلهٔ بین نقطه‌ای که از آنجا خودروهـای نزدیک‌شونده به تقاطع تا ابتدای محل خط انتظار به سمت راست هدایت می‌شود

لرزانه vibrator
دستگاهی برای خارج کردن حباب‌های هوا از داخل بتن تازه

لقی‌گیری mudjacking
فرایند تحکیم دال بتنی با تزریق سیمان یا ملاط یا قیر در زیر آن

م

ماشین آسفالت‌تراش milling vehicle

ماشینی با تجهیزات یکپارچه، ازجمله غلتک چرخشی بُرنده، برای تراشیدن آسفالت

ماشین بازیافت گرم آسفالت hot-in-place asphalt recycling machine

ماشینی که عملیات بازیافت گرم آسفالت را انجام می‌دهد

ماکادام macadam

لایه‌ای متشکل از سنگ شکستهٔ درشت و ماسه که پس از کوبیده شدن به‌عنوان لایهٔ تحتانی زیراساس به کار می‌رود

ماندگاه layover zone

مکانی مشخص برای توقف وسایل نقلیهٔ عمومی که در نزدیکی آخر مسیر یا آخر خط یا در نقطهٔ بازگشت قرار دارد

ماندهٔ تردد ممکن برآوردی initial estimated remaining service traffic

میزان تردد ممکن که بر مبنای داده‌های هندسهٔ راه، بلافاصله پس از ساخت یا بازسازی یا تغییر شرایط، برآورد می‌شود

ماندهٔ عمر مفید برآوردی initial estimated remaining service life

عمر مفید که بر مبنای وضعیت سازهٔ راه، بلافاصله پس از ساخت یا بازسازی یا تعویض یا تغییر شرایط، برآورد می‌شود

مانع موقت temporary barrier

مانعی برای جلوگیری از ورود وسایل نقلیه به محوطه‌های ساخت‌وساز یا عملیات نگهداری و مرمت راه که درعین‌حال به دلیل خاصیت ضربه‌گیری از شدت برخوردهای احتمالی و خسارات ناشی از آنها می‌کاهد

مبنای تعیین کرایه fare basis
ضوابطی که شرکت حمل‌ونقل برای مدیریت ظرفیت، با در نظر گرفتن عوامل متعددی مانند فصل و طول سفر و تعداد مسافر و لغو بلیت تعیین می‌کند

متوسط تردد روزانه
average daily traffic
تعداد متوسط وسایل نقلیهٔ عبوری از نقطه‌ای مشخص در طول یک شبانه‌روز

متوسط سالیانهٔ تردد روزانه
annual average daily traffic
میانگین تردد شمارش‌شده در تمام روزهای سال

متوسط سالیانهٔ تردد روز کاری
annual average weekday traffic
میانگین تردد شمارش‌شده در روزهای کاری

متوسط طول سفر
average trip length
نسبت مجموع مسافت‌های طی‌شده توسط مسافر به تعداد سفرها

متوسط عمر بدون خرابی
meantime between failure, MTBF
عمر میانگین وسیلهٔ بازسازی‌شده بین دو خرابی پی‌درپی

مجاور ← چراغ مجاور

محدودهٔ اتوبوس‌پذیر
transit-supportive area, bus coverage area
محدوده‌ای دارای جمعیت متراکم یا اشتغال مناسب که بتواند مسافر لازم برای یک سامانهٔ حمل‌ونقل عمومی ساعتی با مسیر ثابت را تأمین کند

محدودهٔ اداری
institutional district
محدوده‌ای در مجاورت مراکز فعالیت یا محدودهٔ تجاری مرکزی برای استفادهٔ ادارات دولتی

محدودهٔ بلیت‌داران
fare paid area, paid area
محوطه‌ای محصور با مانع یا دروازهٔ ورودی یا سازه‌های دیگر در ایستگاه یا پایانه که به کسانی که کرایهٔ خود را پرداخت کرده‌اند اختصاص داده شده است

محدودهٔ تجاری مرکزی
central business district
محدودهٔ مرکزی شهرها که عمدتاً دارای کاربری اداری و تجاری است و تردد در آنها زیاد است

محدودهٔ تداخلی conflict zone
محدوده‌ای از تقاطع که شامل اولین نقطه تا آخرین نقطهٔ تداخل است

محدودهٔ تردد محلی
local traffic area

حیطـهٔ تـردد در محلـه‌ای محصـور در خیابـان‌هـای شـریانی یـا عوارضـی ماننـد رودخانه یا خط آهن یا موانع گذرناپذیر

محدودهٔ تصادف accident site

محـدوده‌ای کـه شـامل محـل تصـادف و دست‌کـم صـد متـر پـیش یـا پـس از آن می‌شود

محدودهٔ رواناب catchment area

بخشی از سطح جاده کـه بـه دلیـل وجـود عوارض خاصی، آب باران جاری‌شده در آن به نقطهٔ مشخصی هدایت می‌شود

محدودهٔ سبقت ممنوع
no passing zone

بخشـی از یـک راه دوطرفـهٔ دوخطـه کـه سبقت گرفتن در یک یا هـر دو جهـت آن ممنوع است

محدودهٔ فراکاهش
ultra-low emission zone, ULEZ

محدودهٔ کاهشـی کـه مجـوز ورود بـه آن مستلزم گذراندن آزمایش‌های معاینهٔ فنـی با معیارهای سخت‌گیرانه‌تری است

محدودهٔ کارگاهی work zone

بخشـی از راه کـه عملیـات نگهـداری و سـاخت‌وسـاز در آن صـورت مـی‌گیـرد و درنتیجه بر تعداد خطوط عبور وسایل نقلیه و نحوهٔ تردد آنها اثر می‌گذارد

محدودهٔ کاهش
← محدودهٔ کاهش آلـودگی هـوای شهر

محدودهٔ کاهش آلودگی هوای شهر
low emission zone

محدوده‌ای کـه خودروهـای آلاینـده حـق ورود به آن را ندارند
/ختـ/ . **محدودهٔ کاهش، کاهش*** LEZ
* «کـاهش» سـرواژه‌ای اسـت در برابـر **LEZ** که از حروف اول عبـارت «کـاهش آلودگی هوای شهر» اخذ شده است

محله local area

محدوده‌ای که فقـط شـامل خیابـان‌هـای جمـع‌کننـده و پخـش‌کننـده اسـت و خیابـان‌هـای شـریانی یـا عوارضـی ماننـد رودخانه یا خط‌آهن یا محدوده‌های توسـعهٔ شهری آن را محصور کرده‌اند

محور axle

میله یا سازه‌ای که چرخ‌های خودرو بـه دو سر آن نصب می‌شود

محور اصلی main line, main road

جاده‌ای اصلی که تمام یا بخش اعظم تردد میـان دو نقطـهٔ مشـخص در آن صـورت می‌گیرد

محوطهٔ بارگیری loading dock

محوطه‌ای خاص برای تخلیـه و بـارگیری خودروهای باربری که اغلب دارای سکویی بلند و مناسب برای انجام چنـین عملیـاتی است

محوطهٔ مسافر انتقالی
transfer passenger area

فضای اختصاص‌یافته برای مسافران انتقالی

مخزن جداساز interceptor tank
مخزنی چندخانه برای جلوگیری از ورود آلاینده‌ها به سامانهٔ فاضلاب که در چند مرحله آلاینده‌ها را جذب می‌کند

مخلوط آسفالت سفت
harsh asphalt mix

مخلوط آسفالتی که به‌دلیل ثبات زیاد، امکان پخش شدن و کوبیده شدن اندکی دارد

مخلوط‌ساز batching plant
دستگاهی که نسبت مواد مورد نیاز برای تولید یک محصول، مانند سیمان، بتون، آسفالت، را تعیین و پس از مخلوط کردن آنها محصول نهایی را تهیه می‌کند

مدار آشکارساز detector loop
مداری حلقوی که برای آگاهی از عبور وسایل نقلیه در سطح سواره‌رو تعبیه می‌شود

مدت اختلاط تر
wet mixing time

مدت‌زمانی که درطی آن، همراه با افزودن مواد چسبنده، سنگ‌دانه‌ها و مواد پرکننده‌ای که پیش‌تر در مخلوط‌کن کارخانهٔ اختلاط آمیخته شده‌اند، با یکدیگر مخلوط می‌شوند

مدت اختلاط خشک
dry mixing time

مدت‌زمانی که درطی آن، فارغ ازهرگونه مواد چسبنده، سنگ‌دانه‌ها و مواد پرکننده در مخلوط‌کن کارخانهٔ اختلاط با یکدیگر مخلوط می‌شوند

مدت اختلاط کل
total mixing time

مجموع مدت‌زمان‌های اختلاط خشک و اختلاط تر

مدت انتظار واشد
gap expectancy

مدت‌زمان وقوع یک واشد در یک مسیر
مترـ. **انتظار واشد**

مدت ایست dwell time
زمان معین توقف وسیلهٔ نقلیهٔ همگانی یا قطار که شامل زمان لازم برای پیاده و سوار کردن مسافر و باز و بسته شدن درها و استقرار مسافران در جای خود است

مدت پیاده‌ـمقصد egress time
مدت زمانی در سفر که از پیاده شدن از وسیلهٔ نقلیه تا رسیدن به مقصد را در بر می‌گیرد

مدت توقف اجباری stopped time
مدت‌زمان توقف در یک سفر به دلیل توقف جریان تردد

مدت چرخه cycle time
مجموع زمان‌های تنظیم حرکت در تقاطع در یک نوبت

مدت خواب downtime
وقفه در خدمات‌دهی وسایل نقلیه برای تعویض یا تعمیر یا تأمین قطعات آنها

مدت درخواست ـ پاسخ response time
در خدمات تقاضامحور، مدت‌زمان بین درخواست مسافر تا زمان سوار شدن او

مدت زمان انتقال transfer time
مدت‌زمان لازم برای انتقال مسافر از یک شیوهٔ حمل‌ونقل به شیوهٔ دیگر یا از یک خط به خط دیگر

مدت‌زمان پیاده شدن alighting time
مدت‌زمان خروج مسافر از وسیلهٔ نقلیهٔ عمومی که برحسب مدت‌زمان پیاده شدن هر مسافر یا کل زمان لازم برای پیاده شدن همهٔ مسافران محاسبه می‌شود

مدت‌زمان سوار شدن boarding time
مدت‌زمان سوار شدن مسافر به‌وسیلهٔ نقلیهٔ عمومی که برحسب مدت‌زمان لازم برای سوار شدن هر مسافر یا کل زمان لازم برای سوار شدن همهٔ مسافران محاسبه می‌شود

مدت سفر journey time
مدت‌زمان صرف‌شده در سفر بین دو حوزه، از لحظهٔ خروج از توقفگاه تا توقف در مقصد

مدت سیر operating time
مدت‌زمانی که عملاً و با احتساب زمان‌های توقف لازم است تا یک واحد حمل‌ونقل عمومی برای رفتن از نقطه‌ای به نقطهٔ دیگر طی کند

مدت کار platform time, work time
۱. مدت‌زمانی که یک واحد حمل‌ونقل عمومی فعالیت درآمدزا دارد۲. مدت‌زمانی که بهره‌بردار مکلف است با وسیلهٔ نقلیهٔ عمومی به ارائهٔ خدمات بپردازد۳. مدت‌زمانی که بهره‌بردار عملاً به ارائهٔ خدمات می‌پردازد

مدت مسافرت travel time, journey duration
مدت‌زمان سفر وسیلهٔ نقلیه در مسیری با مبدأ و مقصد معین

مدل احتمالاتی probabilistic model
مدلی براساس این فرض که جریان‌های سفر را نمی‌توان با قطعیت پیش‌بینی کرد، بنابراین، در الگوریتم/ خوارزمی آن از روش‌های احتمالاتی استفاده می‌شود

مدل تخصیص فعالیت activity allocation model
مدلی برای پیش‌بینی توزیع جغرافیایی فعالیت‌های مختلف

مدل تردد traffic model

نوعی معادلهٔ ریاضی یا فن‌نگاره‌ای که برای شبیه‌سازی شدآمد، به‌ویژه در محدودهٔ شهری یا آزادراه، به کار می‌رود

مدل تسهیم share model

مدلی برای پیش‌بینی تقاضا که در آن مجموع سفرها به اجزای تشکیل‌دهندهٔ آنها تقسیم می‌شود

مدل تسهیم کلی
general share model

مدلی که در آن سهم عوامل مختلف یک سفر، مانند وسیلهٔ نقلیه، از یک مبدأ به یک مقصد مشخص تعیین می‌شود

مدل تقاضا demand model, demand forecasting model

مدلی که نسبت میان میزان سفر و سطح و قیمت خدمات حمل‌ونقل و مشخصات اجتماعی ــ اقتصادی مسافر را مشخص می‌کند

مدل تقاضای تجمیعی
aggregate demand model

مدلی که با توجه به سفرهای افراد به واحدهای جغرافیایی یا جمعیت‌شناختی واسنجی می‌شود و ازطریق آن، چنان‌چه ویژگی‌های خدماتی و حجم واحدها تغییر کند، جریان‌های سفری جدید تخمین زده می‌شود

مدل تقاضای تفریقی
disaggregate demand model

مدلی که با استفاده از مشاهدهٔ مستقیم رفتار سفری افراد واسنجی می‌شود و معمولاً بر مبنای مدل احتمالاتی شکل می‌گیرد

مدل تقاضای مستقیم
direct demand model

مدلی که براساس آن گزینه‌های مختلف سفرهای گروهی و انفرادی هم‌زمان پیش‌بینی می‌شود

مدل توالی sequential model

نوعی مدل تقاضا مبتنی‌بر این فرض که تصمیمات مربوط به سفر با توجه به سلسله‌عواملی، مانند وضعیت هوا، تعداد سفر، مقصد، وسیلهٔ سفر و مسیر سفر، اتخاذ می‌شود

مدل چندگزینه‌ای
multiple choice model

مدلی که تنها به انتخاب دو گزینه محدود نیست و امکان استفاده از گزینه‌های مختلف در زمینه‌هایی مانند شیوه و مسیر و زمان و خصوصیات دیگر سفر را نیز پیش‌بینی می‌کند

مدل چهارمرحله‌ای
four-step model

الگوی پیش‌بینی سفر، شامل چهار مرحلهٔ ایجاد سفر و توزیع سفر و انتخاب وسیله و تخصیص سفر

مدل دوگزینه‌ای
binary choice model

نوعی مدل تقاضا برای تولید سفر و انتخاب طرز سفر، مبتنی‌بر این فرض که سفرکنندگان یکی از دو گزینهٔ ممکن را انتخاب می‌کنند

مدل رشد ناحیه‌ای
regional growth model

مدلی برای برآورد کاربری‌های زمین در یک ناحیه

مدل سفرگزینی
mode choice model,
modal choice model

مدلی برای پیش‌بینی سهم هریک از شیوه‌های حمل‌ونقل موجود از تعداد کل نفرسفرها

مدل شبکهٔ ترکیبی
composite network model

الگویی برای گروهی از خطوط به‌هم‌پیوستهٔ مجموعه‌ای از امکانات و مسیرهای موجود یا پیشنهادی به‌منظور استفاده از شکل‌های مختلف حمل‌ونقل

مدل شبیه‌سازی
simulation model

مدلی که واقعیت‌های شدآمدی را با استفاده از رویدادهای ریاضی و واکنش به این رویدادها به‌صورتی نشان می‌دهد که شبیه به رابطهٔ علت و معلولی در یک سامانهٔ واقعی است

مدل ضریب رشد
growth factor model

روشی برای توزیع سفرهای انجام‌شده بین مبدأ و مقصد بر پایهٔ ضریب رشد سفر در مبدأ و مقصد و تبادل سفر

مدل فرصت‌های مناسب
intervening opportunities model

مدلی ریاضی مبتنی‌بر نظریهٔ احتمالات که سفرها را از یک حوزه به حوزهٔ دیگر توزیع می‌کند و نزدیکی یا دوری مقصد سفرها در رده‌بندی اولویت ندارد

مدل قطعیتی
deterministic model

مدلی که ارتباط میان عناصر یک سامانه را با قطعیت کامل برحسب مقادیر مطلق بیان می‌کند

مدل کاربری زمین
land use model

مدلی برای پیش‌بینی مکان‌های مربوط به فعالیت‌های مختلف شهری با توجه به رشد کلی ناحیه و سامانهٔ حمل‌ونقل و سایر عوامل

مدل گرانشی gravity model

مدل ریاضی توزیع سفر که با تعداد سفر بین دو ناحیه و حجم فعالیت در هریک از دو ناحیه نسبت مستقیم و با سختی سفر بین دو ناحیه نسبت عکس دارد

مدل گزینهٔ انتزاعی
abstract choice model

مدلی مبتنی‌بر این فرض که شناسایی متغیرهای ناظر بر گزینهٔ سفر، یعنی طرز سفر و مقصد و زمان سفر و ویژگی‌هایی از این قبیل، لازم نیست، بلکه باید ویژگی‌هایی مانند متغیرهایی که سطح خدمات را مشخص می‌کنند شناسایی شوند

مدل هم‌زمانی
simultaneous model

مدل پیش‌بینی تقاضا مبتنی‌بر این فرض که مسافران بسامد سفر و زمان سفر و مقصد و وسیلهٔ سفر و مسیر را هم‌زمان در نظر می‌گیرند و باتوجه به هر انتخاب، گزینه‌های جانشینی در نظر می‌گیرند

مدیریت آزادراه
freeway management

فعالیت‌های مبتنی‌بر طیفی از ابزارهای هوشمند که جریان آمدوشد را به‌صورت منسجم و یکپارچه در آزادراه‌ها مدیریت می‌کند

مدیریت پویای سرعت تردد
dynamic traffic speed management, DTSM

مدیریت سرعت در جریان‌های تردد براساس شرایط موجود جریان و با هدف بهبود سرعت تردد و افزایش ایمنی حرکت خودرو

مدیریت تردد محلی
local area traffic management, LATM

ایمن‌سازی و سکونت‌پذیرسازی خیابان‌های محلی با بهره‌گیری از تجهیزات و موانع فیزیکی و روش‌های غیرفیزیکی

مدیریت تقاضای حمل‌ونقل
transportation demand management, TDM

راهبردهای به‌کارگیری شیوه‌های کم‌هزینه در بالابردن بازدهی سامانهٔ حمل‌ونقل

مدیریت جابه‌جایی
mobility management, travel demand management

مدیریت تقاضای سفر

مدیریت سامانه‌های حمل‌ونقل
transportation systems management, TSM

مجموعه تدابیر و برنامه‌های کم‌هزینهٔ بهبود سامانهٔ حمل‌ونقل برای رسیدن به کارایی مطلوب

مدیریت فاصلهٔ گذر
headway management

روشی مدیریتی در عملکرد واحدهای حمل‌ونقل عمومی که به جای تبعیت از زمان‌بندی در یک مسیر بر حفظ فاصلهٔ معین بین واحدها تأکید دارد

مرحله phase
تقسیمات زمانی چراغ راهنمایی در یک چرخه

مرحله‌بندی phasing
تنظیم زمان برای تفکیک حرکت وسایل نقلیه و عابران در انشعابات یک تقاطع

مرحله‌بندی چپ‌گرد پیشین ـ پسین
lead-lag left turn phasing
مرحله‌بندی چراغ راهنمایی که با گردش به چپ پیشین یک شاخه از تقاطع شروع می‌شود و سپس مرحلهٔ عبور مستقیم صورت می‌گیرد و در پایان گردش به چپ پسینِ جهت مقابل انجام می‌شود

مرحلهٔ تمام‌سبز عابر
exclusive pedestrian phase
مرحله‌ای از چرخهٔ چراغ در یک تقاطع که در آن همهٔ چراغ‌های عابر پیاده سبز و همهٔ چراغ‌های وسایل نقلیه قرمز است و درحالی‌که وسایل نقلیه متوقف‌اند عابران پیاده اجازهٔ عبور هم‌زمان دارند
مترـ **تمام‌سبز عابر**

مرکز ایستگاهی transit centre
ایستگاهی که محل تلاقی چند مسیر یا خطوط وسایل نقلیهٔ مختلف است

مرکز فرمان control centre
اتاقی برای تنظیم علائم که فرایند هدایت در محدودهٔ وسیعی از مسیرها از آنجا صورت می‌گیرد

مزاحمت جانبی
marginal friction[2]
هر عامل بازدارندهٔ جریان آزاد حرکت در لبه‌های راه یا خط عبور در خارج از تقاطع‌ها

مساحت خالص تماس
net contact area
مساحت سطح تماس برجای‌مانده از عبور تایر بر سطح صاف منهای مساحت کل آثار برجای‌مانده از شیارهای آن

مسافت دید بینابینی
intermediate sight distance
مسافت لازم برای توقف دو خودرو برای اجتناب از برخورد، در مسیر دو طرفه

مسافت دیدواضح
legibility distance
بیشترین فاصله‌ای که انواع علائم یا ابزارهای هدایت و نظارت بر تردد در شرایط عملکرد معمولی، هنگامی که هیچ مانعی برای دید وجود ندارد، به‌وضوح دیده می‌شوند

مسافت‌نما distance marker
تابلویی برای نشان دادن مسافت طی‌شده از مهم‌ترین شهرهای مسیر یا مسافت باقی‌مانده تا آنها

مسافر passenger trip
فردی که با استفاده از وسیلهٔ نقلیهٔ از یک مبدأ به مقصدی سفر می‌کند

مسافر انتقالی transfer passenger
مسافری که برای رسیدن به یک مقصد مشخص از یک مسیر یا خط به مسیر یا خط دیگر انتقال می‌یابد

مسافر ایستاده standees
تعداد مسافران ایستاده در یک وسیلهٔ نقلیهٔ عمومی

مسافرپذیری loading[2]
سهم بارپذیری وسایل نقلیهٔ عمومی

مسافر پولی revenue passenger
مسافری که به‌صورت نقدی یا پیش‌پرداخت کرایه می‌پردازد

مسافر حومه‌ـشهری commuter
مسافری که برای مراجعه به منزل یا رفتن به محل کار خود از حومه به داخل شهر یا برعکس سفر می‌کند

مسافرشمار خودکار automatic passenger counter, APC
سامانه‌ای خودکار برای شمارش مسافران ورودی و خروجی یک وسیلهٔ نقلیهٔ عمومی

مسافرکیلومتر passenger kilometers
تعداد کل مسافران سامانهٔ حمل‌ونقل عمومی در واحد زمان ضربدر مسافت سفر به کیلومتر

مسافر گذری transit passenger
مسافری که از کشوری به قصد کشور دیگر، از کشور ثالث عبور کند

مسافر مختار choice rider
شخصی که امکان استفاده از حداقل دو نوع وسیلهٔ نقلیه را برای انجام یک سفر مشخص دارد

مسافر ناگزیر captive rider
شخصی که به دلایلی مجبور به استفاده از یک نوع سامانهٔ حمل‌ونقل است

مسافر ناگزیر عمومی captive transit rider
شخصی که وسیلهٔ نقلیهٔ شخصی ندارد یا قادر به رانندگی نیست و ناچار است از وسایل نقلیهٔ عمومی استفاده کند

مسیر[1] path
در برنامه‌ریزی شهری، مجموعه‌ای از رابط‌ها که در آن همیشه گره پایانیِ رابط قبلی در حکم گره آغازینِ رابط بعدی است

مسیر[2] route
خط سیر وسیلهٔ نقلیهٔ یا مسافر از مبدأ تا مقصد

مسیر افراد کم‌توان accessible travel path
مسیری بی‌مانع برای ورود به ساختمان یا جابه‌جایی در داخل آن برای افراد کم‌توان پیاده یا دارای صندلی چرخ‌دار از توقفگاه تا هر نقطه‌ای که موردنظر باشد

مسیر پرتاب exit trajectory
مسیری که خودرو پس از آخرین برخورد با مانع ایمنی جاده (road safety barrier) طی می‌کند

مسیر تغییریافته diverted traffic, diverted demand
مسیری که تحت تأثیر تغییر کاربری زمین یا هر دلیل دیگر تغییر کند، بی‌آنکه مبدأ و مقصد و وسیلهٔ سفر عوض شود

مسیر دوچرخه bicycle lane, cycle lane, bicycle route
قسمتی از معبر یا حریم راه که برای استفادهٔ اختصاصی دوچرخه طراحی شود

مسیردهی channelization
هدایت جریان تردد در مسیر یا مسیرهای مورد نظر

مسیردهی پویا dynamic routing
روند دائمی تصحیح مسیرها باتوجه‌به تقاضا در سامانه‌های حمل‌ونقل تقاضامدار

مسیردهی‌شده channelized
ویژگی جریان ترددی که در مسیر یا مسیرهای مورد نظر هدایت شده باشد

مسیر کمینه minimum path
مسیر سفر بین دو نقطه که کمترین موانع ازجمله تقاطع و چراغ راهنمایی را دارد

مسیر کُندرو partial collector road
بخشی از خیابان در حاشیهٔ محور شریانی که شدآمد خیابان‌های فرعی را به این محور هدایت می‌کند
مت. **کُندرو**

مسیر گردش کمینه minimum turning path
مسیری که نقطه‌ای مشخص از خودرو در تیزترین گردش طی می‌کند

مسیر موقت detour
راهی که به‌طور موقت بین دو نقطه از راه اصلی کشیده شود

مسیریابی route location
بررسی مسیرهای مختلف بین دو نقطه برای انتخاب مسیر بهینه

مصالح به‌ساخته modified material
مصالحی که با کاهش قابلیت ارتجاعی دانه‌بندی و بدون افزایش سختی کارایی بیشتری پیدا کرده باشد

مصالح پُرکننده added filler
مواد معدنی مناسب برای استفاده در آسفالت، شامل سیمان و پرخاکستر و قلوه‌سنگ و خاک‌سنگ، که به مخلوط آسفالت و مصالح دانه‌ای اضافه می‌شود

مصرف سوخت
fuel consumption, fuel burn
حجم یا جرم مشخصی از سوخت که در موتورها در واحد زمان مصرف می‌شود

معاینهٔ محدودهٔ کاهش
low emission zone check
آزمایشی که برای ورود خودروها به محدودهٔ کاهش از خودروها به عمل می‌آید

معبر عمومی public way
تمام قسمت‌های خیابان و جاده و بلوار و کوچه و بزرگراه که برای استفادهٔ عابران پیاده و دوچرخه و خودرو در نظر گرفته شده است

مغزه core
ستونی که به‌صورت نمونه با گُمانه‌زنی از لایه‌های راه استخراج می‌شود

مقابل ← چراغ مقابل

منحنی بروکنر
mass haul diagram,
mass haul curve
منحنی‌ای که براساس مسافت ترسیم می‌شود و نشان‌دهندهٔ سطح مقطع‌های عرضی خاک‌برداری و خاک‌ریزی و نیز مسافت حمل مصالح است

منحنی حجم
← منحنی حجم عملیات خاکی

منحنی حجم عملیات خاکی
mass diagram
منحنی‌ای که براساس طول راه ترسیم می‌شود و برای هر نقطه از راه جمع جبری حجم خاک‌برداری و خاک‌ریزی را از ابتدای عملیات خاکی یا هر مبدأ دیگری نشان می‌دهد
مت. **منحنی حجم**

منطقهٔ چندمنظوره
multiple-use area
بخشی از حریم راه که غیر از حمل‌ونقل، کاربردهای دیگری نیز دارد

منطقهٔ رایگان free area
محدوده‌ای که در آن حمل‌ونقل مسافر بدون دریافت وجه صورت می‌گیرد

منظرآلایی visual pollution
وجود ناهنجاری و زشتی در دیدرس

منگول siphon
لولهٔ انتقال‌دهندهٔ آب از زیر سطح یک مانع با استفاده از دو شترگلو یکی در ابتدای لوله برای رساندن سطح آب به ارتفاعی پایین‌تر و یکی در انتهای لوله برای بازگرداندن آن به سطح تراز اولیه
مت. **سیفون**

موج سبز coordinated signal
شبکه‌ای از چراغ‌های راهنمایی هماهنگ‌شده در یک محور برای عبور سریع وسایل نقلیه از تمام تقاطع‌های آن

موقعیت جانبی اولیه
initial lateral position

وضعیت جانبی وسیلهٔ نقلیه پیش از اولین تغییر جهت

مهارافزار پیشرفته
advanced vehicle control system, AVCS

سامانه‌ای که امکان واپایش و هدایت خودکار وسیلهٔ نقلیه را بدون نیاز به دخالت راننده امکان‌پذیر می‌سازد و قادر است از میزان و شدت تصادفات و درنتیجه از خسارات جانی و مالی به‌طرز چشمگیری بکاهد

مهارگاه escape road

راه‌گَردهایی که برای متوقف کردن خودروی که راننده قادر به مهار آن نیست، طراحی می‌شود؛ به این منظور از بسترهای بازدارندهٔ شنی یا سربالایی یا ترکیبی از هر دو استفاده می‌شود

میانا ← میانای حفاظ

میانای حفاظ barrier interface

نوعی حفاظ واسط برای اتصال دو حفاظ ایمنی با مشخصات عملکردی مختلف
مترـ **میانا**

میانگاه median strip, median

نوار جداکنندهٔ دو جهت حرکت در بزرگراه و آزادراه

میانگاه بین تقاطعی
midblock median

جزیرهٔ میانگاهی هم‌سطح یا بالاتر از سطح راه در امتداد خط وسط، که سواره‌رو را برای ایجاد فضایی امن برای عبور عابر پیاده باریک می‌کند

میانگین خودروسوارگان
average vehicle ridership, AVR

نسبت کل مسافران همهٔ شیوه‌های حمل‌ونقل در محدوده‌ای معین و در بازهٔ زمانی مشخص به تعداد سفرهای انجام‌شده با خودروهای شخصی در همان محدوده و در همان زمان

میانگین زمان تشخیص
meantime to detect, MTTD

متوسط زمان بین وقوع خرابی و زمان تشخیص آن

میانگین زمان تعمیر
meantime to repair

زمان کل مجموع اقدامات مربوط به نگهداری اصلاحی تقسیم بر دفعات اقدام در بازهٔ زمانی مشخص

میانگین سرعت قطعه‌راه
space mean speed, average travel speed

میانگین سرعت جریان عبور که با توجه به نسبت طول یک قطعه از راه به میانگین زمان سفر وسایل نقلیه در آن قطعه محاسبه می‌شود

میانگین سرعت لحظه‌ای
time mean speed

میانگین سرعت خودروهایی که از یک نقطه در راه یا خط عبور گذر می‌کنند

میانگین طول صف
mean queue length

شمار متوسط خودروهای درحال‌انتظار پشت خط ایست در شروع زمان سبز

میدان چندخطه
multilane roundabout

میدانی با یک یا چند ورودی یا خروجی که شماری از سواره‌روهای اطراف آن یا همهٔ آنها دو یا چند خط عبور داشته باشند

میزان اشغال occupancy rate

تعداد خودرو برحسب طول خودروِ سواری در هر خط عبور، در زمان معین

میزان اشغال خودرو
vehicle occupancy

تعداد سرنشینانی که در مدتی معین سوار یک وسیلهٔ نقلیه‌اند

میزان جریان rate of flow

تعداد مسافر یا وسیلهٔ نقلیهٔ عبوری از نقطه‌ای معلوم که در یک دورهٔ زمانی معین برحسب ساعت شمارش می‌شوند

میزان جریان پیاده
pedestrian flow rate

تعداد افرادی که از یک نقطه در واحد زمان پیاده عبور می‌کنند

میزان جریان خدمت‌دهی
service flow rate

حداکثر تعداد افراد یا وسایل نقلیه‌ای که می‌توانند به‌طور پیوسته در وضعیت عادی و در زمان مشخص از قطعه‌ای از راه، مطابق با مقررات و با حفظ سطح کارایی، تردد کنند

میزان عمومی‌سواری
riding habits

میزان تمایل به استفاده از حمل‌ونقل عمومی در یک محدودهٔ مشخص نسبت به جمعیت آن محدوده

میلهٔ اتصال tie bar

میلهٔ فولادی خمیده‌ای که در محل اتصال تاوه‌ها برای جلوگیری از جدا شدن آنها از یکدیگر کار می‌گذارند

میلهٔ انتظار holding rail

میله‌ای که دوچرخه‌سواران در زمان توقف با دست آن را می‌گیرند تا، بدون برداشتن پا از روی رکاب، آمادگی حرکت خود را برای عبور از تقاطع حفظ کنند

متـ. **میلهٔ انتظار دوچرخه‌سوار**
cyclists holding rail

میلهٔ انتظار دوچرخه‌سوار
← میلهٔ انتظار

میلهٔ لبه‌نما guide post

میله‌ای برای مشخص کردن لبهٔ سواره‌رو

ن

ناوبَری navigation
علم و مهارت هدایت و واپایی وسایل نقلیه اعـــم از دریـــایی و هـــوایی و ریلـــی و درون‌شهری و جاده‌ای

ناوگان fleet, rolling stock
تعـــداد وســـایل نقلیـــه در یـــک ســـامانهٔ حمل‌ونقل

ناوگان مبنا base period fleet
واحدهای حمـل‌ونقلـی کـه بـرای اجـرای برنامهٔ دورهٔ مبنا مورد نیاز هستند

ناهم‌سطح‌سازی grade separation
جداسازی عمودی در تقاطع‌ها با استفاده از سازه‌های ناهم‌سطح

نحوهٔ تصادف accident type
چگونگی وقوع تصادف که با بهره‌گیـری از نمادهای قراردادی توصیف می‌شود

نرخ تصادف crash rate
تعداد تصادف در هـر یـک‌میلیـون وسـیلهٔ نقلیه‌ای که وارد تقاطع می‌شود یـا در هـر صـدمیلیون وسـیلهٔ نقلیـه ــ کیلـومتر در قسمت‌هایی از راه

نرخ ساعت اوج peak hour price
نرخ کرایه در ساعات اوج

نرخ‌گذاری ساعت اوج peak hour pricing
تعیین نرخ کرایه در ساعات اوج

نرخ مبنا base rate
مبلغ پرداختی به ازای کـاری کـه در طـی واحدی از زمان انجام می‌شـود؛ ایـن مبلـغ شامل حقوق پایـه و اضـافه‌کـار و پـاداش نمی‌شود

نردهٔ پل bridge railing
حفاظی طولی برای جلوگیری از سقوط وسایل نقلیه از روی پل

نردهٔ حفاظ guardrail
نرده‌هایی که برای کاهش خسارات وارده بر وسایل نقلیه در هنگام برخورد، در کنار مسیر یا فضای میانی نصب می‌شود

نرم‌خراب fail-soft
ویژگی سامانه‌ای که علی‌رغم بروز خرابی، وقفه‌ای در عملکرد آن روی نمی‌دهد و فقط کارایی آن کاهش می‌یابد

نسبت اوج به مبنا
peak/base ratio,
peak/off-peak ratio
۱. نسبت تعداد وسایل نقلیهٔ عمومی در ساعات اوج به ساعت مبنا ۲. نسبت تعداد مسافر جابه‌جاشده در ساعات اوج به ساعت مبنا

نسبت بهره‌برداری
operative ratio
نسبت درآمد حاصل از کرایهٔ حمل‌ونقل عمومی به هزینه‌های بهره‌برداری از خدمات

نسبت جریان flow ratio
نسبت میزان جریان ورودی به میزان جریان اشباع

نسبت سبز green ratio
نسبت زمان سبز مؤثر برای حرکت در یک تقاطع چراغ‌دار به مدت چرخه

نسبت هوا به سوخت
air/fuel ratio
نسبت جرمیِ هوا به سوخت موجود در فرایند احتراق موتور

نشان‌فرست beacon
فرستنده‌ـگیرنده‌ای با بُرد کوتاه که ارتباط بین وسایل نقلیه و مدیریت حمل‌ونقل را امکان‌پذیر می‌سازد

نشانگر طول محوری
road miles indicator
نشانگری که فاصلهٔ محل را تا ایستگاه مبنا نشان می‌دهد

نشانهٔ هم‌راستایی
alignment target
شیئی که از آن در طی فرایند هم‌راستاسازی برای نشان کردن نقطهٔ هم‌راستایی استفاده می‌شود

نشست‌سنج سنگین
heavy weight deflectometer,
HWD
نوعی نشست‌سنج وزنه‌ای که قابلیت وارد آوردن وزن تا ۲۵۰ کیلونیوتن را دارد

نشست‌سنج وزنه‌ای
falling weight deflectometer,
FWD
دستگاهی که بر روی وسیلهٔ نقلیه نصب می‌شود یا وسیلهٔ نقلیه آن را یدک می‌کشد و بار حداکثر ۱۵۰ کیلونیوتنی را از طریق صفحه‌ای به قطر ۳۰ سانتی‌متر و از ارتفاع

صفر تا یک‌ونیم‌متری بر روی سطح رها می‌کند تا میزان جابه‌جایی سطح راه اندازه‌گیری شود

نظارت آزادراه
freeway surveillance

پایش و واپایش لحظه‌به‌لحظهٔ عملکردهای آزادراه

نظام راه اصلی- فرعی
major/minor road system

شیوه‌ای برای نظارت بر شبکهٔ راه که در آن اولویت‌دهی در تقاطع براساس اهمیت نسبی مسیر ورودی تعیین می‌شود

نظام سرعت‌افزایی
acceleration regime

نظام افزایش سرعت سامانهٔ حمل‌ونقل عمومی که خروج وسیلهٔ نقلیه از ایستگاه و توقف و افزایش سرعت آن را تا رسیدن به حداکثر سرعت مطلوب فراهم می‌کند

نظام سرعت‌کاهی
braking regime,
deceleration regime

نظام کاهش سرعت سامانهٔ حمل‌ونقل عمومی که براساس آن وسیلهٔ نقلیه سرعت ثابت خود را کاهش می‌دهد و به‌منظور توقف برای سوار و پیاده کردن مسافر ترمز می‌کند

نقشهٔ جریان flow map
نقشه‌ای که پهنای خطوط ترسیم‌شده در آن نشان‌دهندهٔ حجم تردد در مسیرهای موجود یا پیشنهادی است

نقشهٔ محدودهٔ کاهش
low emission zone map

نقشه‌ای که مرزهای جغرافیایی محدودهٔ کاهش را نشان می‌دهد

نقطهٔ تداخل conflict point
نقطه‌ای که بالقوه محل برخورد وسایل نقلیه است

نقطهٔ تصادف‌خیز
accident blackspot

محلی که در آن شمار یا میزان حوادث رانندگی به‌طور نامعمولی بالا است

نقطهٔ سرشانه hinge point
نقطه‌ای در مقطع عرضی راه که محل تلاقی امتداد خط شیب شیروانی (line batter) با امتداد شانهٔ راه (verge line) است

نقطهٔ هم‌راستایی
alignment point

نقطهٔ مرجع مکانی‌ای که از طریق آن خط محور علائم راهنمایی و رانندگی تنظیم می‌شود تا بیشترین امکان رؤیت‌پذیری حاصل شود

نگهداری پیشگیرانه
preventive maintenance

تعمیر و نگهداری روزانهٔ تجهیزات که برای بهبود عملکرد آنها، براساس دستورکار فنی، و نیز برای پیشگیری از بروز نقص براثر بی‌توجهی انجام می‌شود

نمارنگ signal display
خانهٔ روشن چراغ راهنما

نمایندگی ← دفتر نمایندگی

نمودار تمایل
desire line diagram
مجموعه‌ای از خطوط ترسیم‌شده از مبدأها تا مقصدها که بیانگر حجم سفرهای هر مسیر است

نمودار جریان flow diagram
نموداری که جهت و اندازهٔ تردد را نشان می‌دهد

نمودار حرکت
movement diagram
مجموعه‌نمودارهایی که حرکت مجاز خودروها و عابران پیاده را در هر نوبت از چرخهٔ تغییر چراغ به تصویر می‌کشد

نمودار زمان ـ فاصله
time space diagram
نمودار دوبعدی به‌صورت تابعی از رنگ چراغ و فاصلهٔ بین چراغ‌های تقاطع‌های متوالی مسیر شریانی، برای هماهنگی آنها، به‌نحوی‌که بیشتر از زمان سبز استفاده شود

نمود چراغ راهنمایی
signal aspect
نمای چراغ راهنمایی از دید راننده‌ای که از روبه‌رو به آن نزدیک می‌شود

نوار جداساز dividing strip
سطح یا سازه‌ای که راه را در محور طولی آن تقسیم می‌کند

نیروی دینامیکی چرخ
dynamic wheel forces, dynamic load
نیرویی که از چرخ خودروِ درحال‌حرکت به روسازی یا سازه‌ای با ناهمواری متعادل وارد می‌شود

نیروی طولی longitudinal force
بُردار نیروی تایر در راستای محور طولی حرکت خودرو

نیروی عمودی vertical force
بار عمودی وارد بر روسازی راه

نیمه‌شبدری partial cloverleaf
تقاطع ناهم‌سطح شبدری که کمتر از چهار شاخه داشته باشد

و

واپایش توقف حاشیه‌ای
linear parking control

روشی برای واپایش توقفگاه که در آن با استفاده از علامت‌گذاری، طول محل توقف حاشیه‌ای مجاز و غیرمجاز مشخص می‌شود

واپایش خرابی‌ایمن
fail-safe control

نوعی واپایش خودکار که در هنگام خرابیِ سامانهٔ افزارهٔ واپاییده آن را حفظ می‌کند

واپایش کامل full control

واپایش حرکت گردشی با استفاده از فانوس‌های سه‌خانهٔ پیکان‌دار در یک چراغ شش‌خانه‌ای

واشد gap

وقفهٔ به‌وجودآمده در زنجیرهٔ حرکت وسایل نقلیه در یک مسیر

واشد لازم critical gap

حداقل اندازهٔ واشد که راننده برای گردش به چپ یا ورود به جریان تردد نیاز دارد

ورودی اتوبوس bus gate

ورودی کنار راه‌گَرد یک بزرگراه که مخصوص عبور اتوبوس است

ورودی افراد کم‌توان
accessible entrance

مکان یا مؤسسه یا سازمانی که برای افراد کم‌توان پیاده یا دارای صندلی چرخ‌دار مناسب‌سازی شده است و توقفگاه خودرو نیز دارد

وزن ترکیبی کل
gross combination mass, GCM

۱. حداکثر وزن خودرو پس از بارگیری کامل که سازندهٔ خودرو آن را تعیین می‌کند۲. حداکثر مجموع وزن خودرو کشنده و مجموع بارهای محوری که خودرو قادر به کشیدن آن است

وزن کل پی‌نورد
gross trailer mass, GTM

وزنی که از طریق محور یا محورهای پی‌نورد، هنگامی که به کشنده بسته است و حداکثر بار خود را حمل می‌کند، تقریباً به‌صورت یکنواخت، به زمین منتقل می‌شود

وزن کل خودرو
gross vehicle mass, GVM

مجموع وزن خودروِ بدون بار و حداکثر وزن بار آن

وسیلهٔ آب‌خاکی amphibian

وسیله‌ای که توانایی عمل در دریا و خشکی را یا توأمان داشته باشد

وسیله‌ـ ساعت vehicle hours

مجموعهٔ ساعاتی که از یک وسیلهٔ نقلیهٔ عمومی در خدمت‌رسانی انتفاعی استفاده می‌شود به علاوهٔ ساعاتی که غیرفعال و بی‌بازده است

وسیله‌ـ کیلومتر
vehicle kilometers

مسافتی که یک وسیلهٔ نقلیهٔ عمومی در حالت خدمت‌رسانی انتفاعی می‌پیماید

وسیله‌ـ کیلومتر سفر
vehicle kilometers of travel, VKT

۱. در حمل‌ونقل جاده‌ای، کل مسافت طی‌شده توسط تمام وسایل نقلیه در یک محدوده و در یک بازهٔ زمانی مشخص۲. در حمل‌ونقل عمومی، وسیله‌ـکیلومتری که در یک مسیر یا خط یا شبکهٔ معین و در بازهٔ زمانی مشخص پیموده می‌شود

وسیلهٔ نقلیهٔ همگانی
public service vehicle

وسیلهٔ نقلیه‌ای برای جابه‌جا کردن عموم مردم

وضعیت تردد traffic conditions

شرایط ناظر بر وسایل نقلیه براساس تنوع آنها و توزیع جهتی جریان عبور و نحوهٔ استفاده از خطوط عبور و ویژگی رانندگان آنها در یک محدودهٔ ترددی معین

وضعیت راه
roadway conditions

مشخصات هندسی یک معبر شامل نوع آن و شمار خطوط عبور و پهنای آنها در دو جهت و عرض شانه و سرعت درنظرگرفته‌شده در طراحی و مسیربندی افقی و عمودی

ول‌شدگی کمربند payout

افزایش طول کمربند ایمنی به دلیل درست عمل نکردن قفل آن در هنگام بروز سانحه

ویژگی قطع زودهنگام
early cut-off feature

خصوصیت دستگاه فرمان‌دهی چراغ راهنمایی برای قطع یک حرکت معین، قبل از حرکات دیگر، در همان مرحله

ویژگی‌های خدمات service attributes

جنبه‌هایی از یک سامانهٔ حمل‌ونقل عمومی که در انتخاب مسافر تأثیرگذار است، مانند زمان سفر و قطعیت انجام آن و راحتی و ایمنی و هزینه و میزان شلوغی و احتمال ایستادن مسافر در داخل وسیلهٔ نقلیه

ویژه‌راه frontage road

راه منشعب از راه اصلی برای دسترسی به تأسیسات حاشیهٔ آن

هـ

هادی‌راه guide way

در سامانه‌های جابه‌جایی، معبری که فقط وسایل نقلیهٔ خاص در آن رفت‌وآمد می‌کنند

هادی‌راه گود
open cut guideway

هادی‌راهی که پایین‌تر از سطح طبیعی زمین و در گودی قرار دارد

هادی‌راه هوایی
elevated guideway

هادی‌راه ناهم‌سطح بر روی سازه‌ای که ارتفاع ایمن را برای وسایل نقلیهٔ درحال‌حرکت بر سطح زمین فراهم می‌کند

هزارچرخ bogie

نوعی کفی کمرشکن که دارای محورهای متناسب با میزان بار است و از آن برای حمل بارهای بسیار سنگین به‌منظور کاهش فشار بار بر جاده و وسیلهٔ نقلیه استفاده می‌شود

هماهنگ‌سازی linking, coordination

تنظیم عملکرد سامانهٔ چراغ‌های راهنمایی تقاطع‌های مجزا از یکدیگر در منطقه‌ای بزرگ به کمک سامانهٔ یکپارچهٔ پایش منطقه‌ای

هماهنگ‌سازی محلی
local interlinking

هماهنگ کردن و واپایش چراغ‌های راهنمایی نزدیک‌به‌همی که با رشته‌سیم به هم وصل شده‌اند و واپایش آنها معمولاً با یکی از دستگاه‌های فرمان‌دهی چراغ صورت می‌گیرد

هم‌پیما car-pooler

افراد شرکت‌کننده در برنامهٔ هم‌پیمایی

هم‌پیمایی کردن car-pool[3]
استفادهٔ نوبتی گروهی از افراد از وسایل نقلیهٔ هریک از آنها برای رفت‌وآمد به محلی مشترک

هم‌راستاسازی aligning
فرایند تنظیم خط محور باریکهٔ نور تابیده‌شده از افزارهٔ علامت‌دهی برای آن‌که از نقطهٔ هم‌راستایی علائم بگذرد

هم‌سفران group riders
مسافرانی که مبدأ و مقصدشان یکی است و با یک وسیلهٔ نقلیه همراهِ با هم سفر می‌کنند

هم‌سفری group riding
سفر با یک وسیلهٔ نقلیه همراه با هم و با مبدأ و مقصد مشترک

هم‌سنگ سواری passenger car equivalence
ضریب معادل‌سازی انواع خودروهای بزرگ نظیر اتوبوس با خودروهای سواری؛ محاسبهٔ این ضریب به اندازه و وزن و سرعت خودروها و همچنین خصوصیات جاده، نظیر شیب آن، بستگی دارد

هموارساز bulldozer
خودروی با تیغهٔ پهن فولادی که ناهمواری‌های زمین را برطرف می‌کند

A Collection of
Urban and Rural TransportationTerms

extracted from
Dictionary of Approved Terms by the Academy of Persian Language and Literature

2000-2023

Terminology Department

فهرست واژه‌ها به ترتیب الفبای لاتینی

A

absorbing well → soakaway

absorbtion pit → soakaway

abstract choice model
مدل گزینهٔ انتزاعی

accelerated loading facility
تجهیزات آزمایش بارگذاری *abbr.* ALF

accelerated pavement testing
آزمایش سریع روسازی

accelerated service خدمات پرسرعت

acceleration capability
قابلیت سرعت‌افزایی

acceleration lane خط سرعت‌افزایی

acceleration regime نظام سرعت‌افزایی

accepted gap فرصت عبور

accessibility دسترس‌پذیری

accessibility index
شاخص دسترس‌پذیری

accessible entrance
ورودی افراد کم‌توان

accessible transit system
سامانهٔ جابه‌جایی کم‌توانان

accessible travel path
مسیر افراد کم‌توان

accessible vehicle
خودروِ مناسب کم‌توانان

access road دسترسی

access speed دسترسی به ایستگاه

access time زمان دسترسی

access way دسترسی اختصاصی

accident blackspot نقطهٔ تصادف‌خیز

accident site محدودهٔ تصادف

accident type نحوهٔ تصادف

ACN
→ automatic crash notification

active vehicle خودروِ فعال

activity allocation model
مدل تخصیص فعالیت

activity centre area
→ major activity centre

adaptive traffic control system
سامانهٔ انطباقی تنظیم تردد

added filler مصالح پُرکننده

add fare اضافه‌کرایه

advance direction sign
تابلو پیش‌آگاهی

advance driver assistance
سامانهٔ راننده‌یاری پیش‌آگاه

advanced traffic management system سامانهٔ پیشرفتهٔ مدیریت تردد
abbr. ATMS

advanced traveler information system سامانهٔ پیشرفتهٔ اطلاع‌رسانی سفر
abbr. ATIS

advanced vehicle control system مهارافزار پیشرفته
abbr. AVCS

advisory speed سرعت توصیه‌ای

AEU
→ automobile equivalent unit

agency[1] بنگاه

agency[2] دفتر نمایندگی، نمایندگی

aggregate demand model
مدل تقاضای تجمیعی

AID
→ automatic incident detection

aircushion transportation system سامانهٔ حمل‌ونقل هوابستر

air/fuel ratio نسبت هوا به سوخت

alcohol hours
→ high-alcohol hours

ALF
→ accelerated loading facility

alighting time مدت‌زمان پیاده شدن

aligning هم‌راستاسازی

alignment point نقطهٔ هم‌راستایی

alignment target نشانهٔ هم‌راستایی

all-day transit services
→ regular transit services

alley کوچه

alligator crack
→ crocodile cracking

all-or-nothing trip
تخصیص همه‌یاهیچ سفر، تخصیص همه‌یاهیچ

allowance time زمان مجاز بیکاری، زمان مجاز
syn. bonus time, dead time, hold time

all-red interval زمان تمام‌قرمز

all-stop station ایستگاه اصلی

alternate fuel سوخت جایگزین

amphibian وسیلهٔ آب‌خاکی

angle of impact زاویهٔ برخورد
syn. impact angle

annual average daily traffic
متوسط سالیانهٔ تردد روزانه

annual average weekday traffic
متوسط سالیانهٔ تردد روز کاری

ANPR
→ automatic number plate recognition

APC
→ automatic passenger counter

approach nose جناغی

approach taper لچکی ورود

APS
→ automated parking system

area occupancy ضریب اشغال، ضریب اشغال سطح

arterial class ردهٔ شریانی

arterial road راه شریانی، شریانی

arterial service خدمات شریانی

articulated bus اتوبوس آکاردئونی

ATIS → advanced traveler information system

ATMS
→ advanced traffic management system

autobahn/Autobahn (de.)
→ freeway

auto free area → auto free zone

auto free zone حوزهٔ پیاده‌گرد
syn. auto free area

automated parking system
abbr. APS سامانهٔ توقفگاه خودکار

automatic crash notification
سامانهٔ اطلاع‌رسانی خودکار تصادف
abbr. ACN

automatic incident detection
abbr. AID سامانهٔ تشخیص خودکار واقعه

automatic number plate recognition
abbr. ANPR سامانهٔ تشخیص خودکار پلاک

automatic passenger counter
syn. APC مسافرشمار خودکار

automatic vehicle classification
سامانهٔ طبقه‌بندی خودکار خودرو

automatic vehicle location system سامانهٔ خودرویاب
abbr. AVL system, AVL

automobile equivalent unit
abbr. AEU گنجایش معادل سواری

auxiliary lane خط کمکی

AVCS
→ advanced vehicle control system

average daily traffic
متوسط تردد روزانه

average day روز عادی

average travel speed

→ space mean speed

average trip length متوسط طول سفر

average vehicle ridership

abbr. AVR میانگین خودروسوارگان

AVL

→ automatic vehicle location system

AVL system

→ automatic vehicle location system

AVR

→ average vehicle ridership

axle محور

axle load بار محوری

B

backhaul[1] برگشت باربَر

backhaul[2] سفر برگشت، برگشت[1]

balanced transportation system

سامانهٔ حمل‌ونقل متوازن

balking صف‌گریزی

barricade راه‌بند

barrier-free بی‌مانع

barrier interface میانای حفاظ، میانا

barrier kerb جدول مانع

barrier skirt پاچین راه‌بند

base course قشر اساس

base fare کرایهٔ پایه

syn. basic fare, regular fare

base free flow speed

سرعت جریان آزاد منتخب

base headway فاصلهٔ زمانی پایه

base period دورهٔ مبنا

base period fleet ناوگان مبنا

base rate نرخ مبنا

base run برنامهٔ پایه

base year سال مبنا

basic fare → base fare

batching plant مخلوط‌ساز

bay پهلوگاه[2]

bay taper لچکی پهلوگاه، لچکی خط انتظار

beacon نشان‌فرست

beltway کمربندی

berth clearance time

خالی‌ماند ایستگاه

bicycle lane مسیر دوچرخه

syn. cycle lane, bicycle route

bicycle route → bicycle lane

bi-fuel دوگانه‌سوز

binary choice model مدل دوگزینه‌ای

binder course قشر آستری، آستری

bitumen قیر

black base اساس قیری

boarding time مدت‌زمان سوار شدن

bogie هزارچرخ

bonus time → allowance time

bottleneck گلوگاه

braking regime نظام سرعت‌کاهی

syn. deceleration regime

bridge railing نردهٔ پل

BRT → Bus Rapid Transit

BTS → bus transit system

BTV → bus ticket validator

bulldozer هموارساز

bump دست‌انداز

bund پشته

bus bay پهلوگاه ویژهٔ اتوبوس، پهلوگاه[۲]

bus coverage area

→ transit-supportive area

bus gate ورودی اتوبوس

bus lane خط ویژهٔ اتوبوس

syn. preferential bus lane,
priority bus lane,
exclusive bus lane

bus only street خیابان ویژهٔ اتوبوس

Bus Rapid Transit تندرو

abbr. BRT

bus run برنامهٔ پایه اتوبوس

bus shelter سرپناه

bus stop ایستگاه اتوبوس

syn. transit stop[1]

bus ticket validator بلیت‌خوان اتوبوس

abbr. BTV

*syn.*validator, ticket validator

bus transit system

abbr. BTS سامانهٔ اتوبوس‌رانی

busway اتوبوس‌راه

bypass کنارگذر

by-passable traffic تردد کنارگذری

C

cabin اتاقک

syn. cabine

cabine (fr.) → cabin

cab over tractor بی‌دماغ[۱]

cab over truck بی‌دماغ[۲]

capacity restraint trip

assignment تخصیص ظرفیتی سفر، تخصیص ظرفیتی

capping layer لایهٔ تحکیم

capsule transit system

سامانهٔ جابه‌جایی اتاقکی

captive rider مسافر ناگزیر

captive transit rider

مسافر ناگزیر عمومی

car cycle چرخهٔ باربَری

carnet de passage (fr.)

→ passage carnet

carnet de TIR (fr.)→ TIR carnet

car pool[1] برنامهٔ هم‌پیمایی

car pool[2] گروه هم‌پیمایی

car-pool[3] هم‌پیمایی کردن

car-pooler هم‌پیما

carriageway سواره‌رو[1]

car sharing اشتراک خودرو

car sharing system سامانهٔ اشتراک خودرو

car wash خودروشویی

cask → helmet

casquette → helmet

casualty کشته و مجروح

catch drain رواناب‌گیر

catchment area محدودهٔ رواناب

cat's eye چشم‌گربه‌ای

central business district محدودهٔ تجاری مرکزی

centre line خط محور

centre passenger platform سکوی میانی[1]

syn. centre platform

centre platform

→ centre passenger platform

channel block جدول آب‌بَر

channelization مسیردهی

channelized مسیردهی‌شده

charter[1] دربست

charter[2] دربست کرایه کردن

chartering دربستی، کرایهٔ دربستی

chevron جهت‌نما

chevron board جهت‌نمای گروهی

chevron marking جهت‌نمای ترسیمی

children's crossing گذر کودکان

children's crossing advisor راه‌بان مدرسه

choice rider مسافر مختار

circular service خدمات چرخشی

circulating flow جریان چرخشی

circulation area گذرگوشه

circulator bus اتوبوس محله‌ای

syn. circulator service

circulator service

→ circulator bus

classes of transport درجه‌های حمل‌ونقل

clearance height ارتفاع مجاز

clearance interval زمان تخلیه

clearance lost time زمان هدررفتهٔ تخلیه

clear way راه بی‌توقف

abbr. CWY

clear zone → hazard corridor

clinker پوکهٔ معدنی

cloverleaf interchange تقاطع ناهم‌سطح شبدری، شبدری

collector street خیابان گِردآور

commercial vehicle خودروِ تجاری

abbr. CV

community service خدمات محله‌ای

commute سفر حومه‌ـ شهری

commuter مسافر حومه‌ـ شهری

compaction تراکم

compactor لایه‌کوب

composite grade شیب مرکب

composite network شبکهٔ ترکیبی

composite network analysis
تحلیل شبکهٔ ترکیبی

composite network assessment
ارزیابی شبکهٔ ترکیبی

composite network model
مدل شبکهٔ ترکیبی

compound curve قوس ترکیبی

concreting train قطار بتن‌ریزی

conflicting movements
حرکات تداخلی

conflict point نقطهٔ تداخل

conflict zone محدودهٔ تداخلی

consistency of soil قوام خاک
syn. soil consistency

constrained operation تداخل مزاحم

container بارگُنج

containerized cargo بارِ بارگُنجی

continuous transit system
سامانهٔ جابه‌جایی پیوسته

contraflow lane خط عبور ناهم‌سو

contrast seal روکش رنگی

control centre مرکز فرمان

control conditions شرایط تنظیم

controlled level crossing
تقاطع همسطح فرمان‌پذیر

controller جعبه‌فرمان

converted traffic تردد تبدیلی

coordinated signal موج سبز

coordinated signals
چراغ‌های هماهنگ

coordination → linking

cordon line خط محیطی

cordon station ایستگاه محیطی

cordon survey آمارگیری محیطی

core مغزه

cornfield station ایستگاه بیابانی

corridor دالان

crack and seat ایجاد تَرَک و نشست

cracking تَرَک‌خوردگی

crack sealing تَرَک‌گیری

crash cushion ضربه‌گیر

crash rate نرخ تصادف

crash reduction factor
ضریب کاهش تصادف

crashworthy ضربه‌تاب

crawl speed سرعت خزش

crest vertical curve قوس محدب

critical gap واشد لازم

critical intersection تقاطع کلیدی

critical lane خط پرگذر

critical movement حرکت بحرانی

critical rate analysis
تحلیل میزان خطرخیزی

crocodile cracking
تَرَک‌خوردگی سوسماری
syn. alligator crack

crossing time زمان گذر عرضی

crossover عرض‌گذر

crossover bridge پل عرض‌گذر

cross-town service خدمات فرامرکز

crosswalk گذر عابر

crown line خط تاج

crush capacity ظرفیت فشرده

cul-de-sac بُن‌گَرد

culvert آب‌رو

curve hand سمت قوس

cut and fill کندوآکند

cut line خط برش

CV → commercial vehicle

CWY → clear way

cycle lane → bicycle lane

cycle speed سرعت رفت‌وبرگشت

cycle time مدت چرخه

cyclists holding rail
میلهٔ انتظار دوچرخه‌سوار

D

damper سرعت‌گیر

dead end بن‌بست

dead time → allowance time

deceleration lane خط سرعت‌کاهی

deceleration regime
→ braking regime

deck عرشه
syn. tablier

degree of curvature درجهٔ قوس

degree of saturation درجهٔ اشباع
syn. volume to capacity ratio

delay time زمان تأخیر، تأخیر

demand-actuated transportation system
سامانهٔ حمل‌ونقل تقاضامدار
syn. demand responsive transportation system

demand forecasting model
→ demand model

demand model مدل تقاضا
syn. demand forecasting model

demand responsive transportation system
→ demand-actuated transportation system

demand stopping regime
شیوهٔ توقف تقاضامحور

demand volume حجم تقاضا

departure angle زاویهٔ برگشت

departure taper لچکی خروج

design capacity ظرفیت طرح

design hourly volume

→ design volume

design life عمر مفید طرح

design queue length طول صف طرح

design speed سرعت طرح

design standard استاندارد طراحی

design traffic بار تردد طرح

design vehicle خودروِ طرح

design volume حجم طرح

syn. design hourly volume

desire line خط تمایل

desire line diagram نمودار تمایل

detector loop مدار آشکارساز

deterministic model مدل قطعیتی

deterministic trip assignment

تخصیص قطعی سفر، تخصیص قطعی

detour مسیر موقت

dial-a-ride

→ dial-a-ride transportation system

dial-a-ride transportation system سامانهٔ حمل‌ونقل تلفنی

syn. dial-a-ride

diamond interchange

تقاطع ناهم‌سطح لوزی

diamond lane خط لوزی‌نشان

direct damage آسیب مستقیم

direct demand model

مدل تقاضای مستقیم

directional distribution توزیع جهتی

directional interchange

تقاطع ناهم‌سطح هادی

disaggregate demand model

مدل تقاضای تفریقی

disaxed streets خیابان‌های ناهم‌محور

displaced right turn راستگرد خروج

abbr. DRT

display sequence توالی نمارنگ

distance marker مسافت‌نما

diverging traffic جریان واگرا

diversion trip assignment

تخصیص مسافت ـ زمانی سفر،

تخصیص مسافت ـ زمانی

diverted demand

→ diverted traffic

diverted traffic مسیر تغییریافته

syn. diverted demand

divided road راه جداشده

dividing line خط جداساز

dividing strip نوار جداساز

DMS → variable message sign

double bottoms دوکفی

double deck bus اتوبوس دوطبقه

syn. double decked

double decked

→ double deck bus

downtime مدت خواب

drainage of the carriageway زهکشی سطح سواره‌رو

drayage چرخ‌بَری

DRIP
→ dynamic route information panel

driveway راه اختصاصی

DRM
→ dynamic road marking

dropper kerb جدول شیب‌دار

DRT → displaced right turn

dry-bulk carrier خشکه‌فله‌بر

dry mixing time مدت اختلاط خشک

DTSM
→ dynamic traffic speed management

dual-fuel دوسوختی

dual-mode operation عملکرد دومنظوره

dual-mode vehicle خودروِ دوگانه‌رو

dwell time مدت ایست

dynamic load
→ dynamic wheel forces

dynamic message sign
→ variable message sign

dynamic road marking علامت‌گذاری پویا
abbr. DRM

dynamic route information panel تابلوی اطلاعات مسیر پویا
abbr. DRIP

dynamic routing مسیردهی پویا

dynamic traffic speed management مدیریت پویای سرعت تردد
abbr. DTSM

dynamic transit capacity ظرفیت پویای حمل‌ونقل عمومی

dynamic wheel forces نیروی دینامیکی چرخ
syn. dynamic load

E

early cut-off قطع زودهنگام

early cut-off feature ویژگی قطع زودهنگام

earthworks عملیات خاکی

economic vehicle life عمر اقتصادی خودرو

edge break شکستگی لبه

edge drop-off اُفت حاشیه

edge line خط حاشیه

edge marker post حاشیه‌نمای میله‌ای

edging kerb جدول لب‌بند

effective green time زمان سبز مؤثر

effective red time زمان قرمز مؤثر

effective walkway width عرض مؤثر پیاده‌رو

egress time مدت پیاده ـ مقصد

85 percentile speed سرعت ۸۵ درصد

electronic toll collection عوارض‌گیری خودکار
abbr. ETC

elevated guideway هادی‌راه هوایی

embankment خاکریز

emergency road راه اضطراری

emergency transfer
انتقال اضطراری مسافر، انتقال اضطراری

emulation asphalt قیرابه

end gain زمان پساسبز

end treatment ته‌بندی حفاظ

enlargement تعریض

enoscope تصویرنما

escape road مهارگاه

estimated time of arrival زمان برآوردی ورود
abbr. ETA

estimated time of departure زمان برآوردی خروج
abbr. ETD

ETA
→ estimated time of arrival

ETC
→ electronic toll collection

ETD
→ estimated time of departure

exact fare کرایهٔ مُک

excavation خاک‌برداری

excess time اضافه‌زمان

exclusive bus lane → bus lane

exclusive lane خط ویژه

exclusive left turn lane
خط ویژهٔ گردش‌به‌چپ

exclusive pedestrian phase
مرحلهٔ تمام‌سبز عابر، تمام‌سبز عابر

exclusive transit lane
خط ویژهٔ حمل‌ونقل عمومی
syn. reserved transit lane

exemplar vehicle خودروِ بدل
syn. simulating vehicle

exit curve قوس خروج

exit road راه خروجی، خروجی

exit trajectory مسیر پرتاب

expansion joint درز انبساط

experimental barrier حفاظ آزمایشی

express سریع‌السیر

expressway بزرگراه

extension period دورهٔ تمدید

external-external trip
سفر برون ـ برون، سفر دوسربرون

external-internal trip
سفر برون ـ درون، سفر یک‌سردرون

external trip سفر بیرونی

extra run برنامهٔ اضافی
syn. open run

F

fail-active خرابی‌تاب

fail-hard[1] دُش‌خراب

fail hard[2] دُش‌شکست

fail link پیش‌شکن

fail-operational خراب ـ کارا

syn. fail-operative

fail-operational system سامانهٔ خراب ـ کارا

fail-operative

→ fail-operational

fail-passive خرابی‌ناتاب

fail-safe[1] خرابی‌ایمن

fail-safe[2] شکست‌ایمن

fail-safe close/ fail-safe closed خرابی‌ایمن بسته

abbr. FSC

fail-safe control واپایش خرابی‌ایمن

fail-safe design طراحی شکست‌ایمن

fail-safe open خرابی‌ایمن باز

abbr. FSO

fail-safe system سامانهٔ خرابی‌ایمن

fail-soft نرم‌خراب

falling weight deflectometer نشست‌سنج وزنه‌ای

abbr. FWD

false alarm rate درصد هشدار خطا

abbr. FAR

FAR → false alarm rate

fare basis مبنای تعیین کرایه

farebox کرایه‌گیر

fare box revenue درآمد بلیت‌فروشی

farecard reader کارت‌خوان

fare elasticity کشش کرایه

fare level کف‌کرایه

fare paid area محدودهٔ بلیت‌داران

syn. paid area

fare-registering faregate دروازهٔ ثبّات

syn. turnstile

fare structure کرایه‌گذاری

far-side stop ایستگاه پس‌تقاطع

farsighted

→ farsighted traffic light

farsighted traffic light چراغ مقابل، مقابل

syn. farsighted

fascine construction سازهٔ ترکه‌بست

fatal four چهار عامل مرگبار

fatigue cracking تَرَک خستگی، تَرَک روزَده

fatty asphalt آسفالت چاق

faulting پله‌شدگی

FCW

→ forward collision warning

feeder road راه فرعی

feeder service خدمات تغذیه‌کننده

fence حصار

fencing حصارکشی

few-to-few service خدمات کم‌به‌کم

few-to-many service خدمات کم‌به‌زیاد

FI → fuel injection system

field drain → land drain

filler پرکننده

filter turn گردش تقدمی

final grade → formation level

finisher لایه‌ریز

fixed guideway transit system سامانهٔ جابه‌جایی ثابت‌هادی‌راه

fixed-route transportation system سامانهٔ حمل‌ونقل ثابت‌مسیر

fixed stopping regime شیوهٔ توقف ثابت

fixed-time control → fixed-time signal

fixed-time plan selection انتخاب برنامهٔ زمان‌ثابت

fixed-time signal چراغ زمان‌ثابت

abbr. FT

syn. fixed-time control

flagperson پرچم‌زن

syn. traffic control person, traffic controller

flag stop service خدمات مسافرمدار

flare برون‌خَم

flasher چشمک‌زن

flashing control signal → flashing signal beacon

flashing signal beacon چراغ راهنمایی چشمک‌زن

syn. flashing control signal

flat fare کرایهٔ ثابت

fleet ناوگان

syn. rolling stock

fleet capacity ظرفیت ناوگان

flexible pavement روسازی انعطاف‌پذیر

floating car خودروِ شاخص

flow جریان

flow diagram نمودار جریان

flow map نقشهٔ جریان

flow ratio نسبت جریان

flush kerb جدول هم‌کف

fly ash → pulverised fuel ash

fog seal روکش قیری

footpath level crossing تقاطع همسطح پیاده

abbr. FP

formation level تراز احداث

syn. final grade, grade level

forward collision warning سامانهٔ هشدار برخورد از جلو

abbr. FCW

four-phased → four-phased traffic light

four-phased traffic light چراغ راهنمایی چهارزمانه، چهارزمانه

syn. four-phased

four-step model مدل چهارمرحله‌ای

FP → footpath level crossing

frangible base پایهٔ شکننده

free area منطقهٔ رایگان

free flow speed سرعت جریان آزاد

freeway آزادراه

syn. autobahn

freeway management مدیریت آزادراه

freeway surveillance نظارت آزادراه

frequency of service بسامد خدمات

syn. service frequency

freight[1] فِرِست

freight[2] فِرِست کردن

freight transportation حمل کالا

French drain زهکش سنگ‌ریزه‌ای

syn. rubble drain, stone drain

fringe parking توقفگاه جنبی

syn. peripheral parking

frontage road ویژه‌راه

fronthaul سفر رفت، رفت

FSC → fail-safe close

FSO → fail-safe open

FT → fixed-time signal

fuel additive افزودنی سوخت

fuel burn → fuel consumption

fuel consumption مصرف سوخت

syn. fuel burn

fuel injection system سامانهٔ سوخت‌پاشی

syn. fuel injection, FI

fuel injection

→ fuel injection system

fuel injector سوخت‌پاش

syn. injection pump

full control واپایش کامل

full hybrid car خودروِ تمام‌دونیرو

full shadowed lane دهانهٔ قیفی

fully-actuated signal timing زمان‌بندی هوشمند

functional vehicle life عمر کارکردی خودرو

fuse plate صفحهٔ ایمنی

FWD → falling weight deflectometer

G

gabion تورسنگ

gap واشد

gap expectancy مدت انتظار واشد، انتظار واشد

gap setting تعیین واشد

gather service

→ many-to-one service

GCM

→ gross combination mass

general share model مدل تسهیم کلی

geometric delay تأخیر هندسی

geometric design طراحی هندسی

glare screen حائل نور

gore area سطح جناغی

grade crossing protection signal چراغ راه‌بند

grade crossing traffic control device تنظیم‌گر گذرگاه

grade level → formation level

grader شیب‌ساز

grade separation ناهم‌سطح‌سازی

graduated fare کرایهٔ تصاعدی

gravity model مدل گرانشی

green ratio نسبت سبز

green time زمان سبز

grid network شبکهٔ شطرنجی

grip جدول زهکشی

gritting شن‌پاشی

gross combination mass
abbr. GCM وزن ترکیبی کل

gross trailer mass وزن کل پی‌نورد
abbr. GTM

gross vehicle mass وزن کل خودرو
abbr. GVM

ground level تراز زمین

group rapid transit system
سامانهٔ جابه‌جایی سریع گروهی

group riders هم‌سفران

group riding هم‌سفری

grouting درزگیری

growth factor model
مدل ضریب رشد

GTM → gross trailer mass

guardrail نردهٔ حفاظ

guide post میلهٔ لبه‌نما

guide sign تابلوی هدایت مسیر، تابلوی راهنمای مسیر

guide way هادی‌راه

gully چاهک

gutter آب‌بَر

GVM → gross vehicle mass

H

hairline crack تَرَک مویی

half-batter kerb جدول نیم‌پخ

handrail دست‌نرده

hangar آشیانه

hanger آویز

HAR → highway advisory radio

harsh asphalt mix
مخلوط آسفالت سفت

haul فاصلهٔ حمل

haul rope بافهٔ کشنده/کابل کشنده

hazard corridor پناه‌راه
syn. clear zone

hazard marker خطرنما

hazard warning lights جفت‌راهنما

headwall سرآب‌رو

headway فاصلهٔ گذر

headway adherence
پیوستگی فاصلهٔ گذر

headway management
مدیریت فاصلهٔ گذر

headway setting تنظیم فاصلهٔ گذر

heave برآمدگی خاک

heavily bound base اساس پُرتراکم

heavy bus اتوبوس سنگین

heavy goods vehicle
خودروِ باری سنگین

heavy-trafficked road راه پُرتردد

heavy vehicle خودروِ سنگین

heavy weight deflectometer
abbr. HWD نشست‌سنج سنگین

helm → helmet

helmet کلاه ایمنی
syn. cask, casquette, helm

HEV → hybrid car

HHV → highest hourly volume

high-alcohol hours ساعات اوج الکل
syn. alcohol hours

higher mass limits حداکثر بارپذیری
abbr. HML

higher order turn گردش اولویت‌دار

highest hourly volume
abbr. HHV حجم ساعتی بیشینه

high float emulsion بیش‌روان

high-occupancy toll
abbr. HOT عوارض خط پرسرنشین

high occupancy vehicle
خودروِ چندسرنشین

high occupancy vehicle lane
خط خودروِ چندسرنشین

high passenger platform
سکوی بلند
syn. high platform

high platform
→ hight passenger platform

high shoulder شانهٔ برآمده

high-speed off-tracking
خروج از مسیر سرعت‌بالا

high stress seal روکش مقاومت‌بالا
abbr. HSS

highway راه

highway advisory radio رادیوراه
abbr. HAR

highway network
→ road network

hinge point نقطهٔ سرشانه

HIPAR
→ hot-in-place asphalt recycling

hit and run/hit-and-run
تصادف و گریز

HML → higher mass limits

hoggin شن چسبنده

holding line خط‌کشی انتظار

holding rail میلهٔ انتظار

hold time → allowance time

home based trip سفر یک‌سرمنزل

honour system سامانهٔ اعتمادی

hook turn گردش قلاب‌وار

hoon laws قوانین تشدید مجازات

horizontal alignment
امتداد افقی مسیر

horizontal curve قوس افقی

horizontal device راهکار افقی

HOT → high-occupancy toll

hot-in-place asphalt recycling
بازیافت گرم آسفالت، بازیافت گرم
abbr. HIPAR

hot-in-place asphalt recycling machine ماشین بازیافت گرم آسفالت

hot-in-place asphalt recycling method روش بازیافت گرم آسفالت

hot-in-place asphalt recycling technology
فنّاوری بازیافت گرم آسفالت

hot-rolled sphalt آسفالت گرم

hot running عجول‌رانی
syn. running hot, running sharp

HSS → high stress seal

hub قطب حمل‌ونقل، قطب

human factor عامل انسانی

HWD
→ heavy weight eflectometer

hybrid car خودروِ ترکیبی
syn. hybrid electric vehicle, HEV, hybrid vehicle

hybrid electric vehicle
→ hybrid car

hybrid service حمل‌ونقل واسط

hybrid vehicle → hybrid car

I

ideal capacity ظرفیت آرمانی

impact analysis
→ traffic impact analysis

impact angle → angle of impact

inbound trip سفر درون‌سو

incremental trip assignment
تخصیص فزایندهٔ سفر، تخصیص فزاینده

independent transit line
خط مستقل

induced damage آسیب تَبَعی

induced demand
→ induced traffic

induced traffic تردد افزوده
syn. induced demand

infrastructure زیرساخت

initial estimated remaining service life ماندهٔ عمر مفید برآوردی

initial estimated remaining service traffic
ماندهٔ تردد ممکن برآوردی

initial lateral position
موقعیت جانبی اولیه

initial running period دورهٔ پایهٔ نمود

initial seal قیرپوشهٔ اولیه

injection pump → fuel injector

inscribed circle خط حاشیهٔ قوس

inspector → road supervisor

institutional district محدودهٔ اداری

integral shoulder شانهٔ یکپارچه

integrated land-use and transport planning برنامه‌ریزی یکپارچهٔ حمل‌ونقل و کاربری زمین

intelligent transport systems سامانه‌های حمل‌ونقل هوشمند

interceptor drain زهکش محافظتی

interceptor tank مخزن جداساز

interchange تقاطع ناهم‌سطح

interchange ramp راهگرد تقاطع ناهم‌سطح

intercity bus اتوبوس بین‌شهری

intercity transportation حمل‌ونقل بین‌شهری

interference headway فاصلهٔ گذر تداخلی

intergreen time زمان میان‌دوسبز

interline transportation حمل‌ونقل میان‌خطی

intermediate course قشر میانی

intermediate sight distance مسافت دید بینابینی

internal-internal trip سفر درون ـ درون، سفر دوسردرون

international roughness index شاخص ناهمواری تک‌چرخ *abbr.* IRI

inter-red period دورهٔ قرمز تا قرمز

interrupted flow جریان ناپیوسته

intersection تقاطع

intersectional friction تداخل تقاطعی

intersection angle زاویهٔ تقاطع

intersection arm → intersection leg

intersection crossing time زمان گذر از تقاطع

intersection exit خروجی تقاطع

intersection leg شاخهٔ تقاطع *syn.* intersection arm

intersection point رأس قوس

interval time طول زمانی

intervening opportunities model مدل فرصت‌های مناسب

interzonal trip سفر بین‌حوزه‌ای

intrazonal travel time زمان سفر درون‌حوزه‌ای

intrazonal trip سفر درون‌حوزه‌ای

in-vehicle survey آمارگیری درون‌خودرو

in-vehicle time زمان درون‌خودرو

inverted emulsion قیر آبدار

investigatory level of skid resistance سطح ارزیابی مقاومت سرشی

IRI → international roughness index

ITS سحنه

land drain زهکش خاکی
syn. field drain
landuse کاربری زمین، کاربری
land use model مدل کاربری زمین
land-use planning
برنامه‌ریزی کاربری زمین
lane خط عبور
lane-control signal علامت هدایت خط
lane-control system
abbr. LCS سامانهٔ واپایش خط
lane group خطوط عبور همسو
lane international roughness index شاخص ناهمواری خط
lane line خط‌کشی
lane narrowing باریک‌سازی خط عبور
lane numbering شماره‌گذاری خط عبور
lane occupancy ضریب اشغال خط عبور
lane one خط عبور یک
lane separator جداکنندهٔ خط عبور
laser gun سرعت‌سنج لیزری
latent demand تقاضای پنهان
lateral friction اصطکاک جانبی[۲]
late start دیرآغاز
late-start feature قابلیت دیرآغازی
LATM
→ local area traffic management
lay-by پهلوگاه اضطراری

J

jam density چگالی راه‌بندان
jointed reinforced concrete pavement روسازی بتن‌مسلح‌قطعه‌ای
joint sealant درزگیر
journey duration → travel time
journey speed
→ overall travel speed
journey time مدت سفر
journey-to-work survey
آمارگیری سفرکاری
judder bar خط پشته

K

kerb جدول
kerb blister قوس مسیرده
kerb clearance حاشیهٔ آزاد جدول
kiss and ride بدرودسوار
kneeling bus اتوبوس آسان‌سوار

L

lagging left turn چپ‌گرد پسین

layover time توقف ایستگاهی
syn. recovery time, relay time

layover zone ماندگاه

LCS → lane-control system

leading left turn چپ‌گرد پیشین

leading point of need سرآغاز حفاظ

lead-lag left turn phasing
مرحله‌بندی چپ‌گرد پیشین ـ پسین

lead vehicle خودرو پیشرو

left-hand curve قوس چپ‌گرد

legal speed سرعت مجاز

legibility distance مسافت دیدواضح

length of need طول ضروری حفاظ، طول ضروری

levelling course لایهٔ تسطیح

level of service سطح کارایی

level terrain کفی

LEZ محدودهٔ کاهش، کاهش

lift truck آفرازه

light bus اتوبوس سبک

light commercial vehicle
خودرو تجاری سبک

lightly trafficked road راه کم‌تردد، راه کم‌شدآمد

light traffic throughfare سبک‌رو

limited service خدمات محدود

limited stop service خدمات کم‌توقف

linear parking control
واپایش توقف حاشیه‌ای

linear vehicle capacity
ظرفیت طولی خودرو

line capacity ظرفیت خط

line design speed سرعت طرح خط

line-haul service خدمات خط اصلی

line marking خط‌کشی طولی

line volume
→ passenger volume

link رابط

link count شمار رابط

linked trip سفر ترکیبی

linking هماهنگ‌سازی
syn. coordination

link load → link volume

link volume حجم رابط
syn. link load

load equivalency factor
ضریب بار معادل

loader خاک‌بردار

load factor ضریب بار

loading[1] بارگذاری

loading[2] مسافرپذیری

loading area سوارگاه

loading dock محوطهٔ بارگیری

loading island سکوی میانی[۲]
syn. safety island

load shedding تعدیل بار

local access
→ local access street

local access street دسترسی محلی
syn. local access

local area محله

local area traffic management مدیریت تردد محلی
abbr. LATM

local by-passable traffic تردد کنارگذری محلی

local interlinking هماهنگ‌سازی محلی

local service خدمات محلی

local street خیابان محلی

local traffic area محدودهٔ تردد محلی

location system سامانهٔ مکانی

lock-in coat روکش مهارگر
syn. scatter coat

locking up قفل‌شدگی

longitudinal barrier حفاظ طولی

longitudinal force نیروی طولی

longitudinal friction اصطکاک طولی

longitudinal friction factor ضریب اصطکاک طولی

longitudinal seating چینش طولی

long-nose tractor دماغ‌دار[1]

long-nose truck دماغ‌دار[2]

loop چرخه

lost time زمان هدررفته

low-alcohol hours ساعات غیر اوج الکل

low emission zone محدودهٔ کاهش آلودگی هوای شهر

low emission zone cameras دوربین‌های محدودهٔ کاهش

low emission zone check معاینهٔ محدودهٔ کاهش

low emission zone map نقشهٔ محدودهٔ کاهش

low passenger platform سکوی کوتاه
syn. low platform

low platform
→ low passenger platform

low shoulder شانهٔ افتاده

low-speed off-tracking خروج از مسیر سرعت‌پایین

M

MAC → major activity centre

macadam ماکادام

macrosimulation کلان‌شبیه‌سازی

main line محور اصلی
syn. main road

main mode of travel شیوهٔ عمدهٔ سفر

main road → main line

main street → major street

major/minor road system نظام راه اصلی‌ـ فرعی

major activity centre کانون پُرمسافر
abbr. MAC
syn. activity centre area

major road راه اصلی[1]

major street خیابان اصلی
syn. main street

make up time → pad time

managed freeway آزادراه مدیریت‌شده

management segment قطعهٔ مدیریتی

manhole چاهک بازدید، چاهک

manual count شمارش دستی

manual survey آمارگیری دستی

many-to-few service خدمات زیادبه‌کم

many-to-many service
خدمات زیادبه‌زیاد

many-to-one service خدمات زیادبه‌تک
syn. gather service

marginal aggregate دانه‌بندی نامعیار

marginal friction[1] اصطکاک جانبی

marginal friction[2] مزاحمت جانبی

marked foot crossing
گذرگاه چراغ‌دار عابر

marked lane خط عبور علامت‌دار

Marshall test آزمون مارشال

mass action program
برنامهٔ عملیاتی انبوه

mass diagram
منحنی حجم عملیات خاکی، منحنی حجم

mass haul curve
→ mass haul diagram

mass haul diagram منحنی بروکنر
syn. mass haul curve

mass transportation حمل‌ونقل انبوه

mast-arm post پایهٔ بازودار

master controller
دستگاه فرمان‌دهی اصلی، دفا

master intersection تقاطع مبنا

mastic → mastic asphalt

mastic asphalt قیر خمیری
syn. mastic

maximum density بیشینه‌چگالی

maximum dry density
abbr. MDD بیشینه‌چگالی خشک

maximum green time
زمان سبز بیشینه، **سبز بیشینه**
syn. maximum running period

maximum load section
قطعهٔ پُرازدحام

maximum remaining service life
abbr. MRSL بیشینه‌عمر مفید باقی‌مانده

maximum running period
→ maximum green time

maximum service life
abbr. MSL بیشینه‌عمر مفید

maximum technical speed
حداکثر سرعت فنی

maximum vehicle speed
بیشینه‌سرعت خودرو

MDD → maximum dry density

mean queue length میانگین طول صف

meantime between failure
abbr. MTBF متوسط عمر بدون خرابی

meantime to detect
abbr. MTTD میانگین زمان تشخیص

meantime to repair
میانگین زمان تعمیر

medial friction اصطکاک با جریان روبه‌رو

median → median strip

median barrier حفاظ میانگاهی

median crossover عرض‌گذر میانگاهی

median island جزیرهٔ میانگاهی

median lane خط میانه

median opening بریدگی میانگاه، بریدگی

median speed سرعت میانه

median strip میانگاه
syn. median

median strip parking area
توقفگاه میانگاهی

merging traffic جریان هم‌گرا

metered access دسترسی واپایش‌شده

metered freeway آزادراه راهبان‌دار

micro hybrid car خودروِ کم‌دونیرو

microsimulation خُردشبیه‌سازی

mid(-)block median
میانگاه بین تقاطعی

midblock stop ایستگاه میانی

middle bus اتوبوس کوچک

mild hybrid car خودروِ نیم‌دونیرو

milling تراش

milling vehicle ماشین آسفالت‌تراش

minimum path مسیر کمینه

minimum turning path
مسیر گردش کمینه

minimum turning radius
شعاع گردش کمینه

minor street خیابان فرعی

mix design طرح اختلاط

mixed flow traffic
→ mixed traffic

mixed mode street خیابان عادی

mixed traffic تردد مختلط
syn. mixed flow traffic

mobile work عملیات سیار

mobility management
مدیریت جابه‌جایی
syn. travel demand management

modal choice model
→ mode choice model

modal interchange تغییر وسیله

modal speed سرعت معمول

modal split تفکیک وسایل سفر
syn. mode split

mode choice model مدل سفرگزینی
syn. modal choice model

mode split → modal split

modified asphalt آسفالت به‌ساخته

modified binder قشر آستری به‌ساخته

modified material مصالح به‌ساخته

modified T-intersection
سه‌راهی عمودی اصلاح‌شده

monocable system سامانهٔ تک‌بافه‌ای، سامانهٔ تک‌کابلی

mountable kerb جدول قابل‌عبور

mountainous terrain کوهستانی

movement حرکت

movement capacity ظرفیت حرکت

movement diagram نمودار حرکت

moving ramp شیب‌بَر

MRSL
→ maximum remaining service life

MSL → maximum service life

MTBF
→ meantime between failure

MTTD → meantime to detect

mudjacking لقی‌گیری

mult-icombination vehicle
خودرو چندمفصلی

multigrade bitumen قیر چنددرجه‌ای

multilane چندخطه

multilane road راه چندخطه

multilane roundabout
میدان چندخطه

multileg intersection چندراه

multilevel interchange
تقاطع چندسطحی

multipath assignment
تخصیص چندمسیره
syn. proportional trip assignment[2]

multiple choice model
مدل چندگزینه‌ای

multiple countermeasures
اقدامات پیشگیرانه

multiple-use area منطقهٔ چندمنظوره

multi-tyred roller غلتک چرخ‌لاستیکی

N

national highway راه اصلی[۲]

natural asphalt آسفالت طبیعی

natural stone kerb جدول سنگی

nature strip فاصلهٔ آزاد

navigation ناوبَری

nearside سمت شاگرد

near-side stop ایستگاه پیش‌تقاطع

nearsighted
→ nearsighted traffic light

nearsighted traffic light
چراغ مجاور، مجاور
syn. nearsighted

negotiation speed سرعت تعاملی

net contact area مساحت خالص تماس

network coding کدگذاری شبکه

Newjersy barrier سپرسنگ

node گره

non-home based trip
سفر غیریک‌سرمنزل

non-interrupted flow جریان پیوسته

non-recoverable slope
شیب برگشت‌ناپذیر

non-traversable slope
شیب غیرقابل‌عبور

no passing zone محدودهٔ سبقت ممنوع

O

object marker کنارنما

occupancy rate میزان اشغال

occupancy time زمان اشغال

offered capacity ظرفیت اسمی

off-line station ایستگاه برون‌خط

off-peak hours زمان سبکی
syn. slack hours

offset time زمان توالی

off-street terminal دورپایانه

on-call stopping regime
شیوهٔ توقف اعلامی

one-sided weaving section
سطح ضربدری یک‌سمته

one-to-many service
خدمات تک‌به‌زیاد
syn. scatter service

one-zone ride سفر تک‌حوزه‌ای

online-station ایستگاه برخط

on-line travel speed سرعت سفر خط

on the measure
→ on the measurement

on the measurement کرایهٔ حجمی
syn. on the measure

open cut guideway هادی‌راه گود

open run → extra run

operating speed سرعت عملی

operating time مدت سیر

operational barrier حفاظ کارآمد

operative ratio نسبت بهره‌برداری

opposed movement حرکت مخالف

origin-destination speed
سرعت مبدأ- مقصد

origin-to-destination service
خدمات بی‌توقف

outbound trip سفر برون‌سو

overall travel speed سرعت کلی
syn. journey speed,
overall trip speed

overall trip speed
→ overall travel speed

over flow جریان بیش‌ازحد

overpass روگذر

owl bus run → owl run

owl run برنامهٔ شبانهٔ اتوبوس
syn. owl bus run

P

pad time زمان جبران
syn. make up time, premium time

paid area → fare paid area

paid transfer انتقال پولی

paid transfer system سامانهٔ انتقال پولی

pallet بارکف

park and ride پیاده ـ سوار

parking توقفگاه

parking supply ظرفیت توقفگاهی

parking turnover کارکرد توقفگاه

parkometer توقف‌سنج

partial cloverleaf نیمه‌شبدری

partial collector road مسیر کُندرو، کُندرو

partial low-floor streetcar اتوبوس‌برقی نیم‌کف‌پایین

partial shadowed lane دهانهٔ نیمه‌قیفی

passage carnet گذربرگ
syn. carnet de passage

passenger car سواری

passenger car equivalence همسنگ سواری

passenger environment survey بررسی محیط مسافر

passenger flow جریان مسافر

passenger kilometers مسافرکیلومتر

passenger service time زمان پیاده‌سوار

passenger trip مسافر

passenger volume حجم مسافر
syn. line volume

passing sight distance فاصلهٔ ایمن سبقت

pass-up پُربگذر

path مسیر[۱]

pavement روسازی

pavement management system سامانهٔ مدیریت روسازی
abbr. PMS

payout ول‌شدگی کمربند

peak/base ratio نسبت اوج به مبنا
syn. peak/off-peak ratio

peak-hour conversion factor → peak-hour factor

peak-hour factor ضریب ساعت اوج
syn. peak-hour conversion factor

peak hour price نرخ ساعت اوج

peak hour pricing
نرخ‌گذاری ساعت اوج

peak hours زمان اوج

peak/off-peak ratio
→ peak/base ratio

peak service خدمات اوج

pedestrian area module پیاده‌سهم

pedestrian flow rate
میزان جریان پیاده

pedestrian friendly پیاده‌پسند

pedestrian speed سرعت پیاده[1]

penalty time زمان تاوان

pendulum suspension آویز آونگی

peripheral parking
→ fringe parking

permissible load → safety load

permitted turning گردش مجاز

persistent queue صف فزاینده

personal rapid transit system
سامانهٔ جابه‌جایی سریع شخصی

person-capacity ظرفیت عبور مسافر

person level of service
سطح خدمت به مسافر

PFA → pulverised fuel ash

phase مرحله

phasing مرحله‌بندی

physical vehicle life عمر کاری خودرو

plane curve → simple curve

platform time مدت کار
syn. work time

platoon گروه

PMS
→ pavement management system

point accessibility دسترس‌پذیری مکان

policy headway فاصلهٔ گذر مقرر

possible capacity ظرفیت ممکن

posted speed سرعت اعلام‌شده

postimpact skid distance پس‌سُرش

postimpact velocity پس‌سرعت

potential capacity ظرفیت بالقوه

practical capacity ظرفیت عملی

precast concrete kerb
جدول بتنی پیش‌ساخته

preferential bus lane → bus lane

preimpact skid distance پیش‌سُرش

preimpact velocity پیش‌سرعت

premium time → pad time

pre-timed signal timing
زمان‌بندی ثابت

preventive maintenance
نگهداری پیشگیرانه

prime coat قیر نفوذی

priority bus lane → bus lane

priority lane خط تقدم

private transportation[1]
حمل‌ونقل اختصاصی

private transportation[2]
حمل‌ونقل خصوصی

probabilistic model مدل احتمالاتی

productive capacity ظرفیت سودمند

programmed speed
→ schedule speed

proportional trip assignment[1]
تخصیص نسبی سفر، تخصیص نسبی

proportional trip assignment[2]
→ multipath assignment

protected turning گردش ایمن

protected turning lane
خط گردش ایمن

public service vehicle
وسیلهٔ نقلیهٔ همگانی

public transportation
حمل‌ونقل همگانی

public way معبر عمومی

pulverised fuel ash پَرخاکستر
abbr. PFA
syn. fly ash

push-button دکمهٔ فشاری

Q

quadrant kerb جدول گوشه‌گِرد

R

radial network شبکهٔ شعاعی

radius kerb جدول قوسی

radius of curve شعاع قوس

ramp[1] راه‌گَرد

ramp[2] شیب‌راهه

ramp[3] شیبَک

ramp meter bypass
کنارگذر راه‌گَردبانی

ramp metering راه‌گَردبانی

rate of flow میزان جریان

reaction time زمان واکنش

recoverable slope شیب برگشت‌پذیر

recovery time → layover time

red time زمان قرمز

reflection crack تَرَک انعکاسی

reflector بازتابه

refuge پناه‌جا

refuge island جزیرک

regional growth model
مدل رشد ناحیه‌ای

regional transit
حمل‌ونقل عمومی دورسیر

regional transportation plan
abbr. RTP برنامهٔ حمل‌ونقل ناحیه‌ای

regular fare → base fare

regular transit services
خدمات عادی،
خدمات عادی حمل‌ونقل عمومی
syn. all-day transit services

regular transport حمل‌ونقل منظم

regulate تسطیح

relay time → layover time

remote parking توقفگاه دوردست

reneging ترک صف

rent-a-car → rented car

rented car خودروِ اجاره‌ای
syn. rent-a-car

repeater چراغ مضاعف

reroute تغییر مسیر

reserve capacity ظرفیت ذخیره

reserved transit lane
→ exclusive transit lane

reserve fuel سوخت ذخیره

response time مدت درخواست ـ پاسخ

revenue passenger مسافر پولی

reverse commuting حومه‌سفر معکوس

reverse curve قوس معکوس

reversible bus lane
خط ویژهٔ برگشت‌پذیر

ride quality راحتی سفر

ridership سوارگان

riding frequency coefficient
ضریب بسامد سفر

riding habits میزان عمومی‌سواری

right-hand curve قوس راست‌گرد

right-in right-out island
جزیرهٔ راست‌گرد ورود و خروج

right-of-way حریم راه

right traffic lane arrow
پیکان خط راست‌گرد، پیکان راست‌گرد

right-turn lane خط راست‌گرد

rigid pavement روسازی صلب

ring and radial network
شبکهٔ حلقوی ـ شعاعی

ring road حلقه‌راه

roadbase اساس راه

roadbed زیرسازی

road foreman
→ road supervisor

road kilometers → road miles

road miles طول محوری
syn. road kilometers

road miles indicator
نشانگر طول محوری

road network شبکهٔ راه
syn. highway network

roadside راه‌کنار

roadside barrier حفاظ راه‌کنار

roadside hazard خطر راه‌کنار

roadside signs علائم راه‌کنار

road supervisor
بازرس حمل‌ونقل عمومی
syn. inspector, route supervisor, street supervisor, road foreman

roadway راه شنی

roadway conditions وضعیت راه

rolling stock → fleet

rolling terrain تپه‌ماهور

round trip سفر رفت‌وبرگشت

route مسیر[۲]

route location مسیریابی

route supervisor
→ road supervisor

RTP
→ regional transportation plan

rubble drain → French drain

run-cutting برنامه‌دهی

running hot → hot running

running sharp → hot running

running speed سرعت سیر

running time زمان خروج‌تاورود

run number شمار سفر

rural road راه برون‌شهری

rush hours زمان سنگینی

S

safe speed سرعت ایمن

safety island → loading island

safety load ایمن‌بار
syn. permissible load

safety zone ایمن‌جا

sag vertical curve قوس مقعر

sand drain زهکش ماسه‌ای

sand spreader خاک‌پاش
syn. spreader

saturation flow جریان اشباع

saturation headway فاصلهٔ گذر اشباع

scatter coat → lock-in coat

scatter service
→ one-to-many service

scheduled design load
بار برنامه‌ریزی‌شدهٔ طرح

scheduled line capacity
ظرفیت برنامه‌ای خط

schedule speed سرعت برنامه‌ای
syn. programmed speed

scraper زمین‌تراش

scratch ticket بلیتِ خراشی

screen line خط تقسیم

seal coat قیرپوشه

seated capacity
→ seating capacity

seating capacity ظرفیت نشسته
syn. seated capacity

secondary controller
دستگاه فرمان‌دهی وابسته، دفو
syn. slave controller

segment قطعه

semi-actuated signal timing
زمان‌بندی نیمه‌هوشمند

sequential model مدل توالی

service attributes ویژگی‌های خدمات
service denial رد تقاضای خدمات
service flow rate
میزان جریان خدمت‌دهی
service frequency
→ frequency of service
service information
→ user information
service quality کیفیت خدمات
service volume حجم خدمات
shared-lane capacity
ظرفیت خط مشترک
shared ride سفر شراکتی
share model مدل تسهیم
shopper's special service
خدمات مشتری‌رسان
short turn → turn back
shuttle transit system
سامانهٔ جابه‌جایی خطی
shy distance فاصلهٔ آرامش
side passenger platform
سکوی جانبی
syn. side platform
side platform
→ side passenger platform
sightseeing bus اتوبوس گردشگری
signal aspect نمود چراغ راهنمایی
signal display نمارنگ
signalized intersection
تقاطع زمان‌بندی‌شده
signalling علامت‌دهی
signal sighting جانمایی علامت
signal timing زمان‌بندی
simple curve قوس ساده
syn. plane curve
simplified network
→ spider web
simulating vehicle
→ exemplar vehicle
simulation model مدل شبیه‌سازی
simultaneous model مدل هم‌زمانی
single-coin fare کرایهٔ تک‌سکه‌ای، تک‌سکه‌ای
single occupant vehicle
abbr. SOV خودروِ تک‌سرنشین
siphon/syphon منگول، سیفون
site planning طراحی موقعیت
sketch کروکی، ترسیمه
syn. sketch map
sketch map → sketch
skid marks خط ترمز
skimmed tree درختوارهٔ چکیده
slab تاوه
slack hours → off-peak hours
slave controller
→ secondary controller
slip base پایهٔ لغزان
slip ramp کج‌راه‌گَرد
slurry seal قیرماسه
smart parking توقفگاه هوشمند

soakaway چاه جذبی
syn. absorbing well, absorbtion pit

soil consistency
→ consistency of soil

soil stripping برداشت خاک نباتی

SOV → single occupant vehicle

space mean speed
میانگین سرعت قطعه‌راه
syn. average travel speed

spacing سرفاصله

speed-flow relationship
رابطهٔ سرعت ـ جریان

speed gun سرعت‌یاب

speed limit حد سرعت

speed zone حوزهٔ محدودیت سرعت

spider network → spider web

spider web شبکهٔ تارعنکبوتی
syn. spider network, simplified network

spill-back پس‌زدگی

spiral curve قوس حلزونی

splayed kerb جدول تمام‌پخ

spreader → sand spreader

stabilizing structure سازهٔ تثبیت

stable queue صف باثبات

standees مسافر ایستاده

start-up lost time زمان هدررفتهٔ آغازین

static transit capacity
ظرفیت ایستای حمل‌ونقل عمومی

station[1] ایستگاه

station[2] → station wagon

station accessibility
دسترس‌پذیری ایستگاه

station capacity ظرفیت ایستگاه

station to station speed
سرعت خروج‌تاخروج

station to station time
زمان خروج‌تاخروج

station wagon خودروِ سفری، سفری
syn. station[2]

statutory speed سرعت مقرر

stellar pattern سرنشانه

stochastic trip assignment
تخصیص تصادفی سفر، تخصیص تصادفی

stone drain → French drain

stop light → traffic signal

stopped time مدت توقف اجباری

stopping regime شیوهٔ توقف

stopping sight distance
فاصلهٔ ایمن توقف

storage lane خط انتظار

storm water drain زهکش رگبار

straight kerb جدول راسته

street furniture آرایهٔ شهری

street supervisor
→ road supervisor

street transit حمل‌ونقل عمومی خیابانی

stub terminal پایانهٔ بُن‌گرد

stud قپهٔ ایمنی

subbase زیراساس

subgrade بستر

submarining سُرخوردگی سرنشین، سُرخوردگی

subsidized taxi تاکسی یارانه‌ای

sub-soil drainage زهکشی زیرسطح

suburban bus اتوبوس حومه‌ای

syn. suburban coach

suburban coach

→ suburban bus

superelevation قوس شیب

surface texture بافت رویه

surface treatment بهسازی رویه

sustainable transportation حمل‌ونقل پایدار

T

tablier → deck

tachograph سرعت‌نگار

tack coat قیرلایه

tamper رویه‌کوب

tamping رویه‌کوبی

tanker باری مخزنی

taper لچکی

tar قطران

taximeter کرایه‌سنج

TDM

→ transportation demand management

temporary barrier مانع موقت

temporary structure سازهٔ موقت

terminal stop ایستگاه پایانی

terminal time پایانه‌مانی

three-phased

→ three-phased traffic light

three-phased traffic light چراغ راهنمایی سه‌زمانه، سه‌زمانه

syn. three-phased

through put حجم گذر

through traveled way سواره‌روِ عبوری

ticket validator

→ bus ticket validator

tidal flow جریان غالب

syn. tidal traffic

tidal traffic → tidal flow

tie bar میلهٔ اتصال

tiger's eye چشم‌ببری

time mean speed میانگین سرعت لحظه‌ای

time-of-day fare کرایهٔ تابع زمان

time space diagram نمودار زمان ـ فاصله

T intersection سه‌راهی عمودی

TIR carnet گذربرگ تیر
syn. carnet de TIR

tire patch تماسگاه لاستیک

TOD
→ transit-oriented development

toll bridge پل عوارضی

toll road راه عوارضی

toll tunnel تونل عوارضی

top coat آسفالت رویه، رویه

total mixing time مدت اختلاط کل

trace tree شبکهٔ درختواره

track طول محور

traffic شدآمد

traffic conditions وضعیت تردد

traffic congestion ازدحام تردد

traffic controller → flagperson

traffic control person
→ flagperson

traffic density چگالی تردد

traffic flow جریان شدآمد

traffic generating
→ traffic generation

traffic generation ایجاد تردد
syn. traffic generating

traffic generator ایجادکنندهٔ تردد

traffic impact analysis عارضه‌سنجی تردد
syn. impact analysis

traffic light → traffic signal

traffic model مدل تردد

traffic signal چراغ راهنمایی
syn. traffic light, stop light

traffic signals علائم راهنمایی

traffic zone حوزهٔ شدآمد

trafftic zoning حوزه‌بندی شدآمد

tramway قطار خیابانی

transfer passenger مسافر انتقالی

transfer passenger area محوطهٔ مسافر انتقالی

transfer passenger terminal پایانهٔ مسافر انتقالی

transfer passenger ticket بلیت مسافر انتقالی

transfer station ایستگاه انتقال

transfer time مدت زمان انتقال

transit گذری، گذر

transit cargo کالای گذری

transit centre مرکز ایستگاهی

transit charge گذرانه

transit hall تالار گذر

transition barrier حفاظ تبدیلی

transit line خط حمل‌ونقل عمومی

transit line branch خط انشعابی

transit line feeder خط تغذیه

transit line types الگوهای خطوط

transit mode classes رده‌های حمل‌ونقل عمومی

transit network
شبکهٔ حمل‌ونقل عمومی

transit-oriented development
abbr. TOD توسعهٔ انبوه‌برمبنا

transit passenger مسافر گذری

transit priority اولویت حمل‌ونقل عمومی

transit reliability
قابلیت اعتماد حمل‌ونقل عمومی

transit scheduling برنامه‌دهی ناوگان

transit service measure
سنجش خدمات حمل‌ونقل عمومی

transit stop[1] → bus stop

transit stop[2] ایستگاه حمل‌ونقل عمومی

transit street تندگذر

transit-supportive area
محدودهٔ اتوبوس‌پذیر
syn. bus coverage area

transit technology
فنّاوری حمل‌ونقل عمومی

transit unit line capacity
→ TU line capacity

transit visa روادید گذر

transportation demand management
abbr. TDM مدیریت تقاضای حمل‌ونقل

transportation productivity
بهره‌وری حمل‌ونقل

transportation system
سامانهٔ حمل‌ونقل

transportation systems management
abbr. TSM مدیریت سامانه‌های حمل‌ونقل

transship ترابار کردن

transshipment ترابَری

transverse seating چینش عرضی

travel demand management
→ mobility management

traveled way سواره‌رو[۲]

travel survey بررسی آماری سفر

travel time مدت مسافرت
syn. journey duration

traversable slope شیب قابل‌عبور

tree درختواره

trench برش‌راه

trip سفر

trip attraction جذب سفر

trip end سفربُن

trip generating
→ trip generation

trip generation ایجاد سفر
syn. trip generating

trip generator ایجادکنندهٔ سفر

trip growth factor ضریب رشد سفر

trolley bus اتوبوس برقی

trough routing خط تک‌پایانه

trunk transit line خط محوری

TSM
→ transportation systems management

TU line capacity ظرفیت ناوگانی خط
f.f. transit unit line capacity
tunnel دالانه، تونل
turn back زودبازگشت
syn. short turn
turning lane خط گردش
turnout خط مجال
turnover point ایستگاه پُرمسافر
turnstile
→ fare-registering faregate
two-by-one seating چینش دو- یک
syn. 2+1 seating
two-by-two seating چینش دو- دو
syn. 2+2 seating
2+1 seating
→ two-by-one seating
2+2 seating
→ two-by-two seating
two-sided weaving section
سطح ضربدری دوسمته

U

ULEZ
→ ultra-low emission zone
ultra-low emission zone
abbr. ULEZ محدودهٔ فراکاهش
unconstrained operation
تداخل نامزاحم
underpass زیرگذر
urban road راه درون‌شهری
user information اطلاعات سفر
syn. service information
utilized capacity ظرفیت بهره‌برداری

V

validator → bus ticket validator
van کاروانه
variable message sign
abbr. VMS تابلوی پیام‌متغیر
syn. dynamic message sign, DMS
vehicle hours وسیله- ساعت
vehicle kilometers وسیله- کیلومتر
vehicle kilometers of travel
abbr. VKT وسیله- کیلومتر سفر
vehicle line capacity
ظرفیت وسیلهٔ نقلیهٔ خط
vehicle occupancy میزان اشغال خودرو
vehicle signal actuating device
دستگاه فرمان واکنشی
vehicle staging lot صف‌گاه خودرو
vehicular trip سفر سواره
vertical alignment امتداد قائم مسیر
vertical curve قوس قائم
vertical device راهکار قائم
vertical force نیروی عمودی
vertical kerb جدول قائم

vibrator لرزانه

visual intrusion دیدآشوبی

visual pollution منظرآلایی

VKT
→ vehicle kilometers of travel

VMS → variable message sign

volume to capacity ratio
→ degree of saturation

W

wait assessment ارزیابی زمان انتظار

waiting time زمان انتظار

walking speed سرعت عابر پیاده، سرعت پیاده[۲]

way capacity ظرفیت مسیر

weaving ضربدری

weaving configuration آرایش ضربدری

weaving length طول ضربدری

weaving section سطح ضربدری

weaving width عرض ضربدری

wet mixing time مدت اختلاط تر

wheel base فاصلهٔ محوری

wheelchair lift بالابر کم‌توانان

windscreen card کارت برنامه

work time → platform time

work zone محدودهٔ کارگاهی

Y

Y intersection سه‌راهی جناغی

Z

zoned fare → zone fare

zone fare کرایهٔ منطقه‌ای
syn. zoned fare

zone of spatial commitement حوزهٔ دید مؤثر